



"بررسی تأثیرات مهاجرت نیروی کار بر جوامع بومی و محلی منطقه عسلویه"

استاد راهنما: دکتر محسن شوکت فدایی

استاد مشاور: دکتر محمد خالدي

دانشجو: علی اصغر دیداری

مرداد ۱۳۹۶

فصل اول : کلیات تحقیق.....	۵
مقدمه و بیان مسئله.....	۶
اهداف تحقیق.....	۸
سوال تحقیق.....	۸
معرفی منطقه عسلویه.....	۸
جمعیت بخش عسلویه در دوره‌های مختلف.....	۱۱
فصل دوم : چارچوب نظری و ادبیات تحقیق.....	۱۹
پیشینه تحقیق داخلی و خارجی.....	۲۰
۱- پیشینه داخلی.....	۲۰
۲- پیشینه خارجی.....	۲۷
نظریه های مهاجرت.....	۲۹
تعریف مفاهیم نظری.....	۳۱
نقش رسانه ها و ارتباطات جمعی در مهاجرت.....	۳۲
انواع مهاجرت.....	۳۳
تعریف صنعتی شدن.....	۳۸
تعریف نیروی کار:.....	۳۸
جوامع بومی :.....	۳۹
جمع بندی چارچوب نظری :.....	۳۹

فصل سوم : روش تحقیق و نمونه گیری.....	۴۱
مقدمه.....	۴۲
مصاحبه.....	۴۲
انواع مصاحبه.....	۴۳
مشاهده.....	۴۳
گردآوری اطلاعات میدانی:.....	۴۴
فصل چهارم : یافته‌های تحقیق.....	۵۲
امکانات و زیرساخت‌های منطقه.....	۵۴
امکانات و زیر ساخت های منطقه عسلویه.....	۵۹
آثار حضور مهاجرین بر اشتغال در منطقه.....	۶۱
جامعه آماری.....	۴۶
نمونه گیری.....	۴۶
آثار حضور مهاجرین بر فرهنگ مردم بومی.....	۶۳
نگرش مسئولین محلی در خصوص مهاجرت و پیامدهای توسعه صنعت نفت.....	۶۶
مهاجرت و آسیب‌های اجتماعی در منطقه عسلویه.....	۶۸
آثار امنیتی مهاجرت در منطقه.....	۷۲
امکانات رفاهی و زیربنایی و مهاجرت.....	۷۳
آثار حضور مهاجران بر توسعه محلی.....	۷۴
توسعه پایدار روستایی در منطقه عسلویه.....	۷۴
مفهوم توسعه پایدار برای نفت و گاز.....	۷۷
شاخص های توسعه پایدار محلی در صنایع نفت و گاز.....	۷۸
مهاجران و مسئولیت اجتماعی شرکتها در منطقه عسلویه.....	۸۰

فصل پنجم : جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارایه پیشنهادات ۹۰

فصل اول : کلیات تحقیق

مقدمه و بیان مسئله

با ورود و استقرار صنعت نفت و گاز از میانه دهه ۷۰ به منطقه عسلویه (به تازگی به شهرستان تبدیل گردیده است) که امروزه بزرگترین مخزن گازی جهان و پایتخت اقتصادی و انرژی خاورمیانه و ایران محسوب می شود، مهاجرت گسترده‌ای بدلیل وجود فرصتهای کاری و اقتصادی به این منطقه صورت گرفته است. تنوع این مهاجران بسیار بالاست. از یک طرف آنها از اقصی نقاط ایران هستند و همچنین دارای فرهنگ های مختلف و متفاوت و از طرف دیگر در قالبهای مختلف قراردادی و کاری می باشند. برخی از آنها کارمندان رسمی وزارت نفت، قراردادی و یا پیمانکاری صنعت نفت هستند که در منطقه بدون حضور خانواده هایشان مشغول به کار هستند. البته برخی از این کارکنان مهاجر بعد از مدتی حضور در منطقه عسلویه، کار در سکوهای نفت و گاز کشور های حاشیه خلیج فارس مانند قطر را به کار در عسلویه ترجیح داده و به آنجا مهاجرت کرده اند.

برخی دیگر فعالین اقتصادی هستند که کسب و کار خود را بویژه در حوزه خدمات بدلیل تقاضای شکل گرفته، راه اندازی کرده اند. همچنین برخی از آنها در کمپ های کارگری و کارمندی ساکن عسلویه شده اند. برخی دیگر به همراه خانواده هایشان به منطقه مهاجرت کرده اند اما در اثر ضعیف بودن ارتباطات اجتماعی با دشواری های فراوانی مانند بحران های روحی و روانی، مواجه و به شهر های مبدا خود بازگشته اند.

رشد یکباره جمعیت مهاجر در شهرستان عسلویه در دوره آماری ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰ بسیار نمایان است به طوری که جمعیت این شهرستان (منطقه) از ۸۹۳ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۶۵۵۸۴ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است که در این بین ۴۵۸۱۰ نفر از جمعیت را مردان (حدوداً ۷۰ درصد) و جمعیت زنان ۱۹۷۷۴ نفر (حدوداً ۳۰ درصد) را نشان می دهد. (آمار سال ۱۳۹۰) این تغییرات جمعیتی بدون شک تقاضا و نیاز به مصرف بیشتر و استفاده از جغرافیای منطقه را به همراه دارد. هر چند که در دیگر بخشهای منطقه نیز رشد جمعیت بالا بوده ولی از تعادل نسبتاً بهتری برخوردار است. جالب اینکه بنا به اطلاعات مرکز آمار سال ۱۳۹۰ جمعیت عسلویه تغییری نداشته ولی سهم جمعیت زنان ۲ برابر مشابه سال ۱۳۸۵ شده است که نشان از سیاست افزایش حضور زنان در منطقه ویژه دارد.

طبیعی است که با ورود مهاجران کاری دگرگونی و تاثیرات زیادی بر معیشت ساکنان محلی و بومی عسلویه و روستاهای پیرامونی چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ فرهنگی گذاشته است. (که در این تحقیق به چگونگی و روند این تاثیرات اقتصادی و فرهنگی و تغییر معیشت آنان اشاره خواهد شد).

در طی این دوره نیروهای کاری ساده به نیروهای فنی و تخصصی ارتقاء یافته است، بویژه در تاسیسات گازی این نیروهای مهاجر در حال تبدیل شدن به سرمایه های انسانی و اجتماعی هستند اما ساکنین منطقه از کمیت و

کیفیت به کارگیری نیروهای بومی در فرصتهای شغلی ایجاد شده رضایت ندارند و می گویند سهم آنان در صنایع نفتی بسیار اندک است و آنانی را هم که بکار گرفته اند در شغل های خدماتی با منزلت اجتماعی سطح پایین است.

بعد از ورود مهاجران به منطقه، وضعیت رفاه اساسی و کیفیت زندگی با دگرگونی همراه شده و میزان آسیبهای اجتماعی بسیار بالا رفته است، امنیت روستاهای پیرامونی را در معرض خطر قرار داده است و بومیان بعنوان میزبانان این صنعت احساس امنیت خوبی ندارند و از نگاه آنان ورود مهاجران باعث مشکلات عدیدهایی مانند ناامنی و نگرانی برای خانواده های آنان گردیده است.

حال با توجه به مطالب بیان شده فوق، بررسی و تحلیل تاثیرات مثبت و منفی حاصل از ورود نیروی کار مهاجر غیر بومی به منطقه عسلویه بر جامعه بومی حایز اهمیت می باشد. در این پایان نامه تلاش می شود با انتخاب منطقه عسلویه به عنوان یک منطقه نمونه و الگو و ارزیابی آثار منتج از ورود نیروهای مهاجر و تاثیرات صنعتی شدن منطقه بر جامعه محلی، به ارایه راهکارها و پیشنهاد های اصلاحی برای ترمیم و بهبود وضعیت ساکنان بومی منطقه و همچنین مهاجران غیر بومی پرداخته شود.

با توجه به اینکه قبلا مشابه این تحقیق با موضوع (مهاجرت) در عسلویه صورت نگرفته است و هم اکنون برنامه های قریب الوقوع دولت مبنی بر توسعه نفتی در منطقه جاسک، غرب کارون، یادآوران و منطقه چابهار و تبدیل این مناطق به دومین پایانه صدور نفت کشور برای جوامع محلی عواقب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در پی خواهد داشت. بنابراین به منظور جلوگیری و پیشگیری از تکرار پیامدهای توسعه نامتوازن در عسلویه (مانند: آلودگی هوا، آب، دریا و ساحل، صوتی، خاک و مواد شیمیایی منتشر شده ناشی از فلرها و عدم رعایت ارزیابی های زیست محیطی و از همه مهمتر در نظر نگرفتن ملاحظات محیط زیستی عدم تعامل بین محیط زیست و توسعه) و درس های آموخته هایی که می توان از آن کسب کرد که در مناطق توسعه ای نفت و گاز و پتروشیمی آینده که جزو برنامه های کلان وزارت نفت در مناطقی مانند یادآوران، غرب کارون، مکران، جاسک و چابهار می باشد می توان از نتایج این تحقیق و تجارب بدست آمده از مهاجران و جامعه بومی و محلی در عسلویه از تکرار کارهایی را که نباید انجام داد و همچنین کار هایی که باید انجام داد را در اختیار مسئولان و برنامه ریزان کلان کشوری و محلی قرار داد تا تعارضات و پیشگیری از پیامد های حضور مجموعه صنعت نفت و گاز در این مناطق جدید کاهش یابد و همچنین گام های اساسی با در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی بویژه مسئله ورود مهاجرت ها در مناطق جدید که در نظر گرفت.

بدلیل این مسائل اهمیت و ضرورت تحقیقاتی پیرامون وضعیت مهاجران در منطقه عسلویه، میزان انطباق آنها با جامعه محلی و همچنین آثار و پیامدهای حضور آنان بسیار بدیهی است. بنابراین این پژوهش درصدد پرداختن به این موضوع مهم می‌باشد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی از این پژوهش تحلیل تاثیر مهاجرت افراد به منطقه عسلویه و بررسی راهکارها و نظرات جامعه محلی در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از حضور مهاجرین است

از اهداف فرعی این تحقیق نیز به موارد زیر می‌باشد:

- بررسی شاخص‌های اقتصادی و فرهنگی
- بررسی وضعیت موجود منطقه
- بررسی نگرش مردم محلی نسبت به مهاجران

سوال تحقیق

آیا حضور مهاجران تاثیری بر توسعه اقتصادی، فرهنگی جوامع بومی عسلویه داشته است؟

در این تحقیق با طرح این سؤال اصلی، دنبال پاسخی برای سؤالات زیر نیز هستیم:

- مهاجرت به منطقه چه آثار مثبت و منفی بر شاخص‌های مهاجرت از جمله شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، محیط زیستی و بهداشتی بر جامعه محلی و بومی گذاشته است؟
- چه راهکارهایی برای کاهش آثار منفی و تقویت آثار مثبت وجود دارد؟
- تعامل جامعه محلی و بومی و مهاجرت وارد شده به منطقه عسلویه چگونه است؟

معرفی منطقه عسلویه

- عسلویه یکی از بخش‌های شهرستان کنگان در استان بوشهر می‌باشد که در فاصله ۷۵ کیلومتری جنوب مرکز شهرستان قرار گرفته است. این بخش در منتهی‌الیه استان بوشهر و در همسایگی شهرستان پارسیان (گاوبندی) استان هرمزگان قرار دارد. بخش عسلویه از غرب به روستای شیرینو (بخش مرکزی کنگان)، از شمال به ادامه دامنه سلسه جبال زاگرس، از جنوب به خلیج فارس و از شرق به شهرستان پارسیان محدود می‌شود. مساحت آن ۹۳۶ کیلومتر مربع و حدود ۶۰ کیلومتر مرز آبی با خلیج فارس

دارد. عسلویه تا قبل از سال ۱۳۸۱ یکی از دهستان‌های بخش مرکزی کنگان بوده که در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۹ از دهستان به بخش ارتقا یافت. این بخش هم‌اکنون دارای دو دهستان به نام‌های عسلویه به مرکزیت شهر عسلویه و نایبند به مرکزیت روستای چاه‌مبارک می‌باشد.^۱

- منطقه عسلویه از نظر شرایط اقلیمی و جغرافیایی دارای عرض جغرافیایی ۲۷ و طول جغرافیایی ۵۲ درجه است که پوشش گیاهی متوسط و پراکنده با برخی اراضی انبوه نخل و درختچه‌های «حرا» دارد.

- منطقه عسلویه دارای زمستانی معتدل و تابستانی گرم و مرطوب است. درجه حرارت هوا در این منطقه بین ۵ تا ۵۰ درجه سانتی‌گراد و رطوبت نسبی آن بین ۵۹ تا ۸۸ درصد است و سالانه ۱۸۰ میلی‌متر بارندگی دارد.^۲

- بخش عسلویه با مرکزیت بندر عسلویه یکی از بنادر پنج‌گانه خلیج فارس بوده و قدمت آن از بندر بصره در عراق و سیراف در بوشهر و کنگ در هرمزگان بیشتر است. دو روایت برای نام عسلویه در تاریخ موجود است:

- ۱- قبلاً آن را «اسلو» می‌گفتند. اسلو یعنی آهسته‌گاه و یا لنگرگاه که در آن زمان شناورهای بادبانی در هنگام طوفان و موج به اسلو پناه می‌بردند و بعدها «اسلویه» خوانده شد.

- ۲- به روایت دیگر به لحاظ وجود درختان حرا در جنگل‌های نایبند، تراوش‌هایی که از این درختان می‌شده برای تغذیه زنبور عسل بوده و بنابراین عسل فراوانی در منطقه جمع‌آوری و به بندر سیراف برای فرستادن به خارج از کشور برده می‌شده است و به همین سبب «عسلویه» خوانده شده است.^۳

- از سال ۱۳۷۶ فعالیت‌های مربوط به ایجاد صنعت نفت و گاز و پتروشیمی در منطقه عسلویه شروع شد. از آن زمان تا کنون تغییرات عمده‌ای در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی این منطقه اتفاق افتاده است.

- شهر عسلویه بعنوان مرکز فعالیت‌های منطقه، خارج از محدوده فنس‌های منطقه ویژه پارس شناخته می‌شود. با مشخص شدن محدوده منطقه ویژه، دو شهر عسلویه و نخل‌تقی امکان گسترش عرضی ندارند ولی در صورت ضرورت از طریق استحصال دریا تا حدودی گسترش شهر امکانپذیر است. کما

^۱ بخش‌داری منطقه عسلویه، ۱۳۸۷

^۲ پیشین

^۳ پیشین

اینکه خیابان ساحلی عسلویه و نخل تقی و همچنین پارکی که این دو شهر را به هم متصل می‌کند از این طریق ساخته شده‌اند.

- شغل مردم منطقه
- شغل اهالی بومی منطقه عسلویه از قدیم‌الایام بر ۳ شیوه کشاورزی، دامداری و صیادی - تجارت استوار بوده است:
- کشاورزی: کاشت و برداشت محصولات مانند خرما، گوجه، سبزیجات، صیفی کاری، پیاز و ...
- دامداری: پرورش دام شتر، گاو، بز و گوسفند
- تجارت و صیادی: ماهیگیری و صیادی و سفرهای تجارت از طریق مبادلات با کشورهای همسایه حاشیه خلیج فارس.
- اما از زمان استقرار سازمان منطقه ویژه و خرید اراضی کشاورزی بومیان جهت جایگزین نمودن پروژه‌های گاز، پتروشیمی و سایر تاسیسات جانبی، عملاً بخش کشاورزی و دامداری کارایی خود را از دست داده و در عسلویه و نخل تقی تقریباً از بین رفته است. در حال حاضر اشتغال اهالی منطقه محدود به صیادی، ملوانی، اجاره‌داری، مسافربری با موتور سیکلت و بصورت محدود جذب مشاغل خدماتی (باغبانی فضای سبز، آبدارچی و ...) در شرکتهای منطقه شده است.

- قومیت، نژاد و زبان
- تقریباً اکثر بومی‌های بخش عسلویه بجز روستای بیدخون که شیعه و فارس زبان هست، بقیه سنی و عرب زبان هستند. البته تعداد کمی هم خانواده‌های عرب‌زبان شیعه وجود دارد. نکته مهم و قابل تعامل تساهل مذهبی بسیار بالای اهل سنت و شیعه در بخش عسلویه هست که علیرغم اعتقادات مذهبی اهل سنت، آنها در ماههای محرم و صفر که ماههای عزاداری شیعیان هست، هیچ نوع مراسم شادی برگزار نمی‌کنند و حتی در مواقعی در نذری‌ها و مراسم عزاداری هم شرکت می‌کنند. این تساهل و احترام متقابل در تمام برخوردها و مصاحبه‌ها به وضوح دیده می‌شد^۱. که این مهم نکته قوت آن جامعه محلی و بومی می‌باشد که حتی در ابعاد امنیتی و سیاسی هم می‌تواند کارکرد عینی داشته باشد.

^۱ مصاحبه با افراد بومی و مشاهدات نگارنده

جمعیت بخش عسلویه در دوره‌های مختلف

قابل توجه اینکه در سرشماری سال ۱۳۷۵ آمار تفکیکی روستاهای منطقه به جز عسلویه و نخل تقی ذکر نشده است.

روند تحولات جمعیتی دو روستای عسلویه و نخل تقی به شرحی است که در جدول زیر آمده:^۱

جدول شماره ۱

	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	متوسط نرخ رشد سالیانه
عسلویه	۷۸۳	۱۰۹۱	۹۰۸	۱۹۷۹	۳۰۸۷	۴۷۷۹	۳,۷
نخل تقی	۱۰۲۶	۱۳۰۵	۱۷۸۵	۲۷۸۴	۴۳۱۳	۷۸۲۱	۴,۱

به منظور بررسی آمار جمعیتی بخش عسلویه و روستاهای آن که در جداول ۱ تا ۵ آورده شده است.

آمار جمعیتی بخش عسلویه و روستاهای آن در سرشماری ۱۳۸۵

جدول شماره ۲: جمعیت بخش عسلویه و روستاهای آن در سرشماری ۱۳۸۵

	روستا	خانوار	جمعیت		
			کل	مرد	زن
	کل بخش	۶۵۵۷	۵۴۳۲۰	۴۱۶۴۶	۱۲۶۷۴
۱	عسلویه	۸۷۵	۴۷۴۶	۲۹۶۲	۱۷۸۴
۲	اخذ	۴۵۵	۲۴۹۲	۱۳۱۴	۱۱۷۸

^۱ منبع: سایت مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر به آدرس:

۳	بزباز	۹۱	۳۹۴	۲۲۳	۱۷۱
۴	بیدخون	۴۶۱	۱۸۹۰	۱۳۳۰	۵۶۰
۵	دهنو	۹۰	۵۹۶	۳۳۴	۲۶۲
۶	عسکری	۹۳	۶۶۲	۳۱۴	۳۱۲
۷	کلات	۷۰	۳۳۳	۱۹۹	۱۳۴
۸	گوداخذ	۵	۴۴	۲۱	۲۳
۹	چاه مبارک	۳۸۵	۲۳۴۳	۱۲۲۴	۱۱۱۹
۱۰	بستانو	۱۷۱	۹۶۹	۵۱۲	۴۵۷
۱۱	خيارو	۷۷	۵۲۰	۲۵۹	۲۶۱
۱۲	سواحل	۶۹	۳۷۵	۱۸۵	۱۹۰
۱۳	مروع	۶۲	۳۷۵	۲۰۰	۱۷۵
۱۴	بندو	۹۰	۵۷۱	۲۹۲	۲۷۹
۱۵	سهمو جنوبی	۱۱۴	۷۵۶	۳۷۲	۳۸۴
۱۶	سهمو شمالی	۱۲۶	۹۵۲	۴۷۰	۴۸۲
۱۷	خره	۶۷	۴۸۰	۲۴۵	۲۳۵
۱۸	زبار	۱۲۲	۸۱۰	۳۹۷	۴۱۳
۱۹	صفیه	۱۸	۱۱۲	۵۰	۶۲
۲۰	کنارخیمه	۴۹	۳۷۶	۱۸۶	۱۹۰

۲۱	بساتین	۱۰۸	۶۳۸	۳۲۰	۳۱۸
۲۲	بنود	۷۷	۵۱۹	۲۷۹	۲۴۰
۲۳	هاله	۹۷	۶۴۱	۳۱۹	۳۲۲
۲۴	نخل تقی	۱۵۷۴	۷۸۱۸	۵۲۴۲	۲۵۷۶

جدول ۳: جمعیت بخش عسلویه و روستاهای آن در سرشماری ۱۳۹۰

ردیف	آبادی	دهستان	شهر	بخش	شهرستان	استان	تعداد خانوار	زن	مرد	جمعیت
۱				عسلویه	کنگان	بوشهر	۱۰۳۶۴	۱۹۷۷۴	۴۵۸۱۰	۶۵۵۸۴
۲		عسلویه		عسلویه	کنگان	بوشهر	۳۵۱۳	۵۵۸۱	۲۷۳۶۹	۳۲۹۷۷
۳	منطقه ویژه پارس جنوبی ۱	عسلویه		عسلویه	کنگان	بوشهر	۲۳۲	۱۸۳	۶۲۲۳	۶۴۰۶
۴	منطقه ویژه پارس جنوبی ۲	عسلویه		عسلویه	کنگان	بوشهر	۵۸۷	۴۰۵	۱۴۷۵۸	۱۵۱۳۶
۵	بیدخون	عسلویه		عسلویه	کنگان	بوشهر	۱۳۰۵	۱۹۷۷	۳۲۹۲	۵۲۶۹
۶	ده نو	عسلویه		عسلویه	کنگان	بوشهر	۲۲۴	۴۸۲	۴۸۶	۹۶۸
۷	عسکری	عسلویه		عسلویه	کنگان	بوشهر	۱۷۳	۴۲۵	۴۲۲	۸۴۷
۸	کلات	عسلویه		عسلویه	کنگان	بوشهر	۱۵۳	۲۵۹	۳۰۵	۵۶۴
۹	گوداخذ	عسلویه		عسلویه	کنگان	بوشهر	۵	۲۰	۱۷	۳۷
۱۰	بزاباز	عسلویه		عسلویه	کنگان	بوشهر	۲۱۶	۳۸۰	۴۲۵	۸۰۵
۱۱	اخذ	عسلویه		عسلویه	کنگان	بوشهر	۶۱۸	۱۴۵۰	۱۴۶۸	۲۹۱۸
۱۲		نای بند		عسلویه	کنگان	بوشهر	۲۷۰۹	۶۲۹۰	۶۹۳۰	۱۳۲۲۰
۱۳	بستانو	نای بند		عسلویه	کنگان	بوشهر	۳۰۰	۶۳۹	۶۹۱	۱۳۳۰
۱۴	چاه مبارک	نای بند		عسلویه	کنگان	بوشهر	۷۷۳	۱۶۱۱	۱۷۳۷	۳۳۴۸
۱۵	سواحل	نای بند		عسلویه	کنگان	بوشهر	۶۶	۱۸۵	۱۹۹	۳۸۴
۱۶	سهموی شمالی	نای بند		عسلویه	کنگان	بوشهر	۲۰۵	۵۷۸	۵۹۰	۱۱۶۸
۱۷	مروع	نای بند		عسلویه	کنگان	بوشهر	۹۰	۲۲۰	۲۴۲	۴۶۲
۱۸	بندو	نای بند		عسلویه	کنگان	بوشهر	۱۳۷	۳۰۳	۳۱۸	۶۲۱
۱۹	خیارو	نای بند		عسلویه	کنگان	بوشهر	۱۳۲	۳۱۴	۳۴۱	۶۵۵
۲۰	دزدانه	نای بند		عسلویه	کنگان	بوشهر	*	*	*	*
۲۱	سهموی جنوبی	نای بند		عسلویه	کنگان	بوشهر	۲۳۹	۶۴۱	۵۷۸	۱۰۳۹
۲۲	خره	نای بند		عسلویه	کنگان	بوشهر	۱۱۹	۲۷۷	۳۰۱	۵۷۸

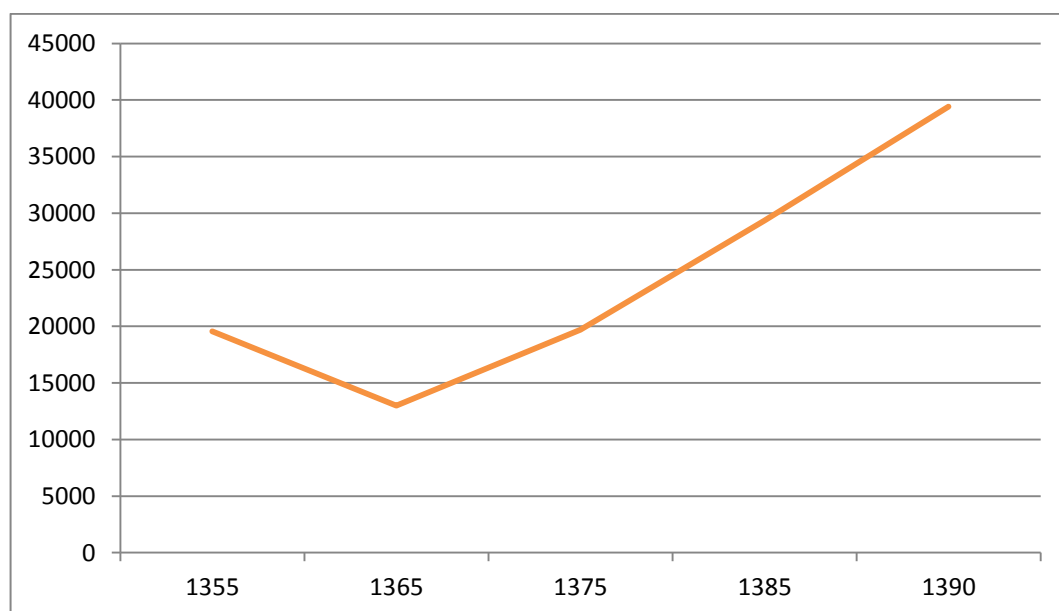
۵۵۸	۲۷۸	۲۷۱	۱۱۸	بوشهر	کنگان	عسلویه		نای بند	بنود	۲۳
۴۸۶	۲۳۵	۲۵۱	۱۱۲	بوشهر	کنگان	عسلویه		نای بند	کنار خیمه	۲۴
۹۲۲	۶۰۰	۳۲۲	۱۲۰	بوشهر	کنگان	عسلویه		نای بند	بساتین	۲۵
۸۰۵	۳۹۶	۴۰۹	۱۴۲	بوشهر	کنگان	عسلویه		نای بند	زبار	۲۶
۱۳۰	۶۰	۷۰	۲۳	بوشهر	کنگان	عسلویه		نای بند	صفیه	۲۷
۷۲۶	۳۵۰	۳۷۶	۱۳۰	بوشهر	کنگان	عسلویه		نای بند	هاله	۲۸
۷۸۸۴	۴۶۵۷	۳۲۲۷	۱۷۰۹	بوشهر	کنگان	عسلویه	عسلویه			۲۹
۱۱۵۰۳	۶۸۲۷	۴۶۷۶	۲۴۳۳	بوشهر	کنگان	عسلویه	نخل تقی			۳۰

جدول شماره ۴ - روند تغییرات جمعیتی شهرستان عسلویه از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

جمعیت					نام شهر یا روستا
۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	
۲۹۱۸	۲۴۹۲	۱۵۷۱	۱۱۲۹	۶۷۴	اخذ
۸۰۵	۳۹۴	۲۱۱	۱۵۴	۱۱۲	بزباز
۹۲۲	۶۳۸	۴۹۵	۴۸۰	۲۹۰	بساتین
۱۳۳۰	۹۶۹	۷۵۴	۱۰	۴۳۷	بستانو
۶۲۱	۵۷۱	۴۳۷	۳۲۸	۱۴۳	بندو
۵۵۸	۵۱۹	۴۵۱	۲۷۳	۶۶۸	بنود
۵۲۶۹	۱۸۹۰	۸۹۳	۶۶۸	۱۵۴	بیدخون
۳۳۴۸	۲۳۴۳	۱۷۸۶	۱۳۲۴	۶۸۴	چاه مبارک
۵۷۸	۴۸۰	۳۷۴	۱۹۶	۸۹۳	خره
۶۵۵	۵۲۰	۴۷۶	۳۴۷	۱۳۲۴	خیارو
۹۶۸	۵۹۶	۴۸۱	۳۵۸	۲۳۴۳	ده نو
۸۰۵	۸۱۰	۷۳۹	۴۵۹	۱۸۹۰	زبار
۳۸۴	۳۷۵	۲۶۵	۱۹۶	۲۲۲	سواحل
۱۰۳۹	۷۵۶	۵۷۵	۴۴۰	۲۴۲	سهمو جنوبی

۱۱۶۸	۹۵۲	۷۷۷	۵۷۴	۳۴۷	سه‌م‌و شمالی
۱۳۰	۱۱۲	۱۰۴	۱۰۰	۵۲۶۹	صفیه
۸۴۷	۶۲۶	۵۵۱	۳۱۸	۴۷۶	عسگری
۵۳۴۹	۴۷۴۶	۳۰۸۷	۱۹۷۹	۸۰۵	عسلویه
۵۶۴	۳۳۳	۱۹۵	۱۵۱	۶۵۵	کلات
۴۸۶	۳۷۶	۳۶۹	۱۹۸	۱۲۴	کنارخیمه
۴۶۲	۳۷۵	۲۷۷	۱۸۰	۱۱	مروغ
۹۴۹۳	۷۸۱۸	۴۳۱۳	۲۷۸۴	۱۷۸۵	نخل تقی
۷۲۴	۶۵۴	۵۲۵	۳۴۰	۰	هاله
۳۹۴۲۵	۲۹۳۴۵	۱۹۷۰۶	۱۲۹۸۶	۱۹۵۴۸	جمع کل

نمودار تغییرات جمعیت شهرستان عسلویه



جدول شماره ۵ - نرخ رشد جمعیت شهرستان عسلویه از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

نام شهر و یا روستا	نرخ رشد سال ۶۵ به ۵۵	نرخ رشد ۶۵ به ۷۵	نرخ رشد ۸۵ به ۷۵	نرخ رشد ۸۵ به ۹۰
اخذ	۰/۰۵۲۹۳۹	۰/۰۳۳۵۹	۰/۰۴۷۲۱۸۲	۰/۰۳۲۰۶۶
بزاباز	۰/۰۳۲۳۵۸	۰/۰۳۱۹۹۲	۰/۰۶۴۴۴۰۵	۰/۰۱۵۳۶۱۲
بساتین	۰/۰۵۱۶۸۲	۰/۰۰۳۰۸۲	۰/۰۲۵۷۰۲۸	۰/۰۷۶۴۲۱
بستانو	-۰/۳۱۴۵۹	۰/۵۴۰۷۶۸	۰/۰۲۵۴۰۴۶	۰/۰۶۵۳۸۳
بندو	۰/۰۸۶۵۶	۰/۰۲۹۱۰۸	۰/۰۲۷۱۰۶۵	۰/۰۱۶۹۳
بنود	-۰/۰۸۵۶	۰/۰۵۱۴۸۱	۰/۰۱۴۱۴۲۷	۰/۰۱۴۵۹۷
بیدخون	۰/۰۱۵۸۰۴۵	۰/۰۲۹۴۵۵	۰/۰۷۷۸۵۶۷	۰/۰۲۲۷۵۹
چاه مبارک	۰/۰۶۸۲۷۵	۰/۰۳۰۳۸۵	۰/۰۲۷۵۱۷۵	۰/۰۷۳۹۹۶
خره	-۰/۰۱۴۰۷۱	۰/۰۶۶۷۴۷	۰/۰۲۵۲۶۷	۰/۰۳۷۸۵۷
خیارو	-۰/۰۱۲۵۳۳	۰/۰۳۲۱۱۴	۰/۰۰۸۸۰۳	۰/۰۴۷۲۴۳
ده نو	-۰/۰۱۷۱۲۷	۰/۰۲۹۹۷۴	۰/۰۲۱۶۶۸۸	۰/۰۱۰۱۸۵۸
زبار	-۰/۰۱۳۱۹۷	۰/۰۴۸۷۷۷	۰/۰۰۹۲۱۵۸	۰/۰۰۱۲۳۸
سواحل	-۰/۰۱۲۳۸	۰/۰۳۰۶۲۱	۰/۰۳۵۳۲۹۴	۰/۰۰۴۷۵۵
سهمو جنوبی	۰/۰۶۱۶۰۷	۰/۰۲۷۱۲۱	۰/۰۲۷۷۴۵۱	۰/۰۶۵۶۶
سهمو شمالی	۰/۰۵۱۶۱۹	۰/۰۳۰۷۴۴	۰/۰۲۰۵۲۰۲	۰/۰۴۱۷۴۴
صفیه	-۰/۰۳۲۷۲۹	۰/۰۰۳۹۳	۰/۰۰۷۴۳۸۳	۰/۰۳۰۲۵۶
عسگری	-۰/۰۳۹۵۳	۰/۰۵۶۵۰۷	۰/۰۱۲۸۴۳۳	۰/۰۶۲۳۳۶
عسلویه	۰/۰۹۴۱۲	۰/۰۴۵۴۶۴	۰/۰۴۳۹۴۸۶	۰/۰۲۴۲۱
کلات	-۰/۰۱۳۶۴۸	۰/۰۵۲۹۰۲	۰/۰۵۴۹۷۲۱	۰/۰۱۱۱۱۳۵
کنارخیمه	۰/۰۴۷۹۱۱	۰/۰۶۴۲۳۲	۰/۰۰۱۸۸۱	۰/۰۵۲۶۶۴
مروع	۰/۰۳۲۲۴۷۷	۰/۰۴۴۰۴۹	۰/۰۳۰۷۵۴۳	۰/۰۴۲۶۱۱
نخل تقی	۰/۰۴۵۴۵	۰/۰۴۴۷۴۷	۰/۰۶۱۲۸۴	۰/۰۳۹۵۹
هاله	*	۰/۰۴۴۴۰۳	۰/۰۲۲۲۱۴	۰/۰۲۱۱۰۸

با مقایسه آمار " نرخ رشد در شهرستان عسلویه با متوسط استانی و کشور مشخص میشود که نرخ رشد جمعیت در منطقه همواره بیشتر از متوسط استانی است و کشوری بوده است. در حالی که از سال ۱۳۶۵ به بعد، همواره نرخ رشد جمعیت در مناطق محلی کشور و حتی کل کشور روند کاهشی داشته است، اما این نرخ در استان بوشهر و بخصوص در شهرستان عسلویه از سال ۱۳۷۵ به بعد (زمان ورود صنعت نفت و تاسیسات نفت و گاز) روند رو به رشدی را تجربه کرده اند، که علت آن را باید در حرکات مکانی مهاجران و نیروی کار به منطقه بواسطه حضور صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و صنایع وابسته و نیز گرایش ذاتی مردم محلی به فرزندآوری بیشتر و امید به آینده تبیین نمود. در این مورد نیز مشاهده می شود که نرخ رشد جمعیت در مناطق همجوار تاسیسات بیشتر از مناطق با فاصله دورتر بوده است. (طالبیان و همکاران ۱۳۹۴)

تبدیل شدن عسلویه از بخش به شهرستان

بر اساس ابلاغیه مصوبه شماره ۲۰۰۶۵۳ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲ معاون اول رئیس جمهور به وزارت کشور بخش عسلویه به شهرستان با ترکیب بخش های:

- 1 - بخش مرکزی به مرکزیت شهر عسلویه (شامل دهستان های عسلویه و اخند و شهر نخل تقی)
- 2 - بخش چاه مبارک به مرکزیت چاه مبارک (شامل دهستان های نای بند و چاه مبارک) تصویب شد.

جدول ۶- آخرین تقسیمات در شهرستان جدیدالتصویب عسلویه

شهرستان	بخش	مرکز	شهرها	دهستان ها	مرکز	روستاها و مناطق
	بخش	بخش		دهستان	دهستان	
عسلویه	مرکزی	عسلویه	عسلویه	عسلویه	عسلویه	مانند تقسیمات قبل
				اخند	اخند	اخند، بوتنگ، دهنو، عسگری، کلات و گود اخند
			نخل تقی	-	-	مانند تقسیمات قبل
	چاه مبارک	چاه مبارک	-	چاه مبارک	چاه مبارک	بندو، بستانو، تنگ وج، جلالات، چاه مبارک، خیارو، دردانه، زمینو، سهمو شمالی، سهمو جنوبی، سواحل، عین اساده، مروع و نجیر
				نایبند	زبار	مانند تقسیمات قبل

فصل دوم: چارچوب نظری و ادبیات تحقیق

پیشینه تحقیق داخلی و خارجی

۱- پیشینه داخلی

توسعه بی رویه و رشد پر شتاب صنایع نفت و گاز در عسلویه مشکلات و چالش های زیادی را برای جوامع بومی و محلی بویژه جامعه میزبان (پیرامونی) آن ایجاد کرده است، توسعه ناپایدار باعث گردیده که پس از گذشت بیش از یک دهه از ورود صنعت همراه با تکنولوژیهای جدید، چالش های بسیاری را در منطقه عسلویه برجای بگذارد، در برای رفع و کاهش پیامد های آن لازمه ورود تصمیم گیران امر توسعه پایدار در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بویژه محققان حوزه علوم اجتماعی و جامعه شناسی را می طلبد چرا که این وضعیت علاوه بر ساکنان منطقه عسلویه، برای سایر گروه های دست اندکار، مانند مسئولین و مقامات دولتی و محققان نیز به یک موضوع چالش برانگیز تبدیل شده است.

اولین کار تحقیقاتی بعد از ورود صنعت به عسلویه، که نشان دهنده و نمایانگر برخی از چالش ها و پیامد های فرهنگی و اجتماعی عسلویه است توسط انجمن جامعه شناسی ایران و سازمان منطقه ویژه اقتصادی پارس تحت عنوان "بررسی پیامد های اجتماعی، فرهنگی طرح های بزرگ توسعه صنعتی کشور (مورد مطالعه پارس جنوبی)"^۱ در سال ۱۳۸۴ انجام شده است. به عبارت دیگر این بررسی را می توان بعنوان پایه و اساس مطالعات تحقیق و پژوهشگران در حوزه صنعت نفت و گاز، پتروشیمی ها و صنایع فولاد در نظر گرفت.

دومین کار تحقیقاتی پایان نامه احمد ملاکی با عنوان "بررسی اثرات قطب های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی (مطالعه موردی قطب رشد صنعتی عسلویه) می باشد که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

هدف اصلی تحقیق و بررسی فوق اثرات توسعه صنعتی بر توسعه پایدار محلی در منطقه عسلویه بوده است. یافته های حاصل از این تحقیق نشان دهنده این است که حضور صنعت و گسترش سریع توسعه صنعتی در منطقه عسلویه پیامد های مختلفی داشته اما همپای توسعه صنعتی، توسعه پایدار اجتماعات محلی تحقق نیافته است. البته در حوزه هایی مانند آموزش و بهداشت، زیر ساخت ها و امکانات نسبت به وضعیت قبل از ورود صنعت بهبود یافته است ولی در حوزه هایی مثل اشتغال بومیان، به نسبت غیر بومیان کمتر به کار گرفته شده است.

^۱ مجموعه این طرح در انجمن جامعه شناسی ایران و سازمان منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی با عنوان "گزارش تلفیقی و تکمیلی طرح مطالعات اجتماعی عسلویه" موجود است.

اما در حوزه محیط زیست و کشاورزی، صیادی، آلودگی های محیط زیستی، بیماری های تاثیر گرفته از هوای آلوده و مسموم منطقه، گسترش آسیب های اجتماعی، نابرابری و تبعیض و ... تاثیرات منفی بر اجتماعات محلی برجای مانده است و روز به روز افزون تر می شود.

سومین تحقیق توسط محسن ابراهیم پور در سال ۱۳۸۳ با عنوان "بررسی شیوه ها و راهکار های انطباق عام و پویای مردم محلی با طرح توسعه منطقه اقتصادی انرژی پارس" انجام شده است. این پژوهش به بررسی و تحلیل انطباق مردم محلی با طرح توسعه منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی پرداخته است. یکی از یافته های این پژوهش مردم بومی را پتانسیل بسیار مثبتی جهت همسایگی و همکاری در طرح توسعه را دارند و با برنامه های مناسب میتوان این استعداد ها را در جهت پایداری طرح مورد استفاده قرار داد.

چهارمین تحقیق توسط سیدامیر طالبیان و محمد فاضلی با عنوان اهمیت راهبردی تحلیل پیامد های اجتماعی دیدگاه های نظری حاکم بر توسعه صنعت نفت و گاز انجام شده است. در این پژوهش که به مسئله ساز بودن اشتغال بومیان منطقه عسلویه پرداخته است اشاره شده که فقدان تخصص و مهارت های لازم برای کار صنعتی نزد بومیان سبب شده تا بومیان در مشاغلی به کار گرفته شوند که به لحاظ اجتماعی مطلوب نیست. انباشته شدن همه بومیان در این گونه مشاغل، زمینه بروز نارضایتی و چالش های اجتماعی را در منطقه در پی داشته است. بومیان منطقه عسلویه انتظار دارند به صورت مستقیم در پست های پر منزلت واحد های صنعتی و نفتی نیز ورود پیدا کنند. البته شواهدی از نارضایتی اجتماعات محلی از شیوه توسعه صنعت نفت در مناطق عسلویه و خارگ نیز مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در این تحقیق به نوع رابطه توسعه صنعت نفت و گاز با اجتماعات میزبان این اقدامات توسعه ای اشاره شده و آن را از منظر جامعه شناختی آسیب شناسی می کند. به استناد شواهد برآمده از دو مطالعه تجربی در مناطق عسلویه و خارگ بهره گیری رویکرد های جدید در تنظیم رابطه صنعت نفت و گاز با مردم مناطق نفت خیز در جهان، تحلیلی انتقادی از رویکرد های به کار گرفته شده در توسعه صنعت نفت و گاز در ایران ارائه داده شده و چرایی بروز مشکلاتی که سبب ایجاد پیامد های اجتماعی و فرهنگی ناخوشایند می شوند تبیین نموده است.

اما در مجموع با بررسی کتابخانه ای و مراجعه به دفاتر مرتبط آن چه که مشاهده گردید این است که تعداد پژوهش های انجام گرفته با موضوع مهاجرت کاری به مناطق صنعتی مانند عسلویه و پیامد های آن بسیار کم و موردی است و در این مورد تحقیق عمیقی صورت نگرفته است.

حال با توجه به سیاست های کلان دولت در امر توسعه صنعتی در مناطق ساحلی و دریایی جدید غرب کارون، یادآور، آزادگان، چابهار، جاسک و مکران و... میباید تحقیقات اساسی بیشتری در این زمینه صورت بگیرد تا از تبعات و پیامدهای منفی اثرات تجمعی و زیست محیطی صنایع بویژه صنعت نفت، گاز و صنایع فولاد و پتروشیمی ها و تاثیر منفی ورود مهاجرین کاری بر جامعه پیرامونی و محلی کاست و از طرفی این بار قبل از ورود و هجوم تاسیسات نفت و گاز و صنایع پتروشیمی به مناطق جدید راهکارهای مناسب را مورد بررسی قرار داد.

در تحقیقی قدیمی تر توسط تورج اتابکی، ربابه معتقدی، محمد امیر شیخ نوری تحت عنوان "صنعت نفت و تحول جمعیتی و شغلی در مناطق نفت خیز جنوب ایران" (مسجد سلیمان و آبادان) به این نظریات اشاره شده است:

پژوهش فوق کوشیده است تا پاسخی برای چگونگی تامین نیروی انسانی شاغل شرکت نفت انگلیس و ایران در آبادان و مسجد سلیمان بیابد و همچنین اشاره ای هم به عوامل گوناگونی که سبب مهاجرت و جذب عشایر از ایلات بختیاری و قشقایی به سکونتگاه های موقت در شهر های نفتی شده است. توسعه صنعت نفت باعث جابجایی جمعیت، تحول و افزایش جمعیت، اختلاط فرهنگ های مختلف و تغییر مشاغل گردید و بنای اولین گام شکلگیری و استخدام قشر کارگری صنعت نفت در مناطق نفت خیز جنوب ایران شدند. با توجه به داده های ارائه شده در این تحقیق می توان منطقه عسلویه را نیز به عنوان یکی دیگر از جوامع نمونه، مورد بررسی و تحلیل و ارائه نظر قرار داد.

در تحقیقی دیگر از نگاه جامعه شناسی تحت عنوان "عوامل اجتماعی مهاجرت داخلی" توسط سعید معیدفر^۱ انجام گرفته که چکیده ای از آن را در اینجا ارائه می دهیم: مهاجرت انسان ها همیشه برای زیست بهتر بوده است و پدیده ی جدیدی نیست. اما به نظر میرسد این پدیده در دنیای معاصر هم از نظر کمی و هم از نظر ابعاد و عوامل تاثیر گزار بسیار بیشتر و متنوع تر است. در بررسی مهاجرت جدید، عوامل متعددی شناخته شده اند که در هر حال دافعه های مبدا و جاذبه های مقصد در همه ی آنها مشترک بوده است. در پاسخ به اینکه جنس این جاذبه ها و دافعه ها چیست، عمدتاً پاسخ مبتنی بر عوامل اقتصادی و رفاهی بوده است. اما آیا عوامل اجتماعی نیز در رویداد مهاجرت تاثیر دارند؟ دورکیم به عنوان یک جامعه شناس بیشتر به بنیان های اجتماعی پدیده ها از

^۱ دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران، smoidfar@ut.ac.ir

جمله مهاجرت توجه نموده است. ایشان در این مقاله با توجه به یافته های دو بررسی (اصفهان و همدان) و نیز تحلیل آماری مهاجران وارد شده به استان های کشور در ۵ سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، ادعا کرده است که روند اصلی مهاجرت های داخلی در ایران، تابع پارامتر های اجتماعی و نتیجه ی تحولات اجتماعی در ایران از آغاز ورود به دنیای مدرن تا کنون بوده است. میل انسان امروز به زندگی در مراکز بزرگ جمعیتی که از تراکم بالای ارتباطی برخوردار است و نیز فرایند ارزش گذاری فی نفسه حضور در کلان شهر ها علت اصلی مهاجرت های داخلی بوده است. اگرچه عوامل اقتصادی و رفاهی نیز در مراتب بعدی در مهاجرت ها بی تاثیر نبوده است.

وی با اشاره به برنامه های سیاستی سال های اول انقلاب و فعالیت های جهاد کشاورزی در روستاها و تامین رفاه و عمران روستاها آن را به نقد کشیده است. . در مطالعه موردی منطقه عسلویه نیز سعی شده است از نقطه نظرات این محقق و جامعه شناس استفاده شود.

در تحقیقی دیگر تحت عنوان "تحلیل پایداری اجتماعی اثرات اجتماعی اثرات توسعه صنعتی منطقه ویژه پارس جنوبی" که توسط سید حسن صدوق و همکاران انجام شده هدف عمده پی بردن به اثرات توسعه این صنایع عظیم در پایداری اجتماعی محدوده های مورد مطالعه بوده است؛ چرا که انتظار منطقی از تاسیس این چنین تاسیسات عظیم نفت و گاز در مقیاس محلی پایداری اجتماعی مراکز جمعیت پیرامونی آن است.

یافته های این تحقیق نشانگر تاثیر تاسیسات نفت و گاز، با ایجاد فرصت های شغلی فراوان (بوئژه برای نیروی انسانی نیمه ماهر و ماهر) در تبدیل شهرستان عسلویه به یک مقصد عمده مهاجر پذیر میباشد که به تبع آن عدم تعادل جمعیتی- اجتماعی به ویژه در نسبت جنسی، ساختار جمعیت و سطح سواد و ... بروز ناهنجاریها را به دنبال داشته است. یافته های ثانویه که از طریق تحلیل شاخص های اجتماعی و اقتصادی با احتساب جمعیت مهاجر و ویژگیهای آن با استفاده از روش ضریب همبستگی و تحلیل عاملی صورت گرفته نشانگر حرکت اندک به سمت پایداری به ویژه در مراکز جمعیتی روستایی میباشد. در حقیقت همبستگی بین متغیر های اقتصادی و جمعیت مهاجر ورودی و نیز از سوی دیگر میان جمعیت مهاجر ورودی و متغیر های جمعیتی - اجتماعی در این محدوده به معنای آن است که مهاجرینی که بوئژه از نقاطی خارج از استان بوشهر به منطقه عسلویه وارد شده اند با داشتن ویژگی هایی متفاوتی نظیر سطح سواد بالاتر نسبت به جمعیت بومی، نسبت جنسی بالاتر و ... عسلویه را با تغییراتی مواجه نموده اند که به تبع آن آثار و پیامد های اجتماعی گاهها به ظاهر مثبت نظیر بالا رفتن سطح سواد (به عنوان شاخصی در پایداری اجتماعی) و بیشتر منفی نظیر اعتیاد به مواد مخدر و

^۱ دانشیار گروه جغرافیای دانشکده، علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

پایین آمدن سن اعتیاد، سرقت، رفتارهای مجرمانه و پر خطر نیز ایجاد نموده است. در حالیکه تحلیل شاخص های اجتماعی بدون احتساب مهاجرین وارده شده به عسلویه نشانگر تشدید ناپایداری اجتماعی در این منطقه می باشد.

همچنین در پژوهش مطالعه مردم نگارانه با عنوان "درک معنایی زنان منطقه عسلویه از مسئولیت اجتماعی شرکت ها"^۱ در منطقه عسلویه که یکی از پر ترافیک و صنعتی خاورمیانه است که تاثیر عمیقی بر زندگی مردم دارد با محوریت قرار دادن زنان در مطالعه چنین بیان می دارد که از آنجا که شرکت های پتروشیمی زیادی در منطقه مشغول به کارند، مطرح کردن بحث مسئولیت اجتماعی شرکت ها می تواند نقش مثبتی بر وضعیت زندگی مردم داشته باشد و از ایت لحاظ حائز اهمیت است. بدین منظور پژوهش حاضر در صدد است با رویکرد تفسیر گرایی انتقادی، درک معنایی زنان ساکن در مجاورت منطقه گازی پارس جنوبی عسلویه را از مسئولیت اجتماعی شرکت ها در برابر ذینفعان بررسی کند. برای انجام دادن این پژوهش، از روش کیفی از روش مردم نگاری انتقادی و تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته با مشاهده استفاده شده است. بدین منظور با در نظر گرفتن ترکیب سن، شغل، وضعیت تاهل و عنصر بومی بودن با ۱۵ زن ساکن مناطق اطراف منطقه انرژی پارس، که به شیوه نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند، مصاحبه شده است. از داده های حاصل از مصاحبه ها، چهار مقوله آسیب های اجتماعی، توانمند سازی زنان، سلامت و محیط زیست و توسعه رفاهی استخراج و تحلیل شده و نتایج این پژوهش نشان می دهد که زنان مجاور این منطقه از رونق اقتصادی و برخی موقعیت های پیش آمده برای توانمند سازی زنان، ارزیابی مثبتی داشته اند، اما عملکرد شرکت ها در خصوص مسئولیت های اجتماعی شرکتی شان را منفی ارزیابی کرده اند. زنان معتقد بودند که با توجه به تاثیر مستقیم شرکت ها بر زندگی شان، شرکت ها باید در برابر پیامد های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی ناشی از حضورشان در منطقه احساس مسئولیت کنند و برنامه های مداخله ای و اصلاحی و کارشناسی شده داشته باشند.

در پژوهشی دیگر "سنجش و ارزیابی شاخص های پایداری اجتماعی - فرهنگی در شهر های استخراجی (مطالعه موردی: شهر استخراجی عسلویه) رضا مختاری ملک آبادی و همکاران^۲ بر اساس اطلاعات و داده های

^۱ محمد تقی ایمان، مهتا بذرافکن، درک معنایی زنان منطقه عسلویه از مسئولیت اجتماعی شرکت ها (مطالعه مردم نگارانه) مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۳. شماره بهار ۱۳۹۴

^۲ استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور تهران و همکاران

موجود و از بین شاخص های مطرح شده در سطح بین المللی و با توجه به شرایط خاص شهر های استخراجی و کشور ایران تعداد ۶ شاخص عمده در قالب ۴۱ نماگر برای ارزیابی پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر استخراجی عسلویه به شرح جدول شماره ۱ انتخاب گردیده است که با توجه به جامعیت و بهره گیری از منابع متعدد برای تدوین شاخص ها و متغیر های مورد نیاز، در این تحقیق به این موارد استناد می شود.

شاخص های اجتماعی - فرهنگی منتخب

جدول ۷

بعد	شاخص عمده	نماگر
اجتماعی - فرهنگی	توسعه امکانات و خدمات	۱- میزان بهبود و توسعه امکانات و خدمات آموزشی ۲- میزان بهبود و توسعه شبکه های ارتباطی ۳- میزان بهبود و توسعه امکانات و خدمات ورزشی ۴- میزان بهبود و توسعه امکانات بهداشتی و درمانی ۵- میزان افزایش امکانات و خدمات تفریحی ، پارک ها و فضای سبز شهری ۶- میزان گسترش امکانات رفاهی برای جامعه بومی و محلی ۷- میزان دسترسی برابر جامعه بومی و محلی و مهاجران به امکانات و فرصت های ایجاد شده خدمات صنایع ۸- میزان روند ارتقاء کیفیت خدمات شهری
	افزایش آگاهی جامعه بومی و محلی	۱- میزان افزایش سطح آگاهی در ساکنان بومی و محلی نسبت به اهمیت محیط زندگی خود ۲- میزان افزایش سطح آگاهی در ساکنان محلی نسبت به اهمیت اکوسیستم ساحلی و دریایی ۳- میزان افزایش سطح آگاهی و حساسیت مسئولان نسبت به اهمیت منابع طبیعی و محیط زیست ۴- دوگانگی مدیریت شهری و روستایی بین بخش نفت و گاز و بخش اصلی شهر
	مشارکت و همبستگی	۱- افزایش همبستگی ساکنان محلی ۲- تقویت توان نهاد های بومی و محلی موجود ۳- افزایش مشارکت ساکنان بومی محلی در توسعه روستایی و شهری ۴- تعامل بین جامعه بومی و محلی و مهاجران ۵- افزایش

حس خصومت و دشمنی نسبت به مهاجران		
۱- میزان رضایت جامعه بومی و محلی از توسعه صنعتی (نفت و گاز) ۲- میزان رضایت جامعه بومی و محلی از دسترسی به امکانات و خدمات با توجه به توسعه صنعتی ۳- میزان تقویت روحیه تعلق مکانی و حس تعلق	رضایت جامعه بومی و محلی	
۱- میزان حفظ و احیای آداب و رسوم سنتی جامعه بومی و محلی ۲- میزان تعارض فرهنگی بین خرده فرهنگ ها و جامعه بومی و محلی ۳- میزان حفظ و احیای مراسم سنتی در جامعه بومی و محلی ۴- میزان الگو برداری ساکنان بومی محلی از رفتار و منش مهاجران ۵- میزان احساس حقارت یا کنان محلی نسبت به داشتن فرهنگ بومی در مقابل فرهنگ مهاجران ۶- میزان ایجاد و ترویج مدگرایی و از بین رفتن سنت های فرهنگی و بومی ۷- میزان از بین رفتن پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی ۸- میزان فرصت های ایجاد شده یادگیری اجتماعی فرهنگی برون حوزه ای	فرهنگ و سنن	
۱- میزان افزایش جرم و جنایت ۲- میزان افزایش مزاحمت های روزانه ۳- میزان افزایش ترافیک و سایل نقلیه ۴- میزان ازدحام ۵- میزان سلب آسایش و آرامش برای جامعه بومی و محلی (حریم خصوصی) به دلیل حضور مهاجران ۷- میزان درگیری های خانوادگی و قومی و قبیله ای در اثر رونق خرید و فروش ملک و زمین ۸- میزان بروز ناهنجاری های اجتماعی (اعتیاد - الکلیسم - فساد و فحشا و ...) ۹- میزان کاهش پابندی به نظم سنتی ۱۰- افزایش رعایت حقوق کار ۱۱- میزان نامناسب شدن محیط تفریحی دریا برای بومیان در اثر حضور مهاجران ۱۲- گسترش امنیت و ضوابط و قوانین در بین مردم	امنیت و رفاه اجتماعی	

۲- پیشینه خارجی

در کشور نیجریه که بزرگترین تولید کننده نفت در آفریقا است علیرغم اینکه حدود ۸۰٪ از کل درآمدهای آنان از نفت تامین می شود مردم و جوامع بومی در فقر و تنگدستی مفرط بسر می برند و به علت پیامدهای آلودگی های نفتی معیشت سنتی هزارساله آنان که از طریق کشاورزی، بهره برداری از جنگل های حرا و ماهیگیری و ... گذران زندگی می کرده اند از بین رفته است و آنان را مجبور به مهاجرت اجباری کرده است و به عنوان پناهجویان محیط زیستی (بعنوان یک پدیده نوظهور) به شهر های مجاور که از آلودگی کمتر برخوردار است کوچ کرده اند. در واقع زندگی و سلامت شان دچار تغییر گردیده است و علاوه بر از دست دادن معیشت و هویت معیشتی شان و به نهاد های سنتی قدرت آنان نیز ضربه زده شده است و در نتیجه ساختار قومی و قبیله ایی آنان نیز تضعیف گردیده است. بقول خودشان ناقوس مرگ بر سنت و آداب رسوم و فرهنگ شان بصدا در آمده است. (فقر جدید) بر همین اساس مطالبات و انتظارات مردمان محلی بالا رفته است و درخواست غرامت های زیست محیطی را از شرکت های نفتی کرده اند و از طرفی هم خواستار تقسیم سود های نفتی در بین جوامع محلی شده اند.

اما نکته مثبت آن را میتوان شکل گیری سطح جدیدی از برقراری ارتباط گیری و مذاکره متقابل بین مسئولین شرکت های نفتی و بزرگان و حاکمان سنتی محلی بیان نمود که در جهت رفع چالش ها و همسویی و برطرف کردن مشکلات جامعه محلی انجام شده است.^۱

نمونه دوم نیز مطالعه دیگری از جنوب نیجریه است:

مردمان بومی نیجریه و آلودگی نفتی مردم انوگی (Onogi) از مردمان بومی جنوب نیجریه هستند و جمعیت آنجا حدودا ۷۵۰،۰۰۰ نفر است و معیشت و زندگی آنها کاملا به طبیعت وابسته است. آنها اهمیت ویژه ای برای آب، رودخانه ها و جویبارها قائل هستند. آنها قوانین عرفی مخصوصی برای حفظ منابع آبی و جلوگیری از آلودگی نفتی داشتند و دارند.

قبل از حضور استعماری انگلستان در نیجریه، مردمان بومی انوگی با استفاده از روش های کشاورزی پایدار از منابع آبی و خاکی خود حفاظت می کردند.

¹ <https://www.medlifeweb.org/blog/item/201-migration-in-ecuador.html>

در سال ۱۹۵۷ در قلمروهای انوگی شرکت نفتی شل (Shell) ذخایر بزرگ نفتی کشف کرد و ۵ میدان نفتی اصلی شامل ۱۱۰ چاه استخراج نفت در این قلمروها افتتاح کرد. در فضایی با مساحت ۴۰۴ کیلومتر مربع و تراکم جمعیتی ۱۲۵۰ نفر در کیلومتر مربع، به صورت شبانه روزی و به مدت ۴۰ سال شعله‌های گازی می‌سوزند. وقتی پیشینه داخلی و خارجی را با هم دیگر مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که مشکلات جوامع بومی و محلی که در کنار تاسیسات نفت و گاز زندگی می‌کند تقریباً شبیه به هم و در خیلی از موارد دارای چالش‌های مشترکی می‌باشند.

همانطور که در نمونه اول پیشینه خارجی دیده می‌شود مناسبات جدیدی در ارتباط بین صاحبان صنایع نفت و گاز در حال شکل‌گیری است که در عسلویه نیز تعامل بین نفت و گاز و جامعه بومی شکل گرفته است و حتی جامعه بومی تشکلی بنام تشکل موسسه توسعه پایدار نایبند^۱ تاسیس شده است که متشکل از اعضای ۲۱ روستا و ۲ شهرستان می‌باشد که پل ارتباطی میان صنعت و مردم محلی می‌باشد.

همچنین در این راستا و به منظور همسویی تمام گروه‌های ذینفع و ذیحق در جامعه، طرحی بنام "گفتگو و توسعه در ایران: ایجاد همسویی میان گروه‌های ذینفع" با همکاری بنیاد زمین زنده در ونزوئلا و موسسه توسعه پایدار و محیط زیست، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی و انیستیتو مهندسی نفت دانشگاه تهران با پشتوانه مالی اتحادیه اروپا قرار گرفته است.

هدف کلی طرح فوق‌ایجاد چارچوب همکاری بین جوامع بومی و ذینفع، در جهت رفع مشکلات و با هدف کاهش فقر و دستیابی به توسعه پایدار اقدام شده است. پاره‌ای از این مشکلات مستند شده در این طرح را میتوان در مسائل اجتماعی، محیط زیستی، بهداشتی، عدم دخیل نمودن جوامع بومی و محلی در امر تصمیم‌گیری جستجو کرد.

اهداف این طرح، تقویت، همسویی و همکاری فی‌مابین جوامع بومی و محلی، با مجموعه شرکت‌های نفت و گاز در منطقه عسلویه و اعمال نظرات جامعه بومی و محلی در امر سیاست‌گذاری و ترغیب مقامات کلیدی در همکاری و تعامل نزدیکتر با این جوامع است. طرح دارای دو هدف عمده است:

- ظرفیت‌سازی در جوامع بومی و محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد، مسئولان و مدیران صنایع به منظور ایجاد ارتباط سازنده‌ای که بتواند همکاری آنان را در رسیدگی به مسائل و موضوعات مهم میسر سازد
- مشارکت مردمان بومی و محلی و گروه‌های آسیب‌پذیر را در فرایند تصمیم‌سازی

^۱ موسسه توسعه پایدار نایبند به شماره ثبت ۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۹

نظریه های مهاجرت

امروزه یکی از بحث های اساسی پراکندگی جمعیت است که به تغییرات در الگوی اسکان بشر می انجامد. این موضوع هم چنین یک فرایند کلیدی در توسعه ملی به شمار میرود، با این وجود استاندارد های جهانی بسیار اندکی برای جمع آوری و آنالیز اطلاعات مهاجرت، و انواع متنوع آن در کشور های مختلف وجود دارد.

در بین نظریه های مختلف میتوان به دو نظریه بارز "نظریه اقتصاد" و "نظریه انتظار ارزش" اشاره داشت.

بر پایه نظریه اقتصاد نئوکلاسیک مهاجرت، مردم برای به حداکثر رساندن درآمدشان از مناطق با دستمزد پایین به مناطق با دستمزد بالا (یا از مناطق فقیر به مناطق ثروتمند) مهاجرت می کنند. تفاوت دستمزد بین مناطق فرستنده و دریافت کننده مهاجر، عامل مهم در شروع مهاجرت است که مهاجرت استراتژی فردی برای به حداکثر رساندن سودمندی است. این نظریه در چارچوب اصل اقتصادی "عرضه و تقاضا" جریان مهاجر را تبیین می کند. کادوالدر^۱ (۱۹۹۲) و جابز^۲ (۲۰۰۰) با توجه به این رویکرد نظری معتقدند جابجایی مردم بعنوان نتیجه ای از وزن گزینه های اقتصادی بین مکان هاست. افراد مکانی را انتخاب می کنند که شرایط زیست شان را بهبود بخشد.

طرفداران نظریه های اقتصاد جدید مهاجرت، نظریه اقتصاد نئوکلاسیک را بر این اساس که تصمیم گیری مهاجرت بصورت فردی انجام میگیرد را مورد انتقاد قرار داده اند. این دیدگاه کنشگران را به سطح خانوار توسعه داده و فرض می کند درآمد خانوار در ارتباط با درآمد فردی افزایش می یابد. (استارک^۳ ۱۹۸۴).

یک سری از مطالعات نشان داده اند انگیزش و توانایی برای مهاجرت و نیز الگوهای مهاجرت تحت تاثیر سطوح منابع خانوارها، ساختار سنی و جنسی خانواده ی خانوار و مرحله چرخه زندگی خانواده است (هاربیسون^۴) بنابراین، مهاجرت در ماهیت یک استراتژی خانوادگی است که خانواده ها با توجه به وجوه ارسالی حاصل از اعضای مهاجر، خطر اقتصادی (درآمد و اشتغال) را توزیع می کنند.

¹ Cadvallader

² Gabes

³ Stark.

⁴ Harbison.

در نظریه انتظار ارزش مهاجرت، کنشگر محل اقامت محل اقامت خود را از یک مجموعه مکان های جایگزین که مجموع سودمندی ها را در ابعاد مختلف به حداکثر می رساند، انتخاب می کند (دجونگ و گاردنر^۱).

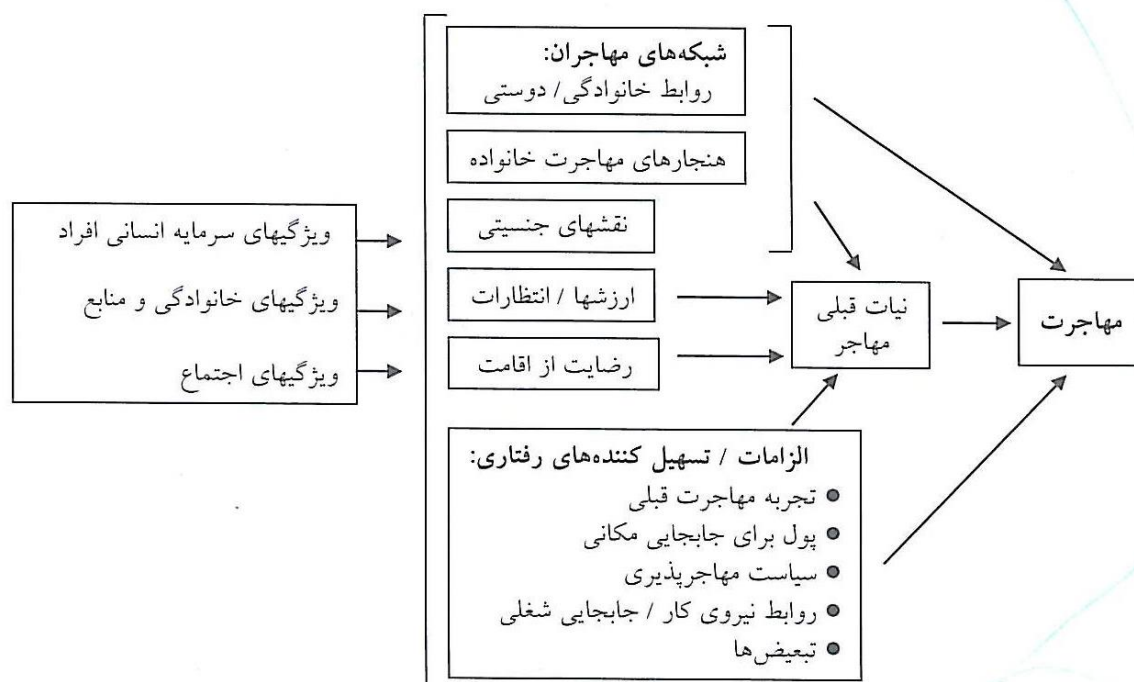
ویژگی های خاص این ارزش مورد انتظار از مهاجرت را تحت تاثیر قرار می دهد. "اول ویژگی فردی و ویژگی خانواده، دوم هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، سوم عوامل شخصیتی همانند ریسک پذیری یا سازگاری و چهارم ساختار فرصت" (هاچ^۲ ۲۰۰۸) دجونگ معتقد است انتظارات و اهداف ارزش گذاری شده، انگیزش را برای مهاجرت تعیین میکند. تصمیم خانوارها برای فرستادن افراد یا جابجایی خودشان، با انتظار دست یافتن به اهداف ارزش گذاری شده صورت میگیرد. در این دیدگاه نیت قبلی مهاجر تعیین کننده اولیه تصمیم به مهاجرت واقعی مهاجر است. بحث وی چنین است که انتظارات همراه با ضابطه های خانواده در مورد مهاجرت، پیش بینی کننده های نیت قبلی برای جابجایی هستند که به ترتیب تعیین کننده های بی واسطه عمل مهاجرت هستند.

همچنین در مطالعه ای دیگر (دجونگ و همکاران ۱۹۹۶) برای مردان، اندازه ارزش وابستگی و آسایش، شبکه های اجتماعی، حضور افراد جوان در خانوار و دارایی زمین تعیین کننده های عمده تصمیم گیری مهاجرت هستند، در حالیکه برای زنان اندازه های درآمد و آسایش، حضور افراد مسن در خانوار، اندازه جامعه و از دست دادن فرصت، عامل های برجسته ای هستند. در کل، ویژگی های جمعیتی مهاجران و شرایط اقتصادی موجود و مورد انتظار در مبدا و مقصد می توانند تعیین کننده های عمده رفتار مهاجرتی و نوع مهاجرت های افراد در دیدگاه های نظری مذکور تلقی گردند. (شکل ۱)

¹ Dejong and Gardner.

² Haug.

شکل ۱. مدل دجونگ در زمینه تبیین فرایند تصمیم‌گیری به مهاجرت افراد



منبع: دجونگ ۲۰۰۰: ۳۱۰

اجتماع محلی منطقه عسلیویه در یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه (۱۳۷۷ تا کنون) شاهد تحولات عظیم صنعتی در محیط پیرامونی خود بوده است و از آنجا که نوع صنعت توسعه یافته در منطقه عسلیویه، هیچگونه سنخیتی با شیوه معیشتی پیشین جامعه نداشته است، فرصت همگام شدن و انطباق با این تحولات در مراکز جمعیتی حادث گردیده است.

از جمله این تعارضات می‌توان به آسیب‌های اجتماعی مختلفی مانند بیکاری، اعتیاد (بویژه پایین آمدن سن اعتیاد)، قاچاق مواد مخدر، سرقت، فساد و انحرافات جنسی و اخلاقی، پرخاشگری و بروز رفتارهای ضد اجتماعی در منطقه عسلیویه اشاره نمود.^۱

تعریف مفاهیم نظری

در فرهنگ دهخدا مهاجرت به معنای «ترک دیار گفتن و در مکان دیگر اقامت کردن» آمده است.

^۱ شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ۱۳۸۴

و همچنین مهاجرت در لغت‌نامه جمعیت‌شناسی سازمان ملل چنین تعریف شده است: مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد این تحرک جغرافیایی، تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود است. این گونه مهاجرت‌ها را مهاجرت دائم گویند و باید آن را از اشکال دیگر حرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نیستند، تفکیک کرد.

سیر تاریخی مهاجرت در ایران نشان می‌دهد که جابجایی جمعیت و تحرکات مکانی انسانها در ایران سابقه طولانی دارد. تا قبل از سال ۱۳۰۰ بیشتر جابجایی‌های جمعیتی مربوط به نقل و انتقال اقوام، ایلات و عشایر کوچرو کشور بوده است و خود جابجایی عشایر و دام از قشلاق به ییلاق یک نوع مهاجرت بوده است و مناسبات و تعاملات و تعارضات بین عشایر و روستائیان پیامدهایی را در برداشته که هم اکنون نیز باگذشت این همه سال ادامه دارد. همچنین اصلاحات ارضی به عنوان دومین عامل تغییر دهنده در بروز مهاجرت‌های روستایی نقش مهمی داشته است.

فروپاشی شیوه‌های تولیدی سنتی در جامعه ایرانی که نقطه اوج آن به اصلاحات ارضی در دهه چهل بر می‌گردد به عنوان نقطه عطفی در روند شهرنشینی در ایران قابل بررسی است. این روند شهرنشینی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰، نرخ جمعیت شهری را ۳۴/۵ درصد به ۵۱ درصد رساند و رشد این نرخ هنوز ادامه دارد. تا قبل از اصلاحات ارضی، ایران کشوری روستایی - عشایری بود و اکثر مردم در جوامع روستایی یا عشایری زندگی می‌کردند، اما با پیدایش دولت مدرن و سیاست تخته قاپو کردن عشایر و مصرفی شدن جامعه ایرانی به دلیل پیدایش دلارهای نفتی و افزایش خدمات پس از اصلاحات ارضی درصد شهرنشینی روند رو به افزایش داشت و اکثر مردم را در خود جای داده است. (حسامیان، ۱۳۷۷، مک کی ۱۳۸۰)

نقش رسانه‌ها و ارتباطات جمعی در مهاجرت

رسانه بتدریج پیوند انسان با اشیاء، زمان و مکان را قطع می‌کند و این قطع خاطرات، هویت انسانها را کمرنگ می‌کند و باعث می‌شود که انسانها قبل از آنکه به صورت فیزیکی مهاجرت کنند، فکری و ذهنی مهاجرت کرده باشند.

رسانه‌ها تنوع گرایی، تجددگرایی، ناپایداری و جهانی شدن را در انسان‌ها تقویت می‌کنند و زمینه را برای بی‌هویتی و نیازمند کردن انسان‌ها به وجود می‌آورند رسانه‌ها با شوک‌هایی که در سطح فردی، ملی، منطقه‌ای و گاه جهانی وارد می‌کنند، انسان‌ها را برای مهاجرت آماده می‌کنند. نفوذ رادیو، تلویزیون، ماهواره و شبکه

های مجازی بار شده مانند: تلگرام، واتس آپ، اینستاگرام، فیس بوک، توئیتر، لینک دین و ایبر در اینترنت و تلفن های همراه و ... در روستاها جوانان ساکن روستا را تشویق به مهاجرت میکند. آنان جهت پرکردن یکی از خواسته های برحق خود که همان استفاده از ابزار و آلات فرهنگ و هنری در جهت رشد و تعالی علمی، رفاه و نیز گذراندن اوقات فراغت است، به شهرها کشیده می شوند. (جمعی ازدانشجویان علوم ارتباطات)

رسانه های گروهی، علاوه بر این که در فرآیند ارتباطات و جابه جایی اطلاعات در درون جامعه و ملل سهم هستند، می توانند با کارکرد خویش در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به موازات تحولات عمیق در نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دگرگونی باورها و ارزش های مسلم جامعه کار ساز بوده و به عنوان یک دانشگاه عمومی در راستای شکوفایی و اعتلای فرهنگ جامعه به فعالیت پردازند و زبان هدایت خویش را به کار بسته و جامعه را به سمت و سوی مطلوب هدایت نمایند.

انواع مهاجرت

در ابتدا با تعریف انواع مهاجرت به شناختی جامع و کامل از مهاجرت و انواع آن دست خواهیم یافت تا پس از آن و در راستای بررسی منطقه عسلویه دریابیم کدام یک از این انواع مهاجرت در منطقه عسلویه اتفاق می افتد.

مهاجرت خارجی: بین کشورها صورت می گیرد و مهاجران از کشوری به کشور دیگر مهاجرت می کنند، و خود دو نوع است: مهاجرت اختیاری و مهاجرت اجباری.

مهاجرت اختیاری: مردم به اختیار و اراده خود تصمیم به مهاجرت می گیرند. عوامل جاذبه در مقصد موجب مهاجرت می شود (کسب درآمد بیشتر، آب و هوای بهتر و ...). مانند: مهاجرت اروپاییان به امریکا، استرالیا، کانادا و آفریقا از قرن نوزدهم به بعد به علت دستیابی به منابع طبیعی و ثروت سایر قاره ها. مهاجرت کارگران ترکیه به کشور آلمان غربی (کارگران مهمان) پس از جنگ جهانی دوم به علت نیاز آلمان غربی به نیروی کار برای بازسازی صنایع و نیاز کارگران ترکیه به دستمزد و رفاه بیشتر. مهاجرت برخی از مردم اتریش، مجارستان و یوگسلاوی و آلمان شرقی سابق پس از سال ۱۹۸۹ به آلمان (پس از اتحاد دو آلمان و شکسته شدن و بی اعتبار شدن دیوار برلین) به علت مشکلات اقتصادی در این کشورها برای کسب دستمزد بیشتر.

مهاجرت اجباری:^۱ مردم مجبور به نقل مکان به جای دیگر شده اند. عوامل دافعه در مبدا موجب مهاجرت می شود (بلاای طبیعی، فشارهای سیاسی و ...) مانند: پناهنده شدن فلسطینی ها به اردن، مصر، سوریه و لبنان به

^۱ لازم به ذکر است که این نوع مهاجرت از جمله جرائم بین المللی نیز هست که صلاحیت رسیدگی به این جرم که توسط اشخاص ارتکاب می یابد بر عهده دیوان کیفری بین المللی است.

علت تشکیل دولت غاصب صهیونیستی و کشتار فلسطینی ها بوسیله یهودیان. پناهنده شدن افغان ها به ایران و پاکستان به علت حمله شوروی سابق و آمریکا و جنگ های داخلی در این کشور. پناهنده شدن سکنه اتیوپی و سودان و سومالی به کشورهای مجاور به علت خشکسالی، قحطی و جنگ های داخلی.

نمونه عینی آن که هم اکنون در مورد مهاجرین سوری که بواسطه جنگ و حملات داعش مجبور به ترک سرزمین آبا و اجدادی خود شده اند و بناچار راهی کشور های اروپایی شده اند و این در شرایطی است که این مهاجران خطرات جانی را به خود خریده اند و از طرفی دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپایی آمادگی ورود این حجم عظیم از مهاجران سوری را چه به لحاظ سیاسی، امنیتی و اقتصادی ندارند و سعی دارند تا با ابزارهای کوتاه مدتی همچون ایجاد دیوار و فنس مرز های خود را به روی آنان ببندند تا بلکه از این طریق هر چند به صورت موقت بتوانند بر این بحران غیرمنتظره فائق آیند. به نظر می رسد همانطور که بسیاری از سیاستمداران اروپایی نیز بارها نهیب داده اند، بحران مهاجرت های گسترده به اروپا به یکی از چالش های اساسی این قاره بدل گردد.^۱

مهاجرت داخلی: مهاجرت داخلی جابه جایی بین نواحی داخلی یک کشور است، و خود سه نوع است: مهاجرت روستا به شهر و شهر به روستا، مهاجرت روزانه، مهاجرت فصلی.

مهاجرت روستا به شهر و شهر به روستا: مهاجرت از شهر به روستا نوعی مهاجرت است که در کشورهای پیشرفته و صنعتی مشاهده می شود و مردم ساکن شهرها ترجیح می دهند محل زندگی خود را به روستاها منتقل نمایند، نام دیگر آن شهر گریزی است. این نوع مهاجرت اغلب بخاطر گریز از آلودگی صوتی و هوای ناپاک شهرها یا ناهنجاری های اجتماعی شهرها صورت می گیرد.

آنچه که امروزه بیش از گذشته مبتلا به دارد، دغدغه به ظاهر لاینحل ریزگردها و گرد و غبارهایی است که مردم غرب و شرق ایران را با معضلات بسیاری مواجه ساخته است و پیش بینی می شود که به دیگر شهرها از جمله تهران نیز گسترش یابد. این مساله برای نخستین بار در استان سیستان و بلوچستان، توسط دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان مورد پژوهش قرار گرفت.^۲ یافته های پژوهش حاکی از

^۱ بر اساس گزارشات مکرر بانک جهانی، یکی از دلایل اساسی و عمده منجر به مهاجرت اجباری، بحران های محیط زیستی است. گاهی این بحران ها که اغلب به بحران قحطی نیز می انجامد، منجر به مخاصمات مسلحانه ای داخلی می شود که برخی نیز به دلیل تشدید بحران ها بعدها به مخاصمات مسلحانه بین المللی نیز می انجامند. نمونه های این بحران ها را می توان به در بحران سومالی، سودان و حتی سوریه جستجو کرد. راهکاری که بانک جهانی برای پیش گیری از بروز بحران های بین المللی که در تعارض با صلح و امنیت بین المللی است، پیشنهاد داده این می باشد که در مراحل اولیه تشکیل بحران، دولت های توسعه یافته به همراه سازمان های بین المللی مربوطه، تمام کمک های لازم را به دولتی که در شرف بحران است بنمایند.

^۲ سارا فیروزیان، تاثیر ریزگردها بر نرخ مهاجرت و آسیب های اجتماعی، پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، سال

آن است که وقوع ریزگردها در منطقه از منظر جامعه شناسی سبب افزایش مهاجرت، بیکاری، اعتیاد، طلاق و غیره می‌شود. یافته‌های آماری نشان داد که بین مهاجرت و وقوع ریزگردها از منظر جامعه شناختی رابطه معنی داری وجود دارد. افزون بر آن، نتایج حاصل از تحلیل نشان داد که مساله ریزگردها تاثیر مثبت و معنی داری بر افزایش اعتیاد و مهاجرت در منطقه دارد. در بخشی از این پایان نامه با عنوان «آسیب‌های اجتماعی و بررسی جامعه شناختی ریزگردها» آمده است: ریزگردها آسیب‌های اجتماعی زیادی را می‌تواند، ایجاد کند. عوامل متعددی برای وقوع پدیده گرد و غبار ذکر شده است که می‌توان از جمله آنها به خشکسالی‌های پی در پی، تخریب پوشش گیاهی، تغییر کاربری اراضی و ایجاد سدهای بزرگ در حوزه های بالادست اشاره کرد. ریزگردها اثرات مستقیم و غیر مستقیم متفاوتی دارد. اثر مستقیم آن شامل کاهش تولید کشاورزی و کاهش آب زیرزمینی، کاهش جریان آب در رودخانه‌ها و جویبارها، در معرض خطر قرار گرفتن اکوسیستم‌های طبیعی یا انسانی، فرسایش خاک، از بین رفتن احشام و حیات وحش است.

اثر غیر مستقیم شامل کاهش در آمد کشاورزان، کاهش درآمد مالیاتی دولت، افزایش هزینه آب و حمل و نقل، افزایش مهاجرت کشاورزان به شهرهای کوچک و بزرگ، کاهش تولید و کاهش کیفیت غلات است. به طور کلی از جنبه جامعه شناسی اثرات و پیامدهای اجتماعی ریزگردها شامل تشدید روند مهاجرت از مناطق در معرض گرد و غبار و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر است.

اما مهاجرت از روستا به شهر که موضوع اصلی این تحقیق است به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

مهاجرت روزانه: حرکت روزانه مردم از حومه‌ها و شهرک‌های اطراف به داخل شهرهای بزرگ به منظور رفتن به محل کار یا استفاده از خدمات داخل شهرها، نوعی مهاجرت داخلی است که به آن مهاجرت روزانه گفته می‌شود. در این نوع مهاجرت مردم در شب به محل سکونت خود بازمی‌گردند.

مهاجرت فصلی: حرکت کوچ‌نشینان برای یافتن چراگاه برای دام‌هایشان (ییلاق - میان بند - قشلاق) و همچنین جابه‌جایی کارگران از شهرها به روستاها و نواحی کشاورزی در فصل میوه‌چینی به منظور کسب درآمد بیشتر، و در فصل کاشت برنج در استان‌های شمالی کشور، شاهد کارگران و کشاورزان نشاء کار هستیم. اینها نمونه های دیگری از مهاجرت داخلی است که به آن مهاجرت فصلی می‌گویند.

مهاجرت دیجیتالی (مجازی): با توسعه فن آوری های ارتباطی، پدیده ای جدید شکل گرفته بنام مهاجرت دیجیتالی (مجازی) که شخص مهاجر هیچ گونه تغییر مکان فیزیکی ندارد و با استفاده از ابزارهای ارتباطی نوین و ذهنیت رویاپرداز خود در مقصد سیر می‌کند. به اینصورت شخص همچنان در محل اقامت خود زندگی می‌کند اما از نظر ذهنی، رفتاری و اخلاقی و تاثیر پذیری از این شبکه های مجازی در فضای متفاوتی به سر می‌برد.

مهاجرت کاری: مهاجرت اقتصادی یا کاری (معمولاً مهاجرت نیروی کار)، تفاوت در میزان و سطح دستمزدها از جمله عوامل مهم و تعیین کننده مهاجرت است. افراد فقیری که در مناطق کمتر توسعه یافته یا در حال رشد ساکن هستند، می توانند استانداردهای زندگی بالاتری را در مناطق توسعه یافته تر برای خود مهیا کنند یا دست کم چنین تصویری در ذهن آنها وجود دارد. فرار از فقر و ناداری یک عامل سنتی رانده شدن از یک منطقه است بررسی های اقتصاددانان نشان می دهد که مهم ترین عامل تصمیم به مهاجرت موضوعات مالی و اقتصادی است که در اثر وجود اختلاف میان درآمد در مناطق روستایی و «درآمدهای انتظاری» در مناطق شهری است. در این تحقیق بواسطه اینکه عمده مهاجرین به عسلویه یک مهاجرت داخلی و کاری و با انگیزه های اقتصادی به حساب می آید بنابراین جامعه محلی در منطقه حضور داشته و عمدتاً جامعه بومی مهاجر پذیر بوده است و به همین دلیل بیشتر روی مهاجرت کاری و تاثیر گذاری بر روی جامعه محلی و بومی تحقیق شده است. یکی از مهم ترین و مؤثرترین الگوها در این زمینه مدل هریس-تودارو است که بخش عمده ای از عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر انگیزه های مهاجرت را تبیین می کند و می تواند در سیاست گذاری های اشتغال و توسعه روستایی نقش مؤثری را ایفا کند.

تا چند دهه قبل، تصور می شد که مهاجرت داخلی فرایندی طبیعی است که کارگران اضافی به تدریج از بخش روستایی خارج می شوند تا نیروی کار مورد نیاز برای رشد صنعتی شهری را فراهم کنند. تصور می رفت که این فرآیند از نظر اجتماعی مفید است زیرا فرض می شد منابع انسانی از مکان هایی که تولید اجتماعی آنها اغلب صفر است به مکان هایی که این تولید نهایی نه تنها مثبت بلکه در نتیجه تراکم سرمایه و پیشرفت تکنولوژی به سرعت در حال رشد است، جابه جا می شوند (تودارو، ۱۳۸۳).

بر اساس این برداشت، مقادیری از نیروی کار وجود دارند که در صورت مهاجرت و خارج شدن از جریان تولید کشاورزی، هیچ نوع تأثیر منفی بر سطح تولید باقی نمی گذارند. با انتقال این نیرو آنچه باقی می ماند مصرف متوسط هر فرد روستایی است که به شهر می رود. اصطلاحاً به این میزان نیروی کار، «نیروی کار عاطل»^۱ گفته می شود (رییس دانا، ۱۳۸۰).

نخستین تبیین نظری درباره قانونمندی های مهاجرت توسط «ارنست جورج راونشتاین» تحت عنوان قوانین مهاجرت مطرح شد که طی دو مقاله در سال های ۱۸۸۵ و ۱۸۸۹ به چاپ رسیده است. وی برای اولین بار استدلال

¹ Reluctant Labour

کرد که مهاجرت اتفاقی نیست بلکه قوانین خاص بر آن حاکم است (اردهایی،^۱). قوانین مورد نظر راونشتاین ذیل هفت مورد زیر است:

۱- مهاجرت و مسافت: اکثر مهاجران فواصل کوتاه را طی می کنند و با طولانی تر شدن فاصله بین مبدا و مقصد دو گرایش ضمنی در مهاجران پدید می آید؛

۱-۱- استقرار در نقاط شهری بویژه شهرهای بزرگ

۱-۲- مهاجرت به سوی قطب های صنعتی تجاری.

۲- مهاجرت مرحله ای: مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیکتر و کوچکتر و سپس به شهرهای بزرگ صورت می گیرد

۳- جریان و ضدجریان: همانطور که مهاجرت بیشتر از نقاط روستائی به شهر صورت می گیرد، یک جریان وارونه ای نیز از نقاط شهری به روستائی وجود دارد که به همین دلیل مجموع مهاجرت های انجام گرفته بین این نقاط همواره بیش از موازنه مهاجرتی بین آن نقاط است.

۴- اختلاف روستا- شهری در تمایل به مهاجرت: در این قانون اهالی شهر نسبت به اهالی نواحی روستایی کمتر اقدام به مهاجرت می کنند. از این رو در مهاجرت های داخلی خالص مهاجرت روستا به شهر بیشتر است.

۵- ارتباطات و تکنولوژی و تاثیر آن بر مهاجرت: هرچه ارتباطات و تکنولوژی گسترش یابد مهاجرت افزایش می یابد.

۶- غلبه انگیزه اقتصادی: با در نظر گرفتن سایر عوامل، عامل اقتصادی مهم ترین برانگیزنده مهاجرت هاست.

۷- در جایی که مسافت کوتاه باشد، مهاجرت زنان بیشتر است.

به نظر عبدالرضا رحمانی فضلی^۲ نگاه ما به مهاجرت چه از نظر امنیتی و چه از نظر سیاسی و چه از منظر اقتصادی و کاری باید یک نگاه جامع و کامل و شفاف باشد و بحث در حوزه تعاملات فرهنگی و اجتماعی و جامعه پذیری، تعامل ها، تضاد ها و اختلافات و خشونت ها را باید در برنامه ریزی های کلان در حوزه مهاجرت ها در نظر گرفت ایشان در مورد مهاجرت های داخلی نظرشان این است که شرایط زندگی از نظر اقتصادی علیرغم اینکه خدمات و امکانات و آموزش و هر شرایطی که برای رفاه انسانی مانند برق، راه، آب، تلفن و ... لازم است اما بطورمثال در سیستان و بلوچستان علیرغم تمام این امکانات منجمله دانشگاه خوب و اساتید درجه یک

^۱ ardehali

^۲ وزیرکشوردولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران

اما باز شاهد آن هستیم که مهاجرت از این منطقه به مکان های دیگر بسیار زیاد است و روستاهای آن منطقه دارای جمعیت قابل قبول نیستند.

نگارنده معتقد است که مهاجرت تنها محدود به انسانها نیست و صنعت و استقرار آن نیز به نحوی مهاجر تلقی می شود و تاثیرات فراوانی بر محیط که خود محیط و منابع طبیعی نیز یکی از ذینفعان دارای حقوق (ذینفعان خاموش) است، میگذارد. نمی توان بدون در نظر گرفتن عرصه و محیط فقط به فکر استخراج بیشتر و تخریب بیشتر بود و تخریب مضاعف را غنیمت دانست .

تعریف صنعتی شدن

صنعت در زبان انگلیسی معادل واژه "Industry" است که از واژه لاتین "Industria" گرفته شده و به معنای بازرگانی یا ساختن و ساخت به طور کلی است. منظور از "ساخت" ایجاد دگرگونی در نمود و شکل ظاهری یا دگرگونی در ترکیب و چگونگی جسم یا موادی است که نیازمندی انسان را برطرف نکرده و تغییر شکل یا ترکیب سبب می شود که نیازمندی معینی را برآورده سازد.

صنعتی شدن مفهوم جدیدی است که ایرانیان آن را در فرهنگ گذشته خود نداشتند. در گذشته معمولاً صنعت (Industry) و هنر (Art) مترادف هم به کار می رفت. البته در اروپا هم میان دو واژه صنعت و هنر نزدیکی وجود داشت. صنعت به معنای چیزی است که ساخته انسان و محصول اندیشه انسان است و ناشی از طبیعت نیست. صنعت در واقع مفهومی از ثروت اقتصادی است که ناشی از کار انسان است. صنعت به مفهوم کلی و عام به معنای اعمال خلاقیت انسان بر منابع طبیعی و آماده کردن آنها برای استفاده انسان ها است؛ اما به معنای خاص در مقابل کشاورزی و خدمات، بخشی از اقتصاد کل جامعه تلقی می شود.¹

تعریف نیروی کار

نیروی کار و یا نیروی انسانی ، مهم ترین و ارزشمندترین عامل، از منابع مختلف تولید است. عامل انسانی در سازمان، کلیه کارکنان شاغل در سازمان اعم از مدیران، سرپرستان، کارشناسان، کارمندان و کارگران را در سطوح مختلف شغلی دربرمی گیرد و اشتغال از جمله مسائلی است که همیشه، دولت ها و ملت ها را به خود

¹ <http://www.donya-e-eqtasad.com/news/536526/#ixzz46jJM6VPv>

مشغول داشته است. هر چند شغل و حرفه به ظاهر، به بعد معیشتی انسان‌ها مربوط می‌شود، ولی با بعد فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان نیز ارتباطی تنگاتنگ دارد و توجه به این ویژگی‌ها در کیفیت و تعالی سازمان موثر است. بویژه زندگی و شرایط کاری مهاجران رسمی و غیر رسمی حاضر در منطقه چه در داخل کمپ‌های کارگری و چه بیرون از کمپ‌ها مد نظر قرار داد.

جوامع بومی

جوامع بومی و محلی مردمانی هستند که طی قرن‌ها وابستگی عمیقی به زمین، آب و منابع طبیعی سرزمینی پیدا کرده‌اند و زندگی و معیشت‌شان به آنها وابسته است. به دلیل این وابستگی مردمان بومی و محلی دانش بومی مورد نیاز برای بهره‌برداری پایدار از منابع خود در قلمروهای خاص خود را نیز طی قرن‌ها کسب کرده‌اند. جوامع بومی و محلی یعنی مردمانی که قبل ورود تاسیسات نفت و گاز در منطقه دارای ساختار اجتماع محلی بوده‌اند و همچنین در منطقه ساکن بوده‌اند و به فعالیت‌های صیادی، تجارت محلی، کشاورزی، لنج‌داری مشغول بوده‌اند.

منظور از جوامع بومی در این تحقیق، جوامع محلی واقع در شهرستان عسلویه می‌باشد که اکنون شامل سه شهر و ۲۱ روستا می‌باشد. این جوامع تا قبل از ورود صنعت، یک منطقه روستایی دورافتاده تلقی می‌شده و تحت تاثیر ورود صنعت تغییرات بسیار گسترده‌ای بویژه در ساختار اجتماعی را تجربه کرده است.

جمع‌بندی چارچوب نظری

در بحث مهاجرت نیروی کار به منطقه عسلویه، تلفیقی از انگیزه‌های مختلف وجود دارد. برخی بدلیل کسب درآمدهای بالاتر به این منطقه مهاجرت کرده‌اند، برخی دیگر از روی اجبار و بدلیل نبودن شغل در محل زندگی خود به این منطقه مهاجرت کرده‌اند، گروهی دیگر نیز به تبعیت از شرکت پیمانکاری خود مجبور به حضور در منطقه عسلویه شده‌اند. اما جدای از این گروه‌ها برخی از کارکنان رسمی صنعت نفت هستند که بدلیل شرایط استخدامی خود، در منطقه حضور دارند. جدای از همه این گروه‌ها، جمعیت قابل توجهی نیز از مناطق اطراف (شهرستانهای نزدیک به منطقه عسلویه)، یا حتی از مناطق دورتر برای ارائه برخی خدمات مورد نیاز توسعه صنعتی در منطقه حضور پیدا کرده‌اند. همانگونه که مشاهده می‌شود ارائه دسته‌بندی دقیقی از این گروه‌ها براحتی ممکن نیست. اما فارغ از این مسئله، کیفیت این گروه‌ها و تاثیراتی که بر جامعه محلی دارند بسیار مهم است. ملاحظه می‌شود که در طی سالهای حضور این مهاجرین،

شهرهای عسلویه، بیدخون و نخل تقی کاملاً دگرگون شده‌اند و نه فقط از نظر کالبدی بلکه از لحاظ
هنجارها و ارزشها نیز تغییرات چشمگیری داشته است. این تحقیق همانگونه که در فصل اول هم ذکر شد
بدنبال دریافت وجه نظر جامعه محلی در خصوص مهاجرین و همچنین ارائه پیشنهادات و راهکارهایی برای
بهبود و همزیستی مسالمت آمیز این گروه‌های مختلف در کنار هم می‌باشد.

فصل سوم: روش تحقیق و نمونه گیری

مقدمه

برای انجام هر نوع تحقیقات اجتماعی بحث روش‌شناسی از اهمیت و اعتبار بالایی برخوردار است. به طور کلی هدف از تحقیق در هر رشته و حوزه‌ای و همچنین در تحقیقات اجتماعی رسیدن به معرفت و شناخت و تبیین روابط بین متغیرها می‌باشد. برای پی بردن به شناخت از روش‌ها و متدهای گوناگونی می‌توان استفاده کرد. در علوم اجتماعی و انسانی روش‌هایی چون روش پیمایش، اسنادی، تحلیل محتوا، آزمایشگاهی، میدانی، فرا تحلیل و غیره از جمله این روش‌ها می‌باشند. هر کدام به فراخور رشته و حوزه مطالعاتی، موضوع، اهداف و سؤالات تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در این فصل ابتدا روش تحقیق این پژوهش که روش کیفی می‌باشد و تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها توضیح داده می‌شود سپس جامعه و نمونه آماری تحقیق تعریف می‌شود. همچنین اعتبار و روایی این تحقیق هم توضیح داده می‌شود و در پایان این فصل هم روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق توضیح داده می‌شود. داده‌های این نوع تحقیق از طریق مصاحبه، مشاهده مستقیم، تعامل‌های شفاهی و همچنین استفاده از روش بحث متمرکز گروهی گردآوری شده و متمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در آن است. این نوع تحقیق است که اطلاعات خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر اجتماعی دست‌نخورده به دست می‌آورد.^۱

مصاحبه

از اواسط قرن بیستم تا به امروز، مصاحبه به یکی از فنون کاربردی در تحقیق کیفی در همه‌ی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری از جامعه‌شناسی تا پرستاری و مدیریت تبدیل شده است.^۲ به نظر می‌رسد هر کسی، نه تنها محققان اجتماعی - بر مصاحبه به عنوان منبعی برای کسب اطلاعات تکیه می‌کند به این دلیل که از طریق گفتگو (مصاحبه) می‌توان به عمیق‌ترین لایه‌های ذهن افراد، نفوذ کرده و اطلاعات مهمی از آن به دست آورد.

^۱ محمدپور، ۱۳۸۹

^۲ محمدپور، ۱۳۸۹

انواع مصاحبه

به طور معمول مصاحبه در تحقیق کیفی به صورت رو در رو انجام می شود. به جز این نوع مصاحبه ها، انواع دیگری از مصاحبه که به صورت غیر حضوری انجام می شوند نیز، وجود دارند. که از میان آنها می توان به مصاحبه ی تلفنی و اینترنتی نام برد.

مصاحبه حضوری را می توان در سه دسته زیر طبقه بندی کرد:

۱. مصاحبه ی هدایت شده، بسته و منظم: در این از مصاحبه، مصاحبه کننده از جدول مصاحبه استفاده می کند، سوالات مشخص است و مصاحبه کننده مصاحبه شونده را در جهت پاسخ به سوالات مذکور هدایت می کند.
 ۲. مصاحبه ی نیمه هدایت شده، نیمه بسته و نیمه منظم: این نوع مصاحبه با استفاده از راهنمای مصاحبه انجام می شود. یعنی فهرستی از سوال ها و موضوعات مکتوبی که باید در یک توالی خاص دنبال شوند برای محقق روشن است.
 ۳. مصاحبه ی هدایت نشده، باز، عمیق و نامنظم: در این شیوه ی مصاحبه، مصاحبه کننده فاقد یک برنامه ی روشن بوده و با حداقل کنترل بر پاسخ های افراد مواجه می شود. از این شیوه بیشتر در روش مردم نگارانه استفاده می شود.^۱
- در پژوهش حاضر، برای مصاحبه از روش مصاحبه ی نیمه هدایت شده استفاده شده است.

مشاهده

در کنار صلاحیت های صحبت کردن و گوش دادن که در مصاحبه ها استفاده می شود، مشاهده کردن مهارت ضروری دیگری است که از لحاظ روش شناسی نظام مند شده و در تحقیق کیفی به کار برده می شود. محقق سعی می کند تا در حین مصاحبه، به مشاهده زبان بدن، تغییر حالت چهره و توناژ صدا در هر مشارکت کننده بپردازد.

مشاهده به دو صورت مشارکتی و غیرمشارکتی انجام می شود. در مشاهده مشارکتی شخص مشاهده کننده در موضوع مشاهده شرکت دارد. در مشاهده غیرمشارکتی، مشاهده گر پدیده مورد مشاهده را بدون آنکه خود دخالتی در آن داشته باشد، ملاحظه می کند که این روش خود به دو صورت انجام می شود. در روش اول،

^۱ محمدپور، ۱۳۸۹

مشاهده گر پدیده ها را به صورت آشکار ثبت می کند و در نوع دوم، مشاهده گر به صورت مخفیانه و نا محسوس مورد مشاهده را ملاحظه و به ثبت آن می پردازد.

گردآوری اطلاعات میدانی:

استفاده از روش بحث متمرکز گروهی

بحث گروهی متمرکز^۱ FGD یکی از اشکال انجام تحقیقات کیفی است که در آن از گروهی از افراد خواسته می شود تا نظر خود درباره یک مفهوم، ایده، محصول، خدمت، آگهی و... را ارائه دهند. در این روش در محیطی گروهی و تعاملی پرسش هایی مطرح شده و از افراد خواسته می شود به آنها پاسخ گویند. شرکت کنندگان در این گونه بحث های می توانند آزادانه با یکدیگر به گفتگو بپردازند. از این روش در علوم اجتماعی، برنامه ریزی شهری استفاده می شود. این روش به مصاحبه کنندگان این امکان می دهد تا به جای مصاحبه دو نفره، افراد را در محیط های طبیعی تری مورد مطالعه قرار دهند^۲

در این تحقیق در جمع آوری اطلاعات میدانی مربوط به گروه هدف یک (جوامع روستایی) از روش بحث متمرکز گروهی (FGD)، مصاحبه های هدایت شده و روایت طرح از زبان افراد کلیدی و شخصیت های مرجع، و در جمع آوری اطلاعات میدانی گروه هدف دوم و سوم (سازمان های دولتی و غیردولتی) از روش مصاحبه هدایت شده با افراد کلیدی و صاحب نظر استفاده شده است. در مواقعی که دسترسی به افراد صاحب نظر و کلیدی از طریق مصاحبه رو در رو میسر نشده است، پرسشنامه ارسال و درخواست پرکردن از افراد صورت گرفته است. در صورت لزوم مکالمه های تلفنی با این افراد کلیدی انجام گرفته است.

ابزارهای گردآوری اطلاعات

- مطالعات اسنادی، مشاهده مستقیم مطالعات کتابخانه ای: شامل بررسی اسناد و اطلاعات مطالعات موردی از قبیل پژوهش ها، پایان نامه ها، گزارش ها، مستندات سمعی و بصری، نقشه و... در سازمانها و مؤسسات تحقیقاتی مرتبط با مطالعات موردی تحقیق، فیش برداری و تلخیص از منابع مرتبط.

¹ Focus Group Discussion

^۲ داگلاس، ۲۰۰۵

با این ۴ گروه زیر مصاحبه انجام شده است.

به منظور دستیابی به اطلاعات دست اول و فهم عمیق مسئله مهاجرت سعی شد تا گروه هایی که بیشترین تاثیر و تاثر را دارند مورد مطالعه قرار گیرند. می توان این گروه از افراد را ذیل چهار گروه عمده تقسیم بندی کرد که به قرار ذیل اند.

۱- مطلعین جامعه محلی (اعضای شورا های اسلامی شهر و روستا، نخبگان و محلی و در پاره از موارد هم مردم عادی)

۲- برخی از مهندسين شاغل در پروژه ها

۳- مدیران صنعتی حاضر در منطقه ویژه از سازمان منطقه ویژه پارس، شرکت نفت و گاز پارس

۴- برخی از مهاجرین که به ارائه خدمات در منطقه می پرداختند.

سؤالات پرسشنامه و مصاحبه ها که انجام شده از این قرار است:

۱- آیا فکر می کنید حضور مهاجرین در این منطقه باعث توسعه جامعه محلی شده است؟

۲- به نظر شما چه تاثیری داشته اند؟

۳- مثبت یا منفی بوده است؟

۴- در چه بخش هایی بیشترین تاثیر را داشته است؟

۵- حضور مهاجران در منطقه باعث پیدایش آسیب های اجتماعی شده است؟

۶- راه حل شما برای کاهش آسیب های ناشی از حضور مهاجرین چیست؟

۷- به نظر شما مهاجرین باید در محیط های بومی اسکان یابند و یا جداگانه؟

۸- مهاجران دائمی اند و یا موقت؟

۹- مهاجران بیشتر از چه شهر هایی به عسلویه می آیند؟

۱۰- مهاجران در چه شغل هایی بیشتر فعالیت می کنند؟

۱۱- جنسیت مهاجران بیشتر در کدام گروه بوده اند؟ زنان یا مردان؟

۱۲- فرهنگ مهاجران چقدر روی مردم بومی تاثیر گذاشته اند (و یا بالعکس)

۱۳- حضور مهاجران در منطقه به چه میزان باعث ایجاد انگیزه و حرکت و پویایی میان اعضای جامعه محلی

شده است؟ آیا برای گرفتن شغل رقابت (میان اعضای جامعه محلی و مهاجران) وجود دارد یا خیر؟

۱۴- آیا کودکان نیز در این منطقه کار می کنند؟

• آیا حضور مهاجران باعث شده که کودکان کار کنند؟

• حضور مهاجران در منطقه چه تاثیری در کودکان و نوجوانان داشته است؟

۱۵- آیا توسعه صنعتی در منطقه منجر به توسعه مراکز آموزشی و دانشگاهی شده است؟

• آیا نوجوانان جامعه محلی در این مراکز و دانشگاه ها برای ادامه تحصیل جذب شده اند؟

• بیشتر جذب چه رشته هایی شده اند؟

۱۶- مهاجران چه کسانی و چه گروه هایی هستند؟ کاری/ سازمانی/ شهری / استانی و موقعیت (کاری و

مهندسی ...)

۱۷- مهاجرت به منطقه عسلویه برای چه مواردی صورت گرفته است؟

جامعه آماری

همه گروه های مهاجر ، مردم محلی و نخبگان محلی جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می دهند.

نمونه گیری

از آنجایی که روش تحقیق ما کیفی بوده و در این روش نیز نمونه گیری بر مبنای نظرات محقق انجام گرفته است، تلاش شده از تا از هر کدام از گروه های فوق الذکر با تعدادی از افراد بصورت کیفی و با تکنیک مصاحبه عمیق، داده های مورد نیاز جمع آوری شود.

جدول شماره ۸- توزیع جمعیت نمونه بر اساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۵۳	۸۱٪
زن	۱۲	۱۹٪
جمع	۶۵	۱۰۰٪

جدول شماره ۹- توزیع جمعیت نمونه

ردیف	عنوان جامعه آماری	شغل	فراوانی
۱	مهاجران	کارگر	۱۰
		مهندس	۶
		مدیر	۵
۲	جامعه محلی	مهندس	۳
		صیاد	۱۰
		معلم	۵
		امامان جمعه	۴
		دیگر مشاغل	۶
	مدیران نفتی	دولتی	۴
		کارشناس	۶
		غواص	۱
۴	کارشناسان غیر مهاجر	کارشناسان	۵

جدول ۱۰- توزیع تحصیلات

ردیف	وضعیت تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی
۱	کارشناسی ارشد به بالا	۹	٪۱۲
۲	کارشناسی	۵	٪۶٫۷
۳	کاردانی	۱۱	٪۱۴٫۸۶
۴	دیپلم	۱۵	٪۲۰
۵	زیر دیپلم	۱۷	٪۲۲
۶	بی سواد	۱۸	٪۲۴

جدول ۱۱- پرسش اول

پرسش	زیاد	متوسط	کم	اصلا
پرسش شماره ۱ حضور مهاجرین در این منطقه باعث توسعه جامعه محلی شده است؟	۱۰	۱۰	۷۰	۱۰

پرسش شماره ۲: به نظر شما چه تاثیراتی داشته اند؟ پرسش شماره ۳ مثبت و یا منفی بوده است؟

در مورد این سؤال عمده تاثیرات که عنوان شده بیشتر بحث اشتغال مطرح بوده و اینکه فرصت سوزی شده است.

توضیح و تحلیل

پرسش شماره ۳: مثبت یا منفی بوده؟

توضیح و تحلیل

تمایل به تاثیرات (تمایل به تاثیرات منفی داشته اند) از قبیل جرایم، گرفتن فرصت های شغلی)

مثلا ۳۶ درصد تمایل به تاثیرات از قبیل مطرح شدن نام عسلویه جاده کشی و توسعه راه های روستایی و ...

مثلا ۱۵ درصد اظهار داشته اند که تاثیر خاصی نداشته اند.

جدول ۱۲- پرسش ۴

پرسش	عنوان	درصد فراوانی
پرسش شماره ۴: در چه بخش هایی بیشترین تاثیری را داشته اند؟	اشتغال	۳۰
	اجتماعی (اعتیاد	۱۵
	صنایع، معیشت بومی (کشاورزی،	۲۰

	ماهگیری، باغداری و...	
۱۰	زیست محیطی	
۱۵	بهداشتی	
۱۰	مسکن	

پرسش ۵ عبارت بود از آیا حضور مهاجران در منطقه باعث پیدایش آسیب های اجتماعی شده است؟
برای درک بهتر آسیب ها، سه جامعه هدف مردان، زنان و کودکان بطور مجزا مورد مطالعه قرار گرفت.

جدول ۱-۵ زنان

نوع آسیب	درصد فراوانی
تغییر فرهنگ	۲۵
اعتیاد	۲۵
سلامتی و بهداشت و بیماری ها	۳۰
تغییر در معیشت	۲۰

جدول ۲-۵ مردان

نوع آسیب	درصد فراوانی
تغییر فرهنگ	۱۵
اعتیاد	۳۰
سلامتی و بهداشت و بیماری ها	۲۵
تغییر در معیشت	۳۰

جدول ۲-۵ کودکان اشاره در خصوص کودکان نشد.

جدول شماره ۱۳- پرسش ۶- پاسخ توضیحی و تحلیلی مثلا ۱۰ درصد

جدول ۱۴- پرسش ۷:

مهاجرین باید در محیط های بومی اسکان یابند و یا جداگانه؟

محل اسکان	درصد فراوانی
بومی (روستا ها)	۱۰
مجزا	۹۰
کارتن خوابی	-

جدول ۱۵- پرسش ۸

مهاجرین دائمی و یا موقت ؟

دائمی	نیمه دائمی (نیمه اقماری)	موقت اقماری (کمتر از دوهفته)
۵ درصد	۲۰ درصد	۷۵ درصد

توضیح اینکه به دلیل شکست سیاست های وزارت نفت پروژه های اقماری به سمت طرف دائمی شدن حرکت دارند و می خواهند که به کارکنان تسهیلاتی برای خرید خانه در مناطق که کار می کنند هستند و در سطوح عالی وزارت نفت معتقدند " شهرک سازی ایجاد هویت نمی کند بلکه باعث جدایی و اختلاف جوامع بومی و محلی با کارکنان صنعت نفت می شود".^۱

پرسش ۹ حذف شده توضیح خواهم داد.

جدول ۱۶- پرسش ۱۰ مشاغل

مهاجران در چه بخش هایی بیشتر فعالیت می کنند؟

عنوان	درصد فراوانی
مدیریت	۸

^۱ بیژن زنگنه، وزیر نفت دولت یازدهم، همایش مسئولیت اجتماعی، تهران ۱۳۹۵

مهندسی	۹
کارشناسی	۱۰
کارمندی	۱۵
کارگری و امور خدماتی	۴۵
راننده	۱۰
سایر موارد	۳

جدول ۱۷- پرسش ۱۱

توضیحی داده شود

جدول ۱۸- پرسش ۱۲

پرسش	زیاد	متوسط	کم	اصلا	بدون نظر
پرسش شماره ۱۲ فرهنگ مهاجران چقدر روی مردم بومی تاثیر گذاشته اند؟ و یا بالعکس	۷۵	۱۰	۶	۳	۶

جدول ۱۹- پرسش ۱۳

پرسش	زیاد	متوسط	کم	اصلا	بدون نظر
پرسش شماره ۱۳ حضور مهاجران در منطقه به چه میزان باعث ایجاد انگیزه و حرکت و پویایی میان اعضای جامعه محلی شده است؟ آیا برای گرفتن شغل رقابت میان اعضای جامعه محلی و مهاجران وجود دارد یا خیر؟	۳۵	۲۰	۳۰	۱۰	۵

پرسش ۱۴ در مورد کار کودکان و تاثیر حضور مهاجران بر کودکان که اکثرا بالای ۹۷ درصد معتقد بودند که تاثیر کوتاه مدتی نداشته اند.

به علت ؟ عدم ارتباط - ارتباط ضعیف و جدایی سکونتگاه ها اما در روستایی که مهاجران ورود پیدا کرده اند.

پرسش ۱۵

با انجام مصاحبه ها و پرسشنامه ها مشخص شد که توسعه صنعتی به طور قطع موجب توسعه مراکز آموزشی و دانشگاهی و مراکز آموزش فنی حرفه ای (مانند جوشکاری ...) شده است. از جمله تاسیس دانشگاه علمی کاربردی و واحد بین المللی دانشگاه پیام نور و دانشگاه آزاد کنگان و ... با رشته های تاسیس مدارس جدید با آمار و در سطوح مختلف در روستا ها و بخش ها به ویژه برای دختران ...

تربیت بدنی و ورزشگاهی و اضافه کنیم.

فصل چهارم : یافته های تحقیق

باتوجه به اینکه آخرین اطلاعات آماری مربوط به عسلویه مربوط به زمانی است که هنوز عسلویه از نظر ساختار وزارت کشور در سطح بخش بوده است نگارنده با انجام مصاحبه با مسئولین خانه های بهداشت در تمامی سه شهر و بیست روستای منطقه عسلویه آمار جمعیت این منطقه در سال ۱۳۹۴ را به دست آورد. (جدول شماره ۳)

جدول - ۲۱ آمار کسب شده توسط نگارنده مراجعه حضوری از خانه های بهداشت روستا ها
و شهر ها عسلویه سال ۹۴

ردیف	جمعیت	خانوار	جمعیت کل
۱	روستای بندو	۱۴۹	۶۱۴
۲	سهموی جنوبی	۲۱۵	۹۸۷
۳	سهموی شمالی	۳۲۷	۱۵۳۱
۴	مروع	۹۷	۴۴۲
۵	سواحل	۹۸	۴۵۷
۶	چاه مبارک	۶۴۸	۳۷۶۹
۷	بستانو	۱۴۲۲	۳۰۲
۸	خیارو	۱۷۸	۷۱۴
۹	عسگری	۲۱۱	۸۹۱
۱۰	اخذ	۶۳۷	۳۷۱۰
۱۱	ده نو	۲۷۸	۹۵۱
۱۲	کلات	۱۷۹	۵۳۶
۱۳	بز باز	۳۵۸	۱۵۵۲ (فراوانی جمعیت به دلیل نزدیکی به تاسیسات نفت و گاز و همچنین ارزانی اجاره خانه ها می باشد.)
۱۴	خره (روستاهای ساحلی)	۱۲۳	۶۱۲
۱۵	کنار خیمه (روستاهای ساحلی)	۹۶	۵۰۸
۱۶	بنود (روستاهای ساحلی)	۱۰۵	۶۱۴
۱۷	زوار (روستاهای ساحلی)	۲۱۷	۱۲۷۱
۱۸	صفیه (روستاهای ساحلی)		
۱۹	بساتین (روستاهای ساحلی)	۱۹۲	۹۴۸
۲۰	هاله (روستاهای ساحلی)	۲۰۷	۹۰۸
۲۱	بید خون		
۲۲	عسلویه		
۲۳	نخل تقی		

بر اساس سالنامه آماری کشور سال ۹۲ بخش مسافران حمل شده توسط شرکت های هواپیمایی داخلی بر حسب فرودگاه در پرواز های داخلی (هزار نفر) به عسلویه که اغلب مسافران را مهاجران و پرسنل وزارت نفت و کارمندان سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس و ۴ شرکت اصلی وزارت نفت و همچنین مجموعه پیمانکاری های مجموعه نفت گاز هستند.

جدول ۲۲: پروازهای خروجی و ورودی

استان و فرودگاه	۱۳۸۹		۱۳۹۰		۱۳۹۱		۱۳۹۲	
	خروجی	ورودی	خروجی	ورودی	خروجی	ورودی	خروجی	ورودی
عسلویه	۲۷۳	۲۷۴	۳۱۷	۳۱۷	۳۷۲	۳۷۱	۳۴۸	۳۴۵

امکانات و زیرساخت های منطقه

تعداد سه مرکز بهداشتی درمانی در شهرهای عسلویه و نخل تقی و روستای چاه مبارک و ۱۵ خانه بهداشت در روستاهای بخش عسلویه وجود دارد که خدمات بهداشتی درمانی ارائه می دهند. به گفته اکثر بومیان خدماتی که در این مراکز ارائه می شوند عمومی و در حد معاینه هستند و برای دریافت خدمات تخصصی باید به کنگان یا مرکز استان بروند. همچنین بیمارستان ۳۲ تختخوابی تامین اجتماعی عسلویه هنوز تکمیل نشده است.

با توجه با تازه تاسیس بودن شهرداری های عسلویه و نخل تقی، اقدامات زیادی جهت ساماندهی و عمران شهری صورت گرفته است که می توان به آسفالت معابر عمومی شهری، خیابان کشی اشاره کرد. فضای سبز شهری محدود به پارک ساحلی عسلویه می باشد. همچنین احداث پارک ۱۵ هکتاری که عسلویه را به نخل تقی متصل می کند در مراحل اولیه قرار دارد.

آبرسانی به دو شهر عسلویه و نخل تقی از طریق لوله های آب شیرین کن منطقه ویژه تامین می شود. هفته ای ۲ روز آب قابل شرب در لوله ها جریان می یابد و در بقیه روزها آب شور جریان دارد. همچنین به سایر روستاهای منطقه غیر از بیدخون از طریق تانکر و توسط منطقه ویژه آبرسانی می شود. بیدخون از قدیم چشمه آب شیرین داشته که هنوز هم آب آشامیدنی این شهر را تامین می کند.

برق بخش عسلویه از شبکه سراسری تامین می شود که جدای از برق منطقه ویژه که از طریق نیروگاه برق بستانو تامین می شود هست. نوسانات و قطعی برق، همچنین گرانی هزینه آن یکی از مشکلات اصلی منطقه بود که در تابستان ۸۷ باعث نارضایتی مردم بعثت قطعی های مکرر در گرمای طاقت فرسا شده بود.

در روستاهای عسلویه برای مصارف خانگی هنوز از سیلندر گاز استفاده میشود که بابت پرکردن هر کپسول ۵۲۰۰ تومان می پردازند اهالی روستا ها از اینکه زیر پایشان گاز است و اما بناچار مجبور به این کار هستند ناراضی هستند و عمده ناراضیان نیز زنان خانواده ها هستند.

در زمینه امکانات آموزشی، اکثر روستاها دارای مدرسه هستند و با کمک منطقه ویژه در راه اندازی سرویس های دانش آموزان، دانش آموزان روستاهای کوچکی که فاقد مدرسه در مقاطع راهنمایی و دبیرستان هستند نیز امکان تحصیل در روستاهای مجاور دارند. همچنین با راه اندازی واحد بین المللی پیام نور عسلویه وضعیت آموزش بهتر شده است و دانش آموزان می توان در محیط زندگی به دانشگاه و آموزش عالی راه یابند.

صنعت و ویژگیهای آن

میدان گازی پارس جنوبی را نخستین میدان فراساحلی جهان دانسته اند. نتایج حاصل از لرزه نگاری و تایید وجود گاز در این میدان، به حفر نخستین چاه اکتشافی در آنجا در سال ۱۳۶۹ منجر شد.^۱

مهندس جمی مدیرعامل سابق منطقه ویژه پارس می گوید «عملیات احداث صنعت در منطقه عسلویه به سال ۱۳۷۴ برمی گردد. وزارت نفت در آن زمان چون اطلاع دقیقی از حجم میدان نداشت، ابتدا به دنبال ایجاد دو پالایشگاه بودند و بدلیل مشترک بودن این میدان با کشور قطر و با توجه به بهره برداری زودتر این کشور، عملیات اجرایی برای بهره برداری هرچه سریعتر آغاز شد».

یکی از اعضای شورای بخش عسلویه در این زمینه می گوید «ما از قبل از انقلاب از وجود گاز در اینجا خبر داشتیم ولی تا اواخر سال ۱۳۷۵ که رئیس جمهور وقت (آقای رفسنجانی) برای افتتاح آن آمدند، عملیات چاندانی در منطقه شروع نشده بود».^۲

میدان گازی پارس جنوبی یکی از بزرگترین منابع گازی مستقل جهان است که بر روی خط مرزی مشترک ایران و در خلیج فارس قرار دارد و یکی از اصلی ترین منابع انرژی کشور به شمار می رود. مساحت این میدان ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که سهم متعلق به ایران ۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. ذخیره گاز این بخش از میدان ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز به همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی است که حدود ۸ درصد از کل گاز دنیا و

^۱ مجله آغاز، ۱۳۸۷: ۳

^۲ مصاحبه با علی پلنگی رئیس شورای بخش عسلویه

نزدیک به نیمی از ذخایر گاز کشور را شامل می‌شود (کتابچه معرفی سازمان منطقه ویژه انرژی اقتصادی پارس، ۸).

قطری‌ها از سال ۱۳۶۰ شروع به بهره‌برداری از این منطقه کردند و کشورهای مختلف دنیا نیز به کمک آنها برآمدند و شرکت‌های معظم نفتی نظیر شل، توتال، هالیرتون و... به یاری قطری‌ها شتافتند و در حالی که ما در جنگ تحمیلی بر سر می‌بردیم آنها ۱۳ سال جلوتر از ایران از ذخایر این میدان مشترک بهره‌برده‌اند. شتاب سرمایه‌گذاری قطر حدود ۷۰ میلیارد دلار است و این در حالی است که ایران فعالیت خود را از سال ۷۳ آغاز کرده و تاکنون ۲۰ میلیارد دلار در این منطقه سرمایه‌گذاری کرده است (آغاز، ۱۳۸۷: ۴).

ارزش سهم ایران از این میدان معادل ۲۸,۶ درصد مجموع ذخایر نفت و گاز کشور است که با تعیین ارزش ۵ سنت برای هر متر مکعب گاز طبیعی و ۲۵ دلار برای هر بشکه میعانات گازی، ۱۱۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. بهره‌برداری در ۲۸ فاز انجام خواهد شد. هر یک از فازها جهت استحصال روزانه ۲۸ میلیون مترمکعب گاز طراحی شده و با احتساب درآمد ناشی از جانشینی مصرف نفت، سالانه ۱,۵ میلیارد دلار درآمد برای کشور به ارمغان خواهد آورد. طی برنامه‌های ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، توسعه میدان گاز پارس جنوبی با اولویت در دستور کار دولت قرار گرفته و تاکنون ۱۰ فاز آن بهره‌برداری شده است. بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، گاز حاصل از میدان گاز پارس جنوبی، به منظور تصفیه نهایی و صادرات از خطوط لوله زیر دریا به منطقه ویژه انرژی پارس منتقل و در بخش خشکی فراورش می‌شود (آغاز: ۳).

منطقه ویژه اقتصادی عسلویه در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۱۸، بر اساس مصوبه هیئت وزیران تشکیل شد. لازم به ذکر است که هیئت وزیران نماینده صاحب سهام در مجامع عمومی است که به موجب تصویب نامه مورخه ۱۳۷۳/۲/۱۳، اختیارات خود را به وزرای عضو شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی تفویض کرده است. با توجه به گسترش حوزه فعالیت‌ها، منطقه ویژه اقتصادی عسلویه در دهم اسفندماه ۱۳۷۸ به منطقه ویژه انرژی اقتصادی پارس تغییر نام یافت.^۱

محدوده منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، در سال ۱۳۸۵، با تصویب هیئت دولت از ۱۴ هزار هکتار به ۳۰ هزار هکتار افزایش یافت تا بتواند در حوزه فعالیت‌های تعیین شده، توان عملیاتی گسترده‌تری در منطقه فراهم کند.

^۱ پیشین: ۴

برهمن اساس در سال‌های اخیر شاهد تلاش‌های مضاعفی برای ایجاد، تکمیل و توسعه زیرساخت‌ها و پشتیبانی از چرخه تولید بوده‌ایم تا منطقه بتواند از طریق فرصت‌های بوجود آمده، گام‌های بلندتری را برای اهداف توسعه‌ای کشور بردارد. پیش‌بینی می‌شود برای کاهش وابستگی‌های مستقیم و غیرمستقیم به درآمدهای نفتی و رفع بحران‌های اقتصادی و مالی ناشی از آن، اقتصاد کشور به سمتی حرکت کند که با راه‌اندازی ۲۴ فاز پالایشگاهی (معادل ۲۸ فاز) و ده‌ها فاز پتروشیمی و سایر صنایع مختلط، سنگین، نیمه‌سنگین، دریایی و دیگر صنایع مرتبط در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، نیاز کشور برای کسب درآمدهای ارزی و جذب سرمایه‌گذاری‌های لازم تامین شود (آغاز: ۴).

جمعیت فعال در بخش صنعت در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده است. از ابتدای شروع در سال ۷۶ تا سال ۸۰ مهاجرت کارگران به منطقه روند افزایشی داشته و در سال‌های ۸۳ و ۸۴ به اوج خود یعنی ۶۰ هزار نفر می‌رسد. بعد از سال ۸۴ با کاهش سرمایه‌گذاری و همچنین اتمام کار برخی از فازها، جمعیت فعال در بخش صنعت کاهش یافته است و در سال ۸۷ به ۲۷ هزار نفر رسید.^۱ این روند کاهشی همچنان ادامه دارد. طبق آخرین آمار اکنون ۲۳ هزار نفر در منطقه مشغول به کار هستند.^۲

هم‌اکنون در منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی، ۱۵ شرکت مجری یا بهره‌بردار مستقرند که برخی وابسته به شرکت ملی نفت ایران و برخی دیگر به اشکال سهامی خاص، مسولیت محدود و ... مشغول فعالیت هستند. این شرکت‌ها عبارتند از:

– **شرکت نفت و گاز پارس**: یکی از شرکت‌های فرعی شرکت ملی نفت ایران، در سال ۱۳۷۷ تاسیس شده و مسولیت توسعه کلیه فازهای میدان گازی پارس جنوبی و پارس شمالی، گلشن و فردوسی را بر عهده دارد.

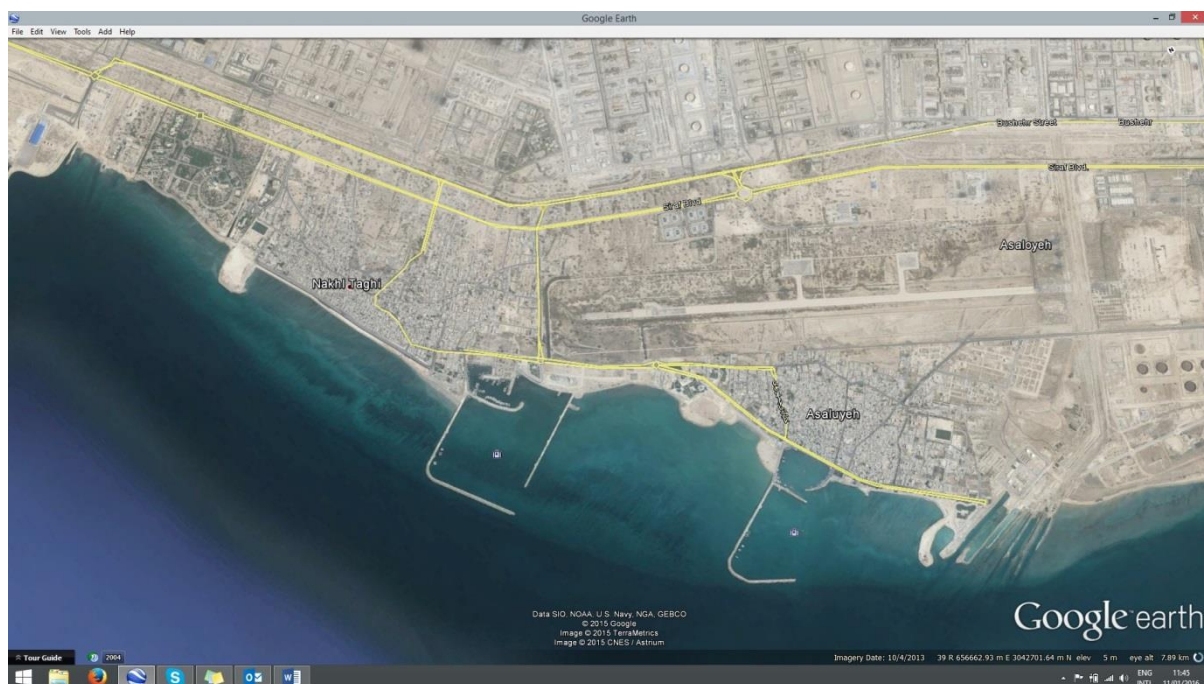
– **شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی**: یکی از شرکت‌های فرعی شرکت ملی گاز ایران در سال ۱۳۷۷ به منظور بهره‌برداری از فازهای توسعه‌ای میدان گازی پارس جنوبی تاسیس شد.

– **شرکت پتروپارس**: پیمانکار طرح توسعه فاز ۱ به روش بیع متقابل. سایر شرکت‌ها عبارتند از: شرکت پتروشیمی جم، شرکت پلیمر آریاساسول، شرکت پتروشیمی اوره و امونیاک غدیر، شرکت پتروشیمی پارس،

^۱ بخش‌داری عسلویه، ۱۳۸۷

^۲ . مصاحبه مدیر اشتغال سازمان منطقه ویژه در سایت خبرگزاری خلیج فارس ۱۳۸۸/۷/۱۸

شرکت پتروشیمی زاگرس، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، شرکت پتروشیمی برزویه، شرکت پتروشیمی مبین، شرکت شیمیایی لاوان، شرکت پتروشیمی خلیج فارس، شرکت پتروشیمی مهر، شرکت پتروشیمی بوشهر.



امکانات و زیر ساخت های منطقه عسلویه

بیشتر مشاغل بومیان در گذشته از طریق دامداری، کشاورزی، دامداری، ماهیگیری، لنچ سازی و تجارت آبی و داد و ستد محلی با همسایگان خلیج بوده است. این رویه بومی اکنون در این مناطق بر اساس موقعیت مکانی استراتژیک یک سری نگاه های امنیتی وجود دارد که به برهم ریختگی معیشت و کسب و کار آنان منجر گردیده است و محدودیت و موانعی را بر سر راه کسب درآمد بومیان منطقه ایجاد کرده است که تا قبل ورود صنعت اینگونه نبوده است و آنان به راحتی با همسایگان خود مراوده تجاری و اقتصادی داشته اند.

محلی ها عقیده دارند که با ورود صنعت نفت و گاز و بویژه آلودگی های ناشی از فلرها و رفت و آمد کشتی ها و ریخته شدن فاضلاب های صنعتی و پتروشیمی ها به دریا ماهی ها و آبزیان خلیج کوچ اجباری کرده اند و به مناطق دور دست تر دریایی رفته اند که همین امر باعث شده است که صیادان مسافت بیشتری را برای صید طی می کنند و انرژی و هزینه زیادتری نسبت به قبل بر آنان تحمیل شده است و در بعضی مواقع بدنبال صید که رفته اند به ناچار از خط مرز آبی گذشته اند که چالش های مرزی و خطرات دستگیری را هم به جان خریده اند و مشکلات و پیامدهایی را برای معیشت و خانواده هایشان به بار آورده است.

علاوه بر آن چون خلیج نایبند همانطور که قبلا اشاره شده است جزو حساسیت زایی و خطوط قرمز جامعه بومی و محلی است و آنها معتقدند که دیگر به هیچ عنوان نخواهیم گذاشت که صنعت نفت و گاز به قلمروی خلیج نایبند ورود پیدا کند چرا که نایبند هویت و آخرین منابعی ارزشی است که برای آنان باقی مانده است.

در اینجا به خاطر اهمیت پارک ملی نایبند اشاره ایی هم به آن می شود.

خلیج نایبند با وسعت ۴۱/۳ کیلومتر مربع و عرض دهانه ۷۴۰۰ متر و خط ساحلی به طول ۲۰/۷۵ کیلو متر در ردیف خلیج های کوچک ساحلی (Bay) قرار می گیرد که با داشتن اکوسیستم هایی نظیر جنگل های حرا، آبسنگ های مرجانی، سواحل صخره ای، سنگی، ماسه ای و گلی و خورهای متعدد، یکی از متنوع ترین و منحصربفردترین مناطق ساحلی - دریایی شمال خلیج فارس را تشکیل می دهد. نایبند بیانگر قدمت و ارزش بالای این جوامع مرجانی است در اثر همین حضور صنعت ۴۲ درصد از پوشش مرجانی که بالاترین میزان تخریب مرجان ها را در سواحل ایران اختصاص دارد.

از دیگر ارزش ها جامعه جنگل های حرا در خلیج نایبند با وسعت ۳۹۰ هکتار وسیع ترین اجتماعات حرا در مدارهای بالای ۲۷ درجه در خلیج فارس محسوب می شود و به عنوان آخرین مجموعه انبوه و وسیع از این درختان در شمال غرب اقیانوس هند شناخته شده است. (عبدلی و دیگران ، ۱۳۸۸) جنگل های حرای نایبند مهم ترین مناطق زمستانی گذرانی و تغذیه پرندگان منجمله هوپره و جیرفتی است.

پوشش گیاهی این اکوسیستم ها اراضی ساحلی را در برابر فرسایش حفظ کرده و همانند سپر محافظی در برابر جریان های جز و مدی، سیل و طوفان عمل می کند.

حال اینکه از آنجا که پارک ملی نایبند با پیشینه حفاظت توسط جامعه محلی ، همواره تا قبل از ورود صنعت نفت و گاز به بهترین شیوه حفاظت می شده است و حال با هجوم صنایع سنگین و تاسیسات نفت و گاز و مهاجرین همگی عاملی شده اند که این پارک ملی را در بحرانی ترین شرایط زیست محیطی و آلودگی ها در اثر تخلیه فاضلاب های صنعتی و مسکونی و نشت گاز منجر به مرگ مرجان ها، خشک شدن درختان حرا و آسیب دیدن آبزیان قرار بگیرد.

آثار حضور مهاجرین بر اشتغال در منطقه

امروزه با ورود صنعت و تغییرات ایجادشده به لحاظ کاربری اراضی، آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از استقرار تاسیسات نفت و گاز و تغییراتی که در بافت اجتماعی، پیش آمده مشاغل بومی گذشته جای خود را با مشاغل خدماتی جدید مانند (راننده، پیک موتوری مسافر بر با موتور سیکلت، آبدارچی، نگهبانی، باغبانی، مغازه داری، اجاره داری و ...) در شرکت های نفتی و پتروشیمی ها عوض شده است که این مشاغل از نگاه مردمان بومیان شغل های با ارزش به حساب نمی آیند و آنان بناچار جذب این شغل ها شده اند.

البته در تحقیق^۱ به این موضوع اشاره شده است تعداد مطلق افراد بیکار یا عدم تمایل مطلق واحد های صنعتی برای استخدام بومیان نیست بلکه فقدان تخصص و مهارت های لازم برای کار صنعتی نزد بومیان سبب شده است تا این گروه در مشاغل بکار گرفته شوند که به لحاظ منزلت اجتماعی مطلوب جامعه بومی منطقه نیست و حتی انباشته شدن اکثر در این گونه مشاغل، شاید در آینده زمینه ساز نارضایتی های اجتماعی را در منطقه عسلویه را در بر خواهد داشت.

در حال حاضر هنوز هم دغدغه های اصلی مردم بومی عسلویه مبنی بر استفاده حداقلی از نیرو های بومی در مجموعه های شرکت های نفت و گاز منطقه علیرغم وعده های داده شده حل نشده است و بقوت خود باقی است. همانطور که ذکر شده است در سال های گذشته به دلیل اینکه نیرو های بومی منطقه تخصصی ندارند آنها را به کارهای و مشاغل خدماتی می فرستادند اما بنا بر نظر مردمان بومی آلان دیگر این مسئله مطرح نیست چرا که بخشی از مردم عسلویه و بویژه جوانان به دنبال کسب مهارت های فنی و حرفه ایی رفته اند و در حال حاضر بیش از ۱۰۰۰ نفر از فارغ التحصیلان دانشگاهی و فنی حرفه ای منطقه بیکارند و با وجود توصیه مسئولان از جمله وزیر نفت و معاونین مبنی بر اینکه بیکاری در بومیان عسلویه توجیه و بهانه جویی ندارد و اکنون می باید دولت و مجموعه نفت به تعهدات خود در قبال اشتغال جامعه محلی عمل کند.

یکی دیگر از اشتغال های بومی که می توان از آن نام برد اجاره دادن خانه ها به مهاجرین است که از این طریق امرار معاش می کنند. البته آنان ترجیح می دهند که منازل خود را به کسانی اجاره دهند که در شرکت ها مشغول بکار هستند چرا که در بعضی مواقع مهاجران بیکار بدلیل اینکه در جایی مشغول به کار نشده اند از پرداخت اجاره سر موقع به مالکان خودداری می کنند و برای آنان ایجاد مشکل کرده است.

^۱ فاضلی و دغاقله، ۱۳۸۴

عده ای از مهاجران که شغل های با دستمزد پایین و شغل های کاذب دارند از عهده کرایه های بالا بر نمی آیند و بنابر این به روستاهای اطراف عسلویه مهاجرت می کنند این افراد معمولاً شغل های کاذب منجمله مواد فروشی و ... دارند که همین امر مردم محلی روستا های اطراف عسلویه را نگران کرده است و حاشیه نشینی در در منطقه در حال گسترش است که همین حاشیه نشینی نیز علاوه بر بحث مهاجرت موجود پیامد های و معضلات مازاد منجمله افزایش فقر و شرایط نامساعد زندگی، بیکاری، تراکم جمعیتی بالا در کنار روستا ها و همچنین در هم ریختگی فرهنگی جدید و تعارضات اجتماعی را در بر داشته است.

از نگاه کسب و کار مردم محلی در منطقه عسلویه بیشتر به روستا ها و شهر های خدماتی تبدیل شده اند که نیاز های روزمره ای مهاجران را تامین میکنند. در مصاحبه هایی که با کسبه بومی و مغازه داران خرده پا صورت گرفت آنها می گفتند که شرکت های نفت و گاز و پتروشیمی قرار است که در داخل کمپ ها سوپر مارکت هایی راه اندازی کنند که این کار کسبه خرده پای محلی را نگران کرده است، که این حداقل در آمد و معیشت آنان نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد و مغازه های محلی آنان دیگر کارآیی فعلی را نخواهد داشت.

عمده سرمایه گذاری های در منطقه از سوی غیر بومی صورت گرفته است و از شهرستان هایی مثل تبریز ، اردبیل، سمنان، شیراز، خرم آباد و شمال به آنجا آمده اند و به کسب و کار مشغول شده اند.

در یک از این مصاحبه با مغازه داری که پیراهن های فرم شرکت های نفتی را می فروخت که اهل آذربایجان بود می گفت این لباس ها را ما به کشور چین سفارش می دهیم و به آنان می گوئیم که اسم تولید دوخت خودمان (ایران) را روی آنان درج کنند و آنگاه به شرکت نفت و گاز می فروشیم.

همه شواهد حاکی از آن است که ورود و استقرار شرکت های نفت و گاز شغل های سنتی و معیشت آنان را تحت تاثیر قرار داده است و در اکثر مواقع معیشت سنتی آنان از بین برده است و شغل مناسب و با منزلتی جایگزین آن نشده است حتی مواردی هم مشاهده شد که خود بومیان به شهر های دیگر مانند بوشهر و شیراز مهاجرت کرده اند. این مسئله که با عنوان پدیده هجوم اکولوژیکی جوان شناخته می شود در پی احداث تاسیسات صنعتی ایجاد میگردد و از طریق هجوم کارگرانی که مایلند در مجاورت محل کار خود سکونت داشته باشند شکل میگیرد. این وضعیت زمانی بحرانی می شود که با افزایش تعداد و وسعت موسسات صنعتی در آن منطقه، ساکنین بومی و محلی تحت فشار انواع آلودگی ها و مشکلات ایجاد شده، محل مسکونی خود را

ترك نموده و جای آن را گروه های کارگری و یا تاسیسات صنعتی اشغال نماید.^۱ تغییر و آسیب های اجتماعی و حتی سیاسی را می توان از جمله مهمترین پیامد های ناشی از این پدیده دانست (روشه ۱۳۷۰).

تحلیل آثار و پیامدهای حضور مهاجرین در منطقه عسلویه

آثار حضور مهاجرین بر فرهنگ مردم بومی

تقریباً بومیان منطقه عسلویه به زبان عربی و با لهجه های محلی صحبت می کنند. آداب و رسوم محلی مردم عسلویه به مانند دیگر نقاط کشور ریشه در فرهنگ آنان دارد.

وجود تنوع قومی و قبیله ای موجود مانند اعراب بنی مالک (شافعی مذهب) شیخ الحرم، بنی تیم آل منصور، در گذشته در روستاهای دهنو و اخند (منطقه عسلویه) یهودیانی ساکن بودند که پس از تشکیل رژیم اشغال گر صهیونیستی به اسرائیل مهاجرت کردند و در آنجا ساکن شدند. همچنین تنوع قومی و فرهنگی مهاجران کاری به منطقه عسلویه که در کنار هم تا کنون بدون درگیری و تعارضات نسبت به هم جزوء معدودی مناطق کشور است که همگی در کنار هم و با مسالمت با هم به زندگی خود ادامه می دهند.

نوع پوشش مردمان بومی عسلویه بر اساس مذهب و اعتقادات، شرایط اقلیمی، نوع معیشت و آداب و رسوم متفاوت است. پوشش مردان و جوانان در مناسبات های محلی معمولاً از لباس محلی شامل لباس سفید رنگ^۲ دشداشه و چفیه استفاده می کنند اما بر اساس مشاهدات در رفت و آمد به ادارات معمولاً لباس غیر محلی می پوشند و زنان در مقایسه با مردان با پابندی بیشتری به حفظ پوشش و بقای لباس های محلی و آداب و رسوم سنتی خود کوشیده اند.

عبا واژه عربی است که زنان منطقه برای بیرون رفتن و رفت و آمد های شهری معمولاً روی لباس خود می پوشند.

عبا فقط از پارچه سیاه دوخته می شود و معمولاً قیمت آن گران است برای زنان ۲ نوع عبا وجود دارد یکی عبا روی سر و عبای روی کتف، که عبا زن را کاملاً می پوشاند.

^۱ Gist and others , 1977-2013.

^۲ dishdasha

“مخنک” نوعی روسری است که مانند مقنعه مدارس دایره شکل است اما از پشت تا کمر می رسد و روی سر و آخر آن گل کاری شده است که مختص دختران می باشد. از گذشته روایت می شود که دختران بطوله های (نقاب) بلند می پوشیدند که با بطوله زنان فرق می کرده است و وقتی ازدواج می کردند بطوله خود را عوض می کردند.

بطوله^۱ یا برقع، پوششی است که زنان این منطقه بر صورت خود می نهند تا از دختران تشخیص داده شوند و هرچه سن آنها بالاتر رود، پوشش صورت آنها بیشتر می شود. از نوع بطوله ای که زنان استفاده می کنند می توان محل جغرافیایی زندگی آنها را تشخیص داد.

در گذشته نه چندان دور پدر و مادر بزرگترین نقش را در ازدواج پسر برعهده داشتند. والدین پسر، هر دختری را که می پسندیدند برای وی برمی گزیدند و با جمعی از بزرگان محل به خواستگاری دختر می رفتند.

رضایت والدین دختر از داماد در خانواده عروس کفایت می کرد و دختر تنها از موضوع خواستگاری مطلع می شد و نقش تعیین کننده در قبول ازدواج را والدین او بازی می کردند و عروس و داماد حق نداشتند در فاصله بین عقد و عروسی که مدت آن حداکثر یکماه به طول می انجامید همدیگر را ببینند اما امروزه در گذر زمان و تغییراتی که با ورود ارتباطات و شبکه های اجتماعی (واتس آپ، تلگرام، وایبر، اینستاگرام و ...) که در بین بومیان عسلویه رواج دارد باعث آن شده است که این آداب و رسوم بویژه نزد زنانی که درس خوانده و دانشگاهی به حساب می آیند کم رنگ شده است و در بعضی مواقع دچار تغییراتی در این رسوم گردیده است. در مناطق جنوبی و همچنین کشورهای حاشیه خلیج فارس زنان نقاب متفاوتی دارند که از شکل آن می توان منطقه زندگی زنان را متوجه شد. زنان بومی عسلویه به دو زبان فارسی و عربی حرف می زنند. اکثراً زنان خانه دار هستند، زود ازدواج می کنند و زود بچه دار می شوند و با شرایط موجود معمولاً تمام روزهایشان را در خانه می گذرانند.

دلهره و نگرانی اصلی زنان بومی ازدواج های متعدد شوهران آنان است یکی از زنان بومی این منطقه، مساله چندهمسری را در حال حاضر نسبت به قبل کمی سخت تر می داند و با این وجود هنوز هم در میان مردم بومی تعدد زوجات رایج است. اگر اینجا زن جوانی به دلیل ازدواج دوم همسرش طلاق بگیرد یا دیگر نمی تواند ازدواج کند یا باید همسر مرد بسیار پیرتر از خودش شود. به همین دلیل زنان بومی بناچار ترجیح می دهند وجود همسر دوم و سوم را قبول کنند و با این مسئله به نوعی کنار بیایند.

¹ BATTOOLAH

یکی از زنان بومی منطقه از زاویه ای متفاوت به بحث ورود صنایع و مهاجران اشاره داشت. در مصاحبه با ایشان او معتقد بود علیرغم اینکه ورود صنایع و مهاجران پیامدهای منفی مختلف منجمله (آلودگی هوا و بیماری های نظیر سقط جنین و ...) داشته که سلامت آنان را به خطر انداخته است؛ اما تاثیر مثبت و حائز اهمیت برای زنان منطقه این است که رفتار شوهرانشان نسبت به قبل بهتر شده است.^۱

روستاهای عسلویه بر اساس ساختار نظام شیخی اداره می شود و هر روستا را شیخی است که مورد احترام مردم هست و روستا را اداره میکند. در هر روستا یک کدخدا وجود دارد که نماینده شیخ منطقه است و همچنین در هر روستا یک قلعه هم وجود دارد که محل استقرار کدخدا و فرمانداران و ریش سفیدان محلی هست. در کنار همه اینها طی مصاحبه های انجام شده نگارنده با مردمان بومی این محل صورت گرفت، اهمیت درخت نخل در بین مردمان بومی مناطق جنوبی کشور منجمله عسلویه یکی از منابع مقدس که از قداست بالایی برخوردار بوده است حکایت دارد بسیاری از مناطق شهری مانند نخل تقی، نخل غانم و نخل بستانو و بساتین، دارای نخلستان های بزرگ بوده است به خاطر تغییر کاربری و بالا رفتن قیمت زمین نخل یک به یک قربانی می شوند این درحالی است که در فرهنگ جامعه بومی قطع نخل جایگاهی نداشته حتی از لحاظ حقوقی طبق ماده ۶۸۵ قانون مجازات اسلامی، هر کس اصله نخل خرما را به هر ترتیب یا هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد یا قطع کند، به سه تا شش ماه حبس یا جزای نقدی محکوم خواهد شد. و در خیلی از مواقع دادستان می تواند به عنوان مدعی العموم وارد عمل شود.

این در حالی است که به گفته ریش سفیدان محلی اهمیت این درخت در میان مردمان بومی پس از ورود صنعت رو به کاهش گذاشته است و شاهد این مدعا نیز قطع درختان نخل و فروش پنیر نخل^۲ است. علاوه بر این حاکمیت ارزش ها و باور های دینی و مذهبی از گذشته های دور باور های دینی و مذهبی از جایگاه بسیار بالایی در نزد مردم عسلویه داشته و اثرات آن در رفتارها مردم بومی برجسته است و وجود مساجد فراوان با معماری های سنتی و مشارکت گسترده مردم در انجام فرضیه های دینی در نزد مردم متجلی است.

^۱ شاهد بحث و جدل های میان زنان بوده که اغلب ناشی از پیامدهای منفی ورود صنعت و مهاجران گفته است و این خانم از زاویه متفاوت این را بیان داشته است. همچنین لازم به ذکر است که فایل صوتی مصاحبه فوق که توسط نگارنده تهیه شده است، موجود می باشد.

^۲ پنیر نخل ماده ای شفا بخش است که در گذشته به اندازه ای مقدس تلقی می شده که فروش آن به غیر به مثابه مثله کردن جسد مرده بوده است. این دیدگاه از اعتقاد به «نفر» تلقی کردن درخت خرما گرفته می شود، و از آنجایی که استخراج پنیر نخل که همان مغز درخت خرما است با نابودی درخت همراه می باشد،

از لحاظ تاریخی همواره شیوخ به عنوان رهبران محلی محسوب می شدند و حال در منطقه عسلویه با ورود صنعت نفت و گاز و تاسیس شوراهای اسلامی این ویژگی تغییر پیدا کرده و قدرت ریش سفیدان در حل امور اجتماعی کاسته شده است اما هنوز بین نرفته است. اکنون نقش ریش سفیدان و در میان آنها رهبران دینی و امامان جمعه بیشتر به مسائل دینی و فریضه ای می گذرد و به نظر میرسد ریش سفیدان به حاشیه رفته اند اما هنوز هم مورد احترام و اعتماد مردم محلی هستند و در رفع اختلاف محلی هنوز حرف اول را میزنند.^۱

شایان ذکر است که طی تحقیقات تحلیلی به عمل آمده چنین به دست آمد که تحمل و تاب آوری^۲ Community Conservation Resilience آلودگی و مسائل مرتبط با آن امروزه به یکی از فاکتورهای هویتی مردمان این منطقه بدل گشته است.

اما از طرفی دیگر نقش امامان جماعت، تقویت شده است شاهد آن هستیم در تربیون های نماز جمعه اهل تسنن و همچنین اهل تشیع هر جمعه در خطبه های آن به مسائل روز و اجتماعی مانند بحث آلودگی و سلامت و محیط زیست توسط هر دو امامان جمعه پرداخته می شود و این یکی از مباحث روز که به واسطه آلودگی های صنایع نفت و گاز است که به مسائل روز اجتماعی کشیده شده است که قابل تقدیر است و گوش بزنگی مسئولان و تصمیم گیران را می طلبد.

نگرش مسئولین محلی در خصوص مهاجرت و پیامدهای توسعه صنعت نفت

حجت السلام بدری امام جمعه تشیع عسلویه:

تاسیسات پارس جنوبی هرچند برای کشور در آمد هنگفتی فراهم کرده اما شرایط را برای زندگی مردم بومی دشوار و سخت کرده و سلامت آنان را به خطر انداخته است. مسئولان شرکت ها و تاسیسات نفت و گاز قدری هم به فکر سلامتی مردم باشند. واقعا سلامتی مردم عسلویه در خطر است و مردم در معرض بیماری های مختلف ناظهور قرار دارند که روز به روز در حال افزایش انی بیماریها مانند بیماری های پوستی هستیم.

^۱ نکته ای که در این مطالعات و در خلال مصاحبه ها به دست آمد، تغییر نقش ریش سفیدان این منطقه بود؛ بدین ترتیب که این افراد که در گذشته مرجع تمام مسائل و اختلافات مردمان بومی منطقه محسوب می شدند، با کمی مسامحه رقیبی به نام شوراهای در کنارشان بوجود آمد که همین امر باعث کمرنگ تر شدن نقش همه جانبه آنها در حل مسائل مردمان این منطقه می شد.

^۲ Resilience

این مفهوم که به تازگی در ادبیات مردمان بومی وارد شده است در معنای واقعی کلمه شاید بتوان به بازگشت پذیری و کشانی ترجمه کرد و یا به عبارتی دیگر می توان آنرا بصورت زیر تعریف کرد ۱- قابلیت یک ماده یا شئی در بازگشت به حالت اولیه اش ۲- ظرفیت احیاء سریع در مقابله با شرایط سخت محیطی. قابلیت یک نظام اجتماعی- اکولوژیک برای تغییر، از نو سازمان یافتن، و افزایش ظرفیت برای سازگاری با مزاحمت های محیطی است، بنحوی که ساختار ها و عملکرد های اصلی خود را حفظ کند.

امام جمعه موقت عسلویه ادامه داد: از وقتی عسلویه شهرستان شده است، ما که کاری در راستای توسعه عسلویه ندیدیم؛ شهرستان شده اما چیزی تغییر نکرده است آیا مسئولان با این شرایط موجود عسلویه حاضرند در منطقه عسلویه زندگی کنند.

وی با بیان اینکه مردم سه ماه است که آب درست و حسابی ندارند، افزود: باید داد بزنیم و فریاد بزنیم که چرا به داد مردم نمی‌رسید؛ استاندار محترم، ما عمل نمی‌بینیم و همه چیز در حد شعار است، تلاش کنید آبروی نظام را حفظ کنید و به داد مردم برسید.

شیخ ابراهیم محمدی امام جمعه اهل تسنن عسلویه:

ما در منطقه عسلویه از هوای پاک و محیط پاک و فضای پاک محروم هستیم با وجود اینکه سهم بزرگ درآمد کشور از همین منطقه می‌باشد ولی متأسفانه نگاهی به مردم منطقه نمیشود مردم این شهرستان به مرگ تدریجی محکوم شدند، وجود بیماریه‌های مختلف در بین زنان و مردان و کودکان که در گذشته سابقه نداشته بود و کلاً به سبب آلودگی و استنشاق دودهای گاز و پتروشیمی می‌باشد، به هدر رفتن گاز و تبدیل آن به دود لطمه ای به اقتصاد کشور و باعث شیوع بیماریه‌های متعدد و مرگ مردم میشود.

ارتفاع فلرها در منطقه به بیش از ۷۰ متر می‌رسد که علاوه بر آلودگی هوا و انتشار گازهای سمی در محیط، آلودگی صوتی بسیار بالایی هم ایجاد می‌کنند، مردم محلی می‌گویند ما دیگر به این صداهای ناهنجار دائمی عادت کرده‌ایم.

مهاجرت و آسیب‌های اجتماعی در منطقه عسلویه

ورود تعداد زیادی از افراد غیر بومی با فرهنگ‌ها مختلف در یک محدوده زمانی کوتاه مدت بر جامعه محلی تاثیر فراوانی داشته است چون بحث و موضوع تاثیر مهاجران با جامعه محلی است سعی شده است که با موضوع مهاجران بیشتر مسائل و موضوعاتی مطرح باشد. مهاجران را می‌شود حداقل به دو دسته تقسیم کرد:

۱- کارگرانی که از بیرون از منطقه وارد شده‌اند و در پروژه‌های نفت و گاز مشغول بکار شده‌اند این کارگران برخی از آسیب‌های اجتماعی در منطقه بین کارگران شیوع داده‌اند و این به علت شرایط سخت کاری، دوری از خانواده، فقدان امکانات تفریحی و سهولت دسترسی به مواد مخدر به خاطر شرایط خاص جغرافیایی منطقه می‌باشد.

۲- مهاجرانی که بصورت انفرادی و خصوصی در قالب اصناف در سطح شهر و پاساژها و مراکز خرید مشغول به فعالیت اقتصادی هستند.

روابط بومیان در کل با غیر بومیان بسیار محدود بوده یکی از دلایل آن تعصبات مذهبی و خانوادگی در جامعه محلی است و روابط عموماً منحصر به مردان و آن هم بیشتر بر اساس روابط اقتصادی است. البته تعامل مردم محلی با مهاجران و غیر بومیان تغییراتی روی داده است که در اوایل مردم بومی نسبت به مهاجران و غیر بومی‌ها بسیار بدبین بوده‌اند و حتی در برخی موارد رفتارهای خشونت آمیزی با غیر بومیان توسط جوانان بومی صورت گرفته است.

اما به مرور زمان رفته رفته از بدبینی‌ها و برداشت‌های منفی در بین جوانان بومی کاسته شده است. اما هیچوقت از بار نگرانی و احساس امنیت آنها کاسته نشده است.

تغییر در جلوه‌های مختلف فرهنگ محلی در اثر مهاجرت اقوام مختلف و تغییر در پوشش خوراک و حتی زبان البته جامعه محلی به گفته یکی از ریش سفیدان سعی را بر آن گذاشته‌اند که از فرهنگ خود در مقابل با فرهنگ‌های دیگر حفاظت و در بخش‌هایی اگر از بین رفته است راه احیای آن را در پیش گرفته‌اند. بدون شک با استقرار صنعت نفت و گاز وضعیت اقتصادی آنان بهتر شده است و همچنین ارتقاء فرهنگی نیز صورت پذیرفته است.

در سال‌های اخیر نام عسلویه بعنوان پایتخت انرژی نام گذاری شده است و در سراسر جهان شناخته شده است و انعکاس نام عسلویه در رسانه و مطبوعات ملی و بین‌المللی سبب شده تا مردم محلی یک نوع حس هویتی پیدا کنند و سطح اعتماد به نفس مردم افزایش قابل توجهی داشته است.

بر خلاف بسیاری از مناطق مرزی و حاشیه ای کشور، در این منطقه شاهد مهاجرت جوانان به مراکز استان یا کشور نیستیم اغلب جوانان تمایل زیادی برای اقامت در منطقه دارند.

در یکی از تحقیقات انجام شده به بررسی چرایی آسیب پذیری کارگران صنعتی در منطقه عسلویه پرداخته شده است. بر اساس نتایج آن ترکیب متغیرهایی مانند کار سخت، محرومیت، عدم امنیت شغلی، دوری از خانواده، گسستن از هنجارهای اجتماعی و حاکمیت این عوامل بر کارگران و تفاوت های ناشی از متغیرهایی مانند سن، وضعیت خانوادگی، تحصیلات و فرهنگ قومی منجر به شکل گیری فضای فرهنگی می شود که حاوی وسوسه قوی برای درگیر شدن در فرصت های ضداجتماعی و پر خطر و ضداخلاقی می شود.^۱

گلوگاه اصلی در صنعت نفت، منابع انسانی است، شاید باور نکنید در پتروشیمی یک از مشکلات ما، زوج های جوان هستند از آنجا که مناطق جنوبی، امکانات تفریحی و کافی را ندارند، بعد از ۳ یا ۴ سال پس از ازدواج نارضایتی ها در خانواده های آنان مشهود می شود.^۲

در کل دوری از خانواده مشکلات بسیاری زیادی را برای کارکنان و خانواده های آنان ایجاد می کند اختلاف های خانوادگی دامن زده می شود، فاصله بین افراد خانواده زیاد می شود و احساس بدبینی و در بعضی مواقع دچار شکاکیت ها در بین زن و مرد خانواده نسبت به هم و همچنین فشار های جنسی افزون شده است که باعث معضلات اجتماعی و بهداشتی گردیده است که در کدام از این موارد می تواند اگر بصورت عمیق به آنها پرداخته شود لایه های ناآشکار آن پیدا و ظاهر گردد.

یکی از مهندسين نفت و گاز در رابطه با همسرش می گوید:

من اصلا تمایل پیدا ندارم با همسرم در تهران تماس تلفنی برقرار کنم. این تماسهای تلفنی عموماً تبدیل به جنگ اعصاب و ناراحتی می شود و ترجیح می دهم که کمتر تماس بگیرم. دوری از خانواده بسیار سخت است و اینجا هم کسی حاضر نمی شود خانواده اش را بیاورد چند تن از همکاران زن و بچه هایشان را همراه خود آورده اند اما حوصله خانواده سر رفته و و گفته اند اینجا بیشتر به بازداشتگاه شبیه است تا محل زندگی و بعد از مدتی راهی تهران و یا شهر های محل زندگی خود شده اند.

در اینجا صحبت های یکی از زنانی را که شوهرش در عسلویه مشغول بکار است را می آورم:

^۱ خبرگزاری تسنیم، بخش اجتماعی

^۲ منصور معظمی

"شوهرم در عسلویه مشغول به کار است ۲ هفته در عسلویه است و دو هفته هم در تهران. وقتی می آید به خانه بسیار خسته و عصبی است حتی حوصله ندارد با بچه ها مصاحبت کند و روزهای اول مرتب می خوابد و چند روزی هم برای خرید و کارهای اداری سپری می شود همچنین از عدم توجه خانواده به خودش نیز گله مند می شود ۱۴ روز بسیار زود سپری می شود و باز دوباره راهی می شود و باز من می مانم و مسئولیت بچه داری و زندگی و درس و خانه داری. در کل خودم هم فکر می کنم هم او و هم خانواده زندگی موقتی داریم. حتی بعضی از همکاران شوهرم ۲۱ روز در عسلویه هستند و یک هفته در خانه. کارهای خانواده آنان نسبت به من به مراتب سخت تر است و بچه های کوچک از بعد روحی و روانی آسیب های زیادی را می بینند که این را با پول و حقوق بالا نمی توان جبران کرد به نظرم شوهرم نیز از سلامت جسمی و روحی از اوضاع خوبی برخوردار نیست و مرتب که با تلفن در تماس هستیم نگران بچه ها و خانواده است که در نبود خودش مبادا مشکلی پیش بیاید."

قبل از ورود صنعت و تاسیسات عظیم نفتی مردمان محلی از ارتباط های اجتماعی کمتری برخوردار بوده اند و بیشتر رفت آمد ها بین بوشهر و شیراز بود و این رفت و آمد ها اکثرا برای درمان و بیماری ها بود و تا قبل از سال ۱۳۸۲ هیچ دانشگاهی وجود نداشت و فقط در کنگان دانشگاه بود و از بچه های عسلویه فقط ۲ نفر پسر بودند که به کنگان می رفتند و از عسلویه هیچ دختری دانشگاه نرفته بود. زنان خانه دار تفریحی نداشتند و فقط زندگی شان شوهر داری و بچه داری بود. اما بعد از سال ۸۲ رفتار شوهرهایمان نسبت ما بهتر شده است و به نظرم این به دلیل مراوده های ایجاد شده بین بومیان و شکلگیری ارتباط بین آنها کارمندان و مهندسين مهاجر اتفاق افتاده باشد.^۱

پیشرفت های اقتصادی و رفاهی بدون توجه مسائل فرهنگی و بافت خاص اجتماعی و دیگر زیر ساخت های توسعه پیشرفتی تک بعدی و ناقص خواهد بود. حضور و مهاجرت افراد مختلف با فرهنگ ها ی مختلف و با سبک زندگی متنوع در حریم آنان تغییراتی را به همراه داشته است و این تغییرات مشکلات اجتماعی به لحاظ فرهنگی به دنبال خواهد داشت و تغییر الگو ها و شیوه های زندگی متناسب با سرعت توسعه ای نامتوازن که در منطقه حاکم است اتفاق نخواهد افتاد. آنچه که مسلم است تعامل و همزیستی مردم بومی منطقه با شرایط ناگوار اقلیمی و دلبستگی به سرزمین آبا اجدادی، آداب و رسوم و سایر خصوصیات رفتاری و اخلاقی و فرهنگی در مواجهه با جریان نو فرهنگی و تعاملات مختلف با هجوم نیروی مهاجر به منطقه آنان را دچار سراسیمه گی و یا سر در گمی هویتی شده است. از این رو برای حفظ هویت مردمان بومی ارائه تعریف جدیدی از هویت مبتنی بر تمامی جوانب توسعه باید با ابزار های فرهنگی مناسب انجام و مانع از تعارض و دوگانگی هویت آنان شود.

بر اساس مشاهدات از عسلویه افرادی که در شیفت های شب و نوبت های سنگین و طاقت فرسا کار می کنند بیشتر در معرض ابتلا به مواد مخدر و معتاد شدن هستند و علاوه بر آن استرس کارکنان اقماری نیز بر این مطلب صادق است.

^۱ برگرفته از مصاحبه با زنان شهری عسلویه

بالا بودن سطح استرسهای شغلی در میان پرسنل، کارگران و کارمندان می‌تواند توجه‌کننده مصرف مواد مخدر در میان این افراد باشند. همچنین نارضایتی‌های شغلی و دستمزدهای پایین از دیگر عواملی است که می‌تواند سطح ناراحتی و تنش را در پرسنل افزایش داده و منجر به مصرف مواد مخدر در میان این گروه گردد. مجموعه این عوامل می‌تواند باعث افزایش مصرف مواد مخدر در میان پرسنل در محیط‌های کاری منجمله محیط‌های کاری صنعتی شود.

ایشان بر حضور فعال دستگاه‌ها و مسئولین منطقه عسلویه برای چاره‌اندیشی و رسیدگی به مسئله اعتیاد کارکنان و پرسنل کاری نیازمند حمایت ورود وزارت تعاون، وزارت بهداشت، وزارت صنعت معدن و تجارت بر این مسئله را دارند.

و همچنین تاکید بر اهمیت توجه به موضوع پیشگیری در ایران و جهان اظهار کرد: کاهش سطح فشارها و استرس‌ها در محیط‌های کاری و جلوگیری از گرانباری کار و قرار دادن کار زیاد بر عهده کارگر می‌تواند در این زمینه موثر باشد.

حرکت به سمت ایجاد محیط‌های کاری شاد، مثبت و امید بخش به عنوان اقدامی پیشگیرانه در کنار اقدامات مربوط به درمان افراد مصرف‌کننده می‌تواند در کاهش میزان مصرف مواد مخدر در محیط‌های کاری موثر باشد.^۱

بر اساس شیوع‌شناسی که تا کنون انجام شده است نرخ شیوع اعتیاد در محیط‌های صنعتی ۲۱ درصد است. این خطری است که در حوزه صنعت باید بر آن توجه جدی داشت. چرا که مواد مخدر همه اقشار را هدف قرار داده است.^۲

البته با دانشگاهی شدن رشته مبارزه با مواد مخدر در سطوح کارشناسی ارشد و دکترا شاهد روند کاهش و پیشگیری از شیوع مواد مخدر در حوزه‌های صنعتی هستیم یا خواهیم بود.

جوامع بومی توسعه نفت و گاز در عسلویه، اغلب با تغییر در هنجارهای اجتماعی و فرهنگی موجود روبرو می‌شوند. این تغییرات گاهی با افزایش اعتیاد و بیماری‌ها روبرو بوده است و گاهی هم باعث کاهش این آسیب‌ها شده است و از طرفی استقرار تاسیسات نفت و گاز باعث پیوند های مشترک فرهنگی و اجتماعی، مثبت و همچنین باعث کاهش آسیب‌ها شده است.

^۱ فرید براتی، روانشناس و مدیرکل پیشین درمان و حمایت‌های اجتماعی ستاد مبارزه با مواد مخدر

^۲ علیرضا جزینی، قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر

آثار امنیتی مهاجرت در منطقه

قبل از ورود صنایع نفت و گاز مردم منطقه از امنیت بالایی برخوردار بوده اند و امروزه با ورود صنعت و همچنین مهاجران مختلف با فرهنگ های متنوع باعث شده اند که منطقه از امنیت مناسبی با این حجم گسترده پروژه وجود نداشته باشد.

حضور مهاجران باعث شده که رفت و آمد زنان در شهر کم رنگ شود و دیگر آنکه حس امنیت برای آنان از بین رفته است و مجبورند که بیشتر اوقات خود را در خانه ها سپری کنند که این خانه نشینی در بین زنان و دختران جوان باعث پیدایش بیماری افسردگی در بین آنان شده است.

عمده نگرانی های جامعه محلی از هتک حرمت نوامیس مردم، گسترش وسیع اعتیاد، فحشا، زور گیری و دزدی است. طبیعی است که منطقه عسلویه بنا به صحبت های افراد محلی قبل از ورود صنعت نفت و گاز نرخ آسیب های اجتماعی بسیار پایین بوده است نا امنی اجتماعی در پایین ترین سطح قرار داشته و ارتباط اجتماعی بر پایه مناسبات اجتماعی و فرهنگی جامعه استوار بوده در سال های اخیر علاوه بر مسئله اعتیاد خرید و فروش و مصرف مشروبات الکلی که در منطقه رو به افزایش است و با ورود و سیل کارگران و مهاجران غیربومی و همچنین کارکنان و کارگران و مهندسان شرکت های خارجی و فشار های روانی و همچنین فقدان کنترل خانواده باعث شده که کارگران تمایل بیشتری به مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی پیدا کنند.

و البته فحشا نیز از آسیب های اجتماعی است که در منطقه عسلویه و محیط های صنعتی شکل می گیرد به دلیل اینکه دور از خانواده هستند فضا برای انجام کارهای اینچینی فراهم است.

خرید فروش مواد مخدر و معضل اعتیاد عمومیت دارد و بعد از آن دزدی و سرقت و زورگیری و مصرف مشروبات الکلی جزو پیامدهای اجتماعی بعد از ورود مهاجران و صنعت به منطقه می باشد.

علاوه بر آن مهاجرینی از کشور های پاکستان و سیستان و بلوچستان و کشور های اطراف به منطقه آمده اند که بیشتر آنان را دختران و زنان که به ظاهر در قالب تکدی گری با مرکزیت در سه راه عسلویه مشغول کار گدایی هستند اما در واقعیت این اکثر این افراد توزیع کننده مواد مخدر می باشند که مشتریان آنان هم افراد غیر بومی هستند.

امروزه در اثر مصرف مواد مخدر بین مهاجران در منطقه رفتار های پر خطری را شاهد هستیم که باعث بروز بیماری اجتماعی مانند ایدز شده که در عسلویه سرعت آن بسیار پایین است اما در ۵۰ کیلومتری آن یعنی (دشتستان) حکایت از آمار بالای ایدز به میان می آید.

یکی از مسئولین بهداشتی در ارتباط با آمار بیماران مبتلا به HIV در شهرستان دشتستان اذعان داشت در شهرستان دشتستان تا مهر ماه امسال تعداد بیماران آلوده ۱۲۲ نفر بوده که ۱۱۰ نفر مرد و ۱۲ نفر زن را شامل می‌شوند و از این تعداد ۴۶ نفر فوت شده که یک مورد آن زن است.

وی در ارتباط با راه‌های انتقال و پیشگیری این بیماری نیز گفت: در ایران بیشترین راه انتقال از تزریق سرنگ‌های آلوده است که متأسفانه در سال‌های اخیر گرایش به روابط جنسی کنترل‌نشده نیز رو به افزایش است. (محمد رضایی مسئول شبکه بهداشت دشتستان)

در سال‌های اخیر میزان ابتلا به ویروس HIV در کشور افزایش یافته و به عبارتی سن ابتلا آهسته آهسته پایین‌تر آمده است. هرچه سن ابتلا پایین‌تر باشد، کشور در معرض خطر بیشتر است. از سوی دیگر تعداد زنان مبتلا به خصوص در دو سال اخیر افزایش یافته است. هر کشوری که تعداد زنان مبتلا در آن بیشتر باشد، در معرض خطر بیشتری است؛^۱

جوامع بومی که در کنار پتروشیمی‌ها و مخازن و حفاری نفت و گاز، نرخ بالایی از بیماری‌های روحی و روانی و استرس و افسردگی را نسبت به کارکنان در دیگر بخش‌ها را دارند. البته هنوز دقیق نمی‌توان این بیماری‌ها را ثابت کرد.

امکانات رفاهی و زیربنایی و مهاجرت

ورود صنعت به منطقه عسلویه سبب بهبود آموزش، امکانات و اوقات فراغت، بالا بردن سطح دانش و توانایی مردم بومی و رضایت اجتماعی را برآورده نکرده است. به هنگام ساخت تاسیسات نفت و گاز و پتروشیمی‌ها به این واقعیت که آیا منطقه ای کوچک و فاقد امکانات شهری پتانسیل جذب نیروی کار فراوان را دارد یا ندارد، توجهی نشده است. و از سوی دیگر ورود کارگران غیر بومی و بالا رفتن جمعیت ساکن در منطقه سبب گران شدن مسکن و بقیه اقلام هزینه زندگی شده است و علاوه بر آن بار اجتماعی و اقتصادی زیادی به منطقه تحمیل شده است که هیچ تغییری در ساختار امکانات و توسعه انسانی منطقه ایجاد نشده است.

از طرفی دیگر سیل مهاجرت کارگران مجرد با فرهنگ‌های مختلف و نبود امکانات و برنامه ریزی جهت انتقال خانواده‌های کارکنان و کارگران متاهل نیز به بحران‌های اجتماعی موجود و علاوه بر آن فقدان امکانات

^۱ عباس صداقت رییس اداره ایدز وزارت بهداشت

شهری در منطقه عسلویه سبب شده است کارکنان وزارت نفت منطقه عسلویه را جای مناسبی برای زندگی ندانند انتقال خانواده کارکنان به منطقه که از حداقل امکانات شهری به دور است کاری دشوار است در صورت انتقال خانواده ها دیر یا زود شاهد مشکلات ناشی از بحران های روحی و روانی ، فقدان امکانات گذران زندگی سالم ، کمبود ارتباطات اجتماعی و ... روبرو خواهند شد و معضلات را دو چندان خواهد کرد.

در کل هزینه احداث امکانات رفاهی و بهبود فضای شهری و روستایی و گسترش فضا های آموزشی و تفریحی در مقابل هزینه های احداث یکی از ده ها واحد طراحی شده بسیار اندک است اصلا قابل مقایسه نیست اما بی توجهی به رفاه محلی و میزان رضایت مندی از زندگی را برای بومیان منطقه و حتی کارکنان غیر بومی را کاهش داده است و پای در دل هر گروه کاری که می نشینی همه ناراضی اند.

آثار حضور مهاجران بر توسعه محلی

توسعه محلی می باید از درون جامعه و بر اساس شرایط و نیاز ها و مشکلات آن و بر اساس توانمندی های جامعه شکل بگیرد.

طرح جامع توسعه اکوسیستم و فضای سبز در منطقه عسلویه در حال انجام و پیگیری است منتها این توسعه فضای سبز در داخل فوس مجموعه وزارت نفت و منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس شکل گرفته است و جامعه بومی از این نعمت توسعه پایداری بی بهره بوده است. و در مواقعی خود جامعه بومی با کاشت و توسعه درخت های حرا در منطقه خلیج نایبند را انجام داده است چرا که به گفته محلی ها خلیج نایبند خط قرمز جامعه محلی است آنان معتقدند که زمین های خود را دادند و بجای اش آلودگی و معضلات زیست محیطی را دریافت کردند. بقول یک از محلی ها ما در زمان تاسیس مجموعه نفت و گاز حتی ۲۰ درصد از قانون اساسی یعنی اصل پنجاهم را رعایت می کردند وضعیت فعلی ما بهتر بود.

توسعه پایدار روستایی در منطقه عسلویه

در ابتدا قبل از توسعه پایدار روستایی اشاره ایی به تعریف توسعه پایدار بر اساس کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه پایدار را که چنین تعریف کرده است: فرآیند تغییری که استفاده از منابع ، هدایت سرمایه گذاری ها، سمت کثیری توسعه تکنولوژیکی و تغییر نهادی با نیازهای حال و آینده سازگار باشد. این فرایند شامل سه بعد اقتصاد اجتماع و محیط زیست می باشد که اقتصاد رفاه بشری در آینده اصولا از طریق افزایش در

مصرف کالاها و خدمات شروع بکار کرده، حوزه محیط زیستی روی حفاظت از درستی و قابلیت ارتجاعی سیستم های بومی متمرکز می شود، حوزه اجتماعی روی توانگر کردن روابط بشری، رسیدن به آرزوهای شخصی و گروهی و تحکیم ارزشها و سازمان ها تاکید می کند.

آنچه که توسعه پایدار مطرح می کند استفاده بهینه از کلیه منابع (اعم از نیروی انسانی، منابع طبیعی، منابع تجدید پذیر و تجدید ناپذیر، منابع مالی و ...) به منظور تامین رفاه نسل امروز و با حفظ توان محیطی برای توسعه و رفاه نسل های آینده می باشد. آنچه که در مجامع برنامه ریزی در کشورمان و در سطح جهان مطرح شده است الگوهایی است که نظرات را در قالب طرح های اجرایی مانند "صنایع سبز"، "معماری سبز"، "پتروشیمی سبز"، "نگهداری و بهره برداری سبز"، "پیشگیری به جای پالایش آلودگی ها"، "صنعت نفت و توسعه پایدار"، در مدیریت سبز را نشان می دهد.^۱

این در حالی است که در سند "راهبرد توسعه پایدار بخش نفت" که به تایید وزارت نفت رسیده است به ایجاد اشتغال در مناطق محروم و جلوگیری از مهاجرت جمعیت - ازدیاد درآمد ارزی کشور، ایجاد رفاه اجتماعی، بکارگیری فناوری جدید غیر آلاینده - حمایت از انرژی های نو - ترویج فرهنگ بهینه سازی سوخت، بهبود وضعیت هوا و محیط زیست، کمک به اجرای سیاست های آمایش سرزمین در مناطق مختلف کشور به ویژه مناطق محروم که از مصادیق بارز توسعه پایدار و دستور کار ۲۱ است مد نظر این راهبرد قرار گرفته است.

بسیاری از مردمان بومی و دیگر جوامع محلی بر منابع طبیعی از قبیل جنگل ها، بیابان ها، زمین های باتلاقی، آبراه ها، مناطق ماهی گیری به عنوان وسیله ای برای امرار معاش و حتی بقا متکی بوده اند.^۲ این نکته از اصل دهم اعلامیه ی ریو و هنجارهای حقوق بشری مشخص است که این جوامع و افراد آن حق مشارکت در فرایندهای تصمیم گیری نسبت به آن منافع را دارند. آنها ممکن است همچنین دارای حق اساسی نسبت به آن منافع باشند. موضوع مهمی که پیش می آید میزان و حدی ست که مردم و جوامع محلی دارای حق مشارکت هستند. اصل ۲۲ اعلامیه ی ریو اعلام می کند که: « مردم بومی یک سرزمین و جمعیت های محلی وابسته به آن و نیز اتحادیه ها و تشکیلات و سازمان های محلی مردمی که براساس تجربیات و سنت ها و عادات هر کشور بنا شده اند، در خصوص محیط زیست و توسعه نقش بسیار مؤثری ایفا می کنند. دولت ها باید اندیشه، فرهنگ و خواست های آنها را دریابند و مورد حمایت قرار دهند و زمینه همکاری مشترک جهت تحقق توسعه پایدار را فراهم سازند.»^۳

^۱ رضا مکنون عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی امیر کبیر

^۲ Human Development Report, *op.cit*, p 55.

^۳ The Rio Declaration, *op. cit*, Principle 22.

توسعه روستایی مفهومی جدا از توسعه اقتصادی و اجتماعی نیست از دیدگاه "رابرت چمبرز" توسعه روستایی راهبردی است برای توانمند ساختن گروه خاص از مردم شامل زنان و مردان فقیر". توسعه روستایی باید این گروه را وادار نماید آنچه را مورد نیاز خود و فرزندانشان است فراهم کنند و کمک کند به فقیرترین گروه های روستایی که بتوانند از منافع توسعه روستایی حد اکثر استفاده را ببرند. در اینجا بحث فقر و عدالت و ناعدالتی مطرح می شود. عدالت داخل فئس و عدالت خارج فئس با گذشت نزدیک به دو دهه از ورود صنعت نفت و گاز به عسلویه که پیامدهای مثبت و منفی را بر جامعه محلی داشته است. سرعت توسعه در صنعت نفت و گاز بیش تر از توسعه روستایی بوده است.

با ورود صنعت نفت و گاز و تغییر های کاربری ارضی فراوان در منطقه بوجود آمده است و باعث فقیرتر شدن سرزمین و تخریب آن، جامعه شده است توسعه در عسلویه بخشی از زندگی مردمان بومی آنجا می باشد و بر اثر این توسعه حس تبعیض و نا عدالتی در آنها بیشتر شده است مردم منطقه به طور عینی تفاوت های بیشمار داخل فئس مجموعه نفت و گاز را مشاهده می کنند تفاوت های رفاهی و امکانات ویژه (اماکن ورزشی، رفاهی و ... و در بیرون از فئس مشاهده آلودگی، افزایش آسیب های اجتماعی، گرانی، ناامنی و بیکاری و اختلال در کسب و کار آنان نصیب جامعه بومی شده است.

تمامی اتفاقات علیرغم این است که در فصل بیست و ششم "دستور کار ۲۱" تحت عنوان تشخیص و تقویت نقش مردم بومی و اجتماعات ایشان "در بخش اصول اقدام" آمده است: مردم بومی و اجتماعات ایشان رابطه دیرینه با سرزمین خویش دارند و در برنامه های اجرایی توسعه پایدار می باید نقش مردم بومی و اجتماعات محلی آنان از سوی دولت و صاحبان تاسیسات و صنایع نفت و گاز پذیرفته شود.

در ساحل گرم عسلویه و دور افتاده جنوب و در منطقه محروم و عقب مانده عسلویه با همت مدیران و کارشناسان و صنعتگران ایرانی و همکاریهای بین المللی، منابع خدادادی زیر زمینی گاز و مایعات نفتی با تبدیل به سرمایه و ایجاد تاسیسات صنعتی، اجتماعی و رفاهی، موجبات اشتغال ده ها هزار نفر را همراه با رفاه و بهداشت فراهم نموده و تمدنی جدید را بوجود آورده است.^۲

¹Rio Agenda 21

وزیر نفت دولت یازدهم^۲

آبادان که بر مبنای یک پالایشگاه شکل گرفت و مدنیت و هویت و تبدیل به یک تمدن شد اما عسلویه با وجود استقرار نفت و گاز و تاسیس بیش از ده ها پالایشگاه از تمدن و مدنیت در آن خبری نیست. آلان اگر فرزندی از مهاجران و یا کارکنان نفت و گاز دنیا بیاید هیچکدام نمی خواهند در شناسنامه اش صادره از عسلویه باشد.^۱ اگر مروری هم به مسجد سلیمان سرزمین نفت خیز ۱۰۵ سال پیش بیاندازیم آن زمان داری و استخراج از اولین چاه نفت و توسعه پر شتاب با نظم مهندسی شده از سوی همین شرکت های نفتی سرزمین و زندگی ابا جدایی ایلی شان را بر هم ریخت و از همه مهمتر جایگاه زن بختیاری که از مهارت بالایی بعنوان بازوی اقتصادی خانواده بود خانه نشین کردند و آلان وقتی به آن مناطق می رویم فقر و حاشیه نشینی ادامه دارد در واقع اگر توسعه پایداری هم اتفاق افتاده باشد به ماندگاری نرسیده است پیامد های استخراج و توسعه توجه نکردن به جامعه پیرامونی همچنان هویدا است. شاید مردمان بومی عسلویه آینده ۵۰ سال دیگر خود را مثل مسجد سلیمان فعلی ببینند چرا که اگر دولت ها و مجموعه نفت و گاز به پایداری توسعه در منطقه توجه نکنند و فقط به فکر برداشت و استخراج باشند نتیجه ایی بجز مسجد سلیمان های فعلی نخواهند داشت.

بر همین اساس توسعه نه تنها باید پایدار و با دوام باشد و محدودیت های منابع و نیاز های نسل های آینده را در نظر داشته باشد. بلکه باید نیاز های انسانی در درون نسل حاضر را مورد توجه و تاکید قرار دهد. به عبارت دیگر، تاکید بر پایداری توسعه بدون توجه توزیع برابر فرصت های توسعه و بهره مندی اکثریت نسل کنونی جامعه از آن نمی تواند مورد قبول باشد.^۲

مفهوم توسعه پایدار برای نفت و گاز

عبارت "توسعه پایدار" امروزه تقریباً در تمامی اسناد رسمی، مقالات علمی و گفتار های انتقادی مربوط به توسعه حضور دارد. لیکن لازم به توضیح است که این عبارت برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد. یک تعریف کلی مورد توافق برای این عبارت وجود ندارد.

به عقیده برخی از نویسندگان "ماهیت مبهم" این اصطلاح بزرگترین ضعف آن به شمار می رود بطوریکه باعث شده است عوامل مختلفی تعلقات بسیار متنوع، آن را در توجیه مقصد و اقدامات متضاد خود بکار گیرند. برخی دیگر بر این باورند که مفهوم توسعه پایدار بهای کمتری برای روابط و شرایط اقتصادی - اجتماعی که امروزه ریشه اصلی مسائل بنیادی اجتماعی و زیست محیطی جوامع بشری می باشند، قائل شده اند.

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران و معاون مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری

^۲ جمعه پور، محمود، عضو هیئت علمی و استاد یار دانشگاه علامه طباطبائی

برخی دیگر عبارت توسعه پایدار را در پیشبرد دگرگونی های مطلوب ، کاربرد ناچیزی دارد زیرا این عبارت در مبحث فراگیر توسعه مستتر است که خود در اختیار عوامل مقتدری است مانند(شرکت ها، دولت ها، سازمان های بین المللی و ...) که منافع خود را در وضع موجود می بینند.^۱

شاخص های توسعه پایدار محلی در صنایع نفت و گاز

در اینجا شاخص های توسعه پایدار و رعایت پایداری محلی که توسط ۳ سازمان بین المللی در حوزه نفت و گاز به شرکت های نفتی توصیه کرده اند را می خوانیم.^۲

۱- اجتماع و جامعه: تاثیرات بر اجتماع محلی و شیوه مداخله ایشان، مردمان بومی، اسکان مجدد غیر داوطلبانه و سرمایه گذاری اجتماعی صورت گرفته توسط شرکت های نفت و گاز در اجتماعات بومی.

۲- رضایت محلی: شیوه های جلب رضایت محلی، شیوه های استخدام بومیان منطقه در پروژه ها، تامین محلی کالا و توسعه عرضه کالای مورد نیاز پروژه توسط اجتماع و جامعه محلی.

۳- حقوق بشر: در خصوص مقوله ی حقوق بشر ذکر این توضیح ضروری است که در پروژه های نفت و گاز، عمدتاً حقوق بشر و حقوق شهروندی بر مبنای شیوه عمل با نیروی کار مد نظر قرار میگیرد. در این راستا آزادی تشکیل اتحادیه ها و به رسمیت شناختن کارگران و مهاجران کاری برای مذاکره، رفع همه اشکال کار اجباری، امحای هر گونه کار کودکان، امحای هر گونه تبعیض در خصوص اشتغال از جمله موارد حقوق بشر در اقدامات شرکت ها نفت و گاز است. در این راستا از شرکت ها خواسته می شود سه شاخص را گزارش کنند: رویه های خودشان برای رعایت حقوق بشر، حقوق بشر و عرضه کنندگان کالا و خدمات، ایمنی و سلامت و حقوق بشر.

۴- اخلاق حرفه ای و اصل شفافیت: جلوگیری از فساد، ممانعت از فساد در شرکای شرکت های نفت و گاز، شفافیت در کمک ها مالی و پرداخت ها شرکت به دولت های محلی و ملی و حمایت از مردم بومی و مذاکره با آنان.

۵- امور مربوط به نیروی کار: تنوع نیروی کار، مشارکت نیروی کار و شیوه ی جلب رضایتمندی آنان، آموزش های ارائه شده به نیروی کار و تقویت آن، نظام رسیدگی به مشکلات و شکایات کارگران.

۱. ادگاردو گارسیا لارالدی^۱ Edgardo Garcia Larralde

^۲ IPIECA/API/OGP,2011,P.84

اتحادیه جهانی نفت و گاز در خصوص ارزیابی تاثیر اجتماعی پروژه های این صنعت منتشر ساخته را به شرح زیر می باشد:

۱- مشخصات جمعیت شناختی: تغییرات در اندازه و ترکیب جمعیت به دلیل مهاجرت برای کار، یا خروج از منطقه ای به دلیل ایمنی و امنیت یا هر دو دلیل.

۲- پرداخت هایی که انتظار می رود به سطوح مختلف ملی، محلی یا منطقه ای صورت گیرد و همچنین زمان بندی این پرداخت ها.

۳- تاثیرات ناشی از زنجیره تامین کالا، فرصت های تامین کالا از اجتماع میزبان صنعت نفت و گاز، تاثیرات تورمی روی بخش های اقتصادی غیر نفت و گاز.

۴- اشتغال، رویه های جذب نیوری کا، تغییرات کسب و کار و کارهای سنتی بر اثر انتقال مار از آن ها به بخش نفت و گاز، بازگشت کارگران ساختمانی به مشاغل قبلی.

۵- جدول زمانی پروژه ها رونق یکباره ناشی از ساخت و ساز، مرحله عملیاتی، خاتمه فعالیت پروژه و پتانسیل وابسته شدن منطقه به نفت و گاز.

۶- بهداشت و سلامت: انتشار بیماری های جدید به جامعه بومی میزبان، انتقال بیماری ها به کارکنان عملیاتی، تاثیر بیماری های بومی محل بر کارکنان، و انتشار بیماری های خطرناک اپیدمیک مانند ایدز و ...

۷- زیر ساخت اجتماعی: کفایت تاسیسات بهداشتی و آموزشی، حمل و نقل و جاده ها، نیروی برق، آب بهداشتی و سالم هم برای کارکنان و هم جامعه بومی.

۸- منابع: تحصیل زمین برای تاسیسات و اسکان مجدد، افزایش دسترسی به مناطق دوردست، استفاده از منابع طبیعی.

۹- جوانب روانشناختی: تغییر در سبک زندگی های سنتی، انسجام اجتماعی، نگرش ها و رفتار ها، ادراک خطر.

۱۰- دارایی فرهنگی: مناطقی با ارزش های فرهنگی و باستان شناختی، تاریخی، مذهبی، یا زیبا شناختی، که ممکن است تغییر پیدا کند یا دسترسی به آنها محدود شود.

۱۱- برابر ی اجتماعی: شناسایی آن ها که بر اثر استقرار و اجرای پروژه برنده می شوند و آنها که زندگی شان را می بازند.

وقتی این مقولات را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم به نظر می رسد که خود اتحادیه بین المللی نفت و گاز خیلی از موارد را دیده است که درد های مشترک تمام جوامعی است که میزبان این صنعت قرار گرفته است. یک موضوع مهم آگاهی رسانی به جامعه بومی و کارگران مهاجر است که از این موارد اطلاع کافی داشته باشند و بدانند که آنان نیز دارای حق و حقوق و سهمی از توسعه هستند نه اینکه فقط بار منفی و آلودگی های ناشی از توسعه نصیب شان می شود.

مهاجران و مسئولیت اجتماعی شرکتها در منطقه عسلویه

در دهه های اخیر با گسترش روز افزون اثر گذاری سازمان ها بر محور های تشکیل دهنده توسعه پایدار یعنی "اقتصاد" جامعه و محیط زیست مفهومی به نام مسئولیت اجتماعی سازمان ها^۱ CSR در دنیای مدیریت ظهور پیدا کرده است. مسئولیت اجتماعی به طور خلاصه یعنی اینکه سازمان در قبال جامعه ای که در آن فعالیت می کنند، مسئول هستند چرا که از منابع انسانی و طبیعی و اقتصادی این جوامع استفاده می کنند.

در گذشته نیز ورود صنعت نفت در خوزستان، ایلات بختیاری، عشایر عرب و جوامع محلی بر اثر ورود صنعت نفت به کلی دستخوش تغییر و دگرگونی شدند و آثار آن چه مثبت و چه منفی هنوز نمایان است.

و یا به عبارتی دیگر مسئولیت اجتماعی شرکت ها CSR "تعهد مستمر بنگاه به رفتار اخلاق مدار و سهم داشتن در توسعه اقتصادی در کنار بهبود کیفیت زندگی نیروی کار و خانواده هایشان و نیز در مقیاس بزرگتر اجتماعی و جامعه" (شورای جهانی کسب و کار برای توسعه پایدار)

خیلی از مردم بر این باور هستند که دیگر برای شرکتها کافی نیست که بگویند تنها دغدغه شان، کسب سود برای سهام دارانشان است، چرا که آنها مشغول اقداماتی هستند که بطور اساسی (مثبت و منفی) بر زندگی جوامع پیرامونی شان (جامعه محلی) در سرا سر دنیا اثر می گذارد.^۲

مسئولیت اجتماعی شرکت ها با مفهوم توسعه پایدار رابطه تنگاتنگ دارد و چند سالی است که این مورد در دنیای کسب و کار مورد توجه قرار گرفته است و جزو تعهدات اجتماعی این شرکت ها و بنگاه ها قرار گرفته است. مجموعه شرکت های نفت و گاز هنوز در ابتدای راه ورود و پرداختن به موضوع مسئولیت اجتماعی هستند. البته صنعت نفت در تاریخ دیرپای خود عملاً به موضوعات مسئولیت اجتماعی مانند ساخت مدارس،

¹ Corporate Social Responsibility

² Evuleocha,p333

درمانگاه، حسینه، راه و آبرسانی، کلاس های آموزشی در حوزه جغرافیایی پروژه های نفتی شرکت ها پرداخته است اما این اقدامات هیچگاه منجر به گزارش دهی سیستماتیک آن ها نشده است همین امر سبب ناشناخته ماندن فعالیت های شرکت های صنعت نفت و زیر مجموعه آن در حوزه مسئولیت اجتماعی شده است. متأسفانه به دلیل نبود شناخت کافی از مقوله مسئولیت اجتماعی و نبود سازوکارهای لازم ثبت و گزارش دهی و موانع مختلف، ایران جایگاه مناسبی در رتبه بندی های مربوط به مسئولیت اجتماعی کسب نکرده است.

جدول ۲۳- زیر نشانگر جایگاه ایران در مسئولیت اجتماعی در دنیاست.

کشور	رتبه	کشور	رتبه
هلند	۱	اتریش	۱۴
سوئد	۲	اسپانیا	۱۵
سوئیس	۳	پرتقال	۱۶
دانمارک	۴	استرالیا	۱۷
نروژ	۵	کانادا	۱۸
آلمان	۶	ایرلند	۱۹
فنلاند	۷	جمهوری چک	۲۰
اسلوونی	۸	ژاپن	۲۱
فرانسه	۹	قبرس	۲۲
ایسلند	۱۰	یونان	۲۳
ایتالیا	۱۱	لهستان	۲۴
بلژیک	۱۲	ایران (۱۳۸۹)	-
سنگاپور	۱۳	ایران (۱۳۹۲)	-

ماخذ نشریه Fortune و اتاق بازرگانی ایران، ۲۰۱۲

یکی از علل برجسته تر شدن مسئولیت اجتماعی در واقع در پی ناکارآمدی روابط عمومی شرکت ها و بنگاه های کسب و کار است.

رشد و توسعه باید همسو با هم حرکت کنند بنابراین در جایی که توسعه ایجاد می‌شود نباید منجر به هم ریختن ارزش‌ها و ناهنجاری‌ها شود توسعه پایدار زمانی متحقق پیدا می‌کند که نتیجه لذت‌بخشی را به دنبال داشته باشد.^۱

زمانی که منافع ذینفعان مختلف با یکدیگر در تعارض قرار می‌گیرند، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی وارد فاز خاکستری می‌شود و مدیریت شرکتها باید منافع رقابتی آنان را متعادل سازد که بخش مهم این تعارضات از انتظارات مختلف سرچشمه می‌گیرد که به نوبه خود نگرش‌های گوناگون به مسئولیت اجتماعی شرکت را باز می‌تابد.

شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی‌ها جزو پیشاهنگان بحث مسئولیت اجتماعی هستند این موضوع نشان دهنده آن است که تأثیرات منفی طرح‌ها و پروژه‌های نفت و گاز به منطقه پیرامونی بسیار زیاد و بالا بوده است و معمولاً از طرف جامعه بومی مورد اعتراض قرار می‌گیرد. البته ناگفته نماند از طرف دیگر پتروشیمی‌ها و شرکت‌های نفتی در بعضی از مناطق عسویه فعال‌تر از سایر شرکت‌ها بوده‌اند و با دادن اعتبارات خرد، ساختن مدارس و درمانگاه‌ها به نوعی به جامعه محلی کمک می‌کنند. همچنین بعضی از شرکت‌های خارجی نفت و گاز به دلیل نگاه منفی که دولت مردان و سیاست‌گزاران به این شرکت‌های بین‌المللی دارند صلاح را بر این گذاشته‌اند که در قبال فعالیت‌هایی که در راستای مسئولیت‌های اجتماعی انجام می‌دهند آنها را برجسته ننمایند.

مسئولیت اجتماعی باید به یک باور و فرهنگ در میان سازمان‌های و مجموعه شرکت‌های نفت و گاز تبدیل شود تا خدماتی را که به جامعه پیرامونی ارائه می‌دهند مورد پذیرش آنان قرار گیرد و آنان را همراه خود کنند البته ناگفته نماند که بعضی از این شرکت‌ها با وعده و وعید‌های محیط زیستی و ... می‌دهند اما اکثراً ساختگی و بیشتر صوری است به هر حال، تکثیر اطلاعات برای ذینفعان بیرونی و پیرامونی گیج‌کننده است با توجه به چنان مانعی، بیشتر مصرف‌کنندگان بی‌انگیزه می‌شوند. به چنین کارهایی می‌گویند سبز شویی. سبز شویی فعل عمل گمراه کردن مصرف‌کنندگان در باره عملکردهای زیست محیطی یک شرکت یا منافع زیست محیطی یک محصول یا خدمت.^۲

^۱ منصور معظمی، معاون وزیر نفت در امور برنامه ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری، همایش مسئولیت‌های اجتماعی سال ۹۲

^۲ <http://sinsofgreenwashing.org>

بازار مسئولیت اجتماعی شرکت به دلیل مستعد سوء استفاده بودن، پیچیده است. ذی نفعان، به طور عام و مصرف کنندگان به طور خاص، باید هشیار و گوش به زنگ باشند. بین اطلاعات در باره یک محصول که برای بنگاه شناخته شده است و اطلاعاتی در مورد همان محصول که مصرف کننده مشتاق و قادر دسترسی به آن است شکافی وجود دارد. به بیان دیگر عدم تقارن اطلاعات بین سازندگان و عموم خریداران در باره اثرات واقعی اجتماعی، بهداشتی و زیست محیطی کالاهای مصرفی وجود دارد.

بنگاه ها حرف های دلپذیر می زنند ولی لزوما نحوه کسب و کار خود را تغییر نمی دهند. شرکت های بزرگ نفتی و همچنین شرکت های مجموعه نفت و گاز می توانند از کاستن از اثرات گازهای گلخانه ایی بگویند ولی کماکان به حفاری برای هیدرو کربن ها ادامه می دهند.

از طرفی نگرانی هایی تفاوت در آمد ها بین جامعه بومی و کارشناسان صنعت نفت و تبعیض و تعصبات دینی و اثرات فناورانه بر جمعیت بومی و سایر موضوعات از این دست زندگی بومیان منطقه را تحت تاثیر قرار می دهد. صحبت های دکتر طالبیان در همایش مسئولیت های اجتماعی و پتروشیمی : صنعت نفت در هر کدام از بخش ها که وارد سرزمینی شده است آمایش و نظام و هویت آنجا را بر هم زده است.

ایشان در ادامه به توسعه ای که در حال حاضر در غرب کارون در حال اتفاق است و بیشتر نگران آن بودند که این مناطق (آزادگان، یادآوران و ...) عسلویه دومی نشود در انتها ایشان به بحث سکونت گاه های سازمانی که برای کارکنان نفت ساخته شده است اشاره داشتند و معتقد بودند که با دست خود انفکاک اجتماعی بوجود آورده ایم در حالی که در هیچ جای دنیا این انفکاک های اجتماعی بدین صورت اتفاق نمی افتد.

مسئولیت اجتماعی در روند سودآوری شرکت ها تاثیرگذار است و اجرای مسئولیت اجتماعی از سوی سازمانها نباید به عنوان یک مانع در سودآوری نگریسته شود. وی با اشاره به این که امروزه در جهان توجه به مسئولیت اجتماعی شرکتها با شتاب دنبال می شود و شرکتهای صاحب نام بین المللی در حال گسترش فعالیتهای خود در این زمینه هستند، در ایران روی قابلیت های بسیار خوبی برای اجرای مسئولیت اجتماعی شرکتها وجود دارد و در این مسیر صنعت پتروشیمی می تواند پیشرو باشد و زمینه را برای تحقق این امر مهیا کند.^۱

نباید سرعت را فدای کیفیت کرد، هرگونه فعالیت و برنامه توسعه ای در صنعت نفت باید پس از مطالعه کامل شرایط زیست محیطی انجام شود. توسعه با محیط زیست هیچگونه تناقضی ندارند، در موضوع محیط زیست نباید گفت یا توسعه یا محیط زیست، بلکه تجربه نشان داده است که این دو می تواند در کنار هم محقق شوند.

^۱ احمدیان، احمد، عضو هیئت علمی دانشگاه پائبلو کلرادو آمریکا، در همایش مسئولیت های اجتماعی صنعت نفت، تهران، ۱۳۹۲

حفظ صنعت شیلات و دیگر صنایع، در استانهای واقع در حاشیه خلیج فارس باید مورد توجه قرار بگیرد، توسعه صنعت نفت باید همگام با رعایت همه اصول زیست محیطی انجام شود.

نقدی بر مسئولیت های اجتماعی^۱

آیا شرکت ها می توانند در آن واحد هم موفق باشند و هم درستکار؟ هم دنیا را نجات دهند و هم سودآوری مناسب داشته باشند؟

شاید راهبردهای مسئولیت اجتماعی شرکت ها در برخی شرایط خاص موثر باشند، اما در نهایت معمولاً بین نفع شرکت و نفع کل جامعه شکافی بزرگ وجود دارد. دلایل وجود این شکاف را می توان در چهار باور نادرست درباره مسئولیت اجتماعی شرکت ها جستجو کرد:

باور نادرست اول: بازار می تواند در کنار بازده مالی کوتاه مدت نفع اجتماعی بلندمدت را نیز تامین کند.

(واقعیت: منافع سرمایه گذاران و سهام داران شرکت مهم تر از نفع عمومی است)

باور نادرست دوم: مصرف کننده اخلاق مدار عامل تغییر خواهد بود. (واقعیت: مصرف کنندگان بیش از آن که

به اخلاق اهمیت دهند به مسائلی مثل قیمت، طعم، یا تاریخ انقضا توجه دارند)

باور نادرست سوم: شرکت ها بر سر اخلاق مداری با هم رقابت خواهند کرد. (واقعیت: تظاهر به اخلاق مداری

برای روابط عمومی شرکت جواب می دهد و اقدامات بنیادینی صورت نمی گیرد)

باور نادرست چهارم: در اقتصاد جهانی، کشورها بر سر رسیدن به راهکارهای اخلاق مدار رقابت خواهند کرد.

(واقعیت: فشار رقابت نمی گذارد که کشورها دغدغه رعایت محیط زیست و حقوق بشر داشته باشند)

در مسیر تغییر از طریق مسئولیت اجتماعی شرکت ها جایی هم برای بازارها وجود دارد، اما بعید است بازار به تنهایی بتواند پیشرفت مورد نظر طرفداران مسئولیت اجتماعی را به ارمغان بیاورد. مسئولیت اجتماعی شرکت ها عمدتاً تاثیر روانی دارد ولی در بلندمدت قادر به حل واقعی چالش های گسترده اجتماعی نخواهد بود.

^۱ http://yarikadeh.com/fa/content/406?utm_source=Newsletter&utm_campaign=0becb38034-

RSS_EMAIL_CAMPAIGN&utm_medium=email&utm_term=0_6010e433d6-0becb38034-424045749



سودآوری شرکت‌ها نباید به ضرر جامعه تمام شود. طرح از: تانگ یاو هونگ، آیکان

گزینه‌های جایگزین برای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

طرفداران مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برای تدوین استانداردهای جدید، طرح‌های همکاری مشترک، و طرح پاداش و جایزه جهت هم‌راستا کردن مسئولیت اجتماعی با کسب و کار تلاش قابل توجهی دارند، اما شاید بتوان گفت هنوز در تغییر چشم‌انداز کلی در این زمینه موفق نبوده‌اند. معمولاً پیامدهای ناخواسته رفتاری مطلوب هم به مشکلات ثانویه منجر می‌شود. هدف مک‌دونالد از فروش سیب مقابله با مشکل چاقی بود، اما در عمل از بین رفتن تنوع زیستی را در تولید سیب به همراه داشت، چون این شرکت بر ماندگاری و یکسان بودن سیب‌های خریداری‌شده اصرار دارد و کمتر پیش می‌آید چنین کاری بر توسعه پایدار تاثیر مثبت داشته باشد. به هر حال باید از خود پرسیم آیا به جای حل مشکلات اساسی، بیشتر در پی گسترش راهبردهایی بوده‌ایم که روند معمول کسب و کار را به پیش می‌برند یا خیر. شاید راهبردهای دیگر از تنظیم مستقیم رفتار شرکت‌ها گرفته تا راهکارهای بنیادی مثل بازنگری در نهاد شرکت در رسیدن به نتیجه مطلوب موثرتر باشند.

به منظور تحلیل پیامد حضور گسترده مهاجرین در منطقه عسلویه، در این قسمت ضمن جمع‌بندی آثار و پیامدهای حضور مهاجرین در منطقه از دیدگاه مصاحبه شونده‌گان، آنها را به دو دسته مثبت و منفی نیز تقسیم شده‌اند که در جدول ذیل مشاهده می‌شود:

جدول شماره ۲۴

جدول تحلیلی آثار پیامدهای حضور مهاجرین (مثبت و منفی)			
آثار مثبت		آثار منفی	
۱	ایجاد دانشگاه ها و کلاس های فنی حرفه ایی و بهره مندی خانواده های بومیان منطقه از امکانات دانشگاهی	۱	افزایش میزان جرم در منطقه
۲	بهره مندی از امکانات بهداشتی و درمانگاهی مجموعه وزارت نفت در منطقه	۲	محبوس شدن زن های بومی منطقه در خانه ها، به خطر افتادن امنیت رفت آمد های شبانه برای بومیان زنان منطقه
۳	افزایش سطح نیازمندی های اقتصادی مردم محلی و بومیان به خارج از منطقه	۳	ترویج فرهنگ فاقد اخلاقیات در بین مهاجران
۴	بالا رفتن ارزش قیمت زمین و اجاره داری و کسب درآمد	۴	شیوع اعتیاد به مواد مخدر و الکل در منطقه
۵	مطرح شدن نام عسلویه در سطح بین المللی بعنوان پایتخت اقتصادی ایران	۵	دریا خواری و ساحل خواری توسط شرکت های نفت و گاز
۶	فرصت های جدید اشتغال برای جوامع بومی و محلی	۶	جدایی بین طبقات اجتماعی و تضعیف نهاد های محلی
۷	تغییر در سیستم رفت آمد و حمل و نقل بخاطر گسترش راه های محلی و گسترش امکانات و تاسیسات زیر بنایی هوایی دریایی	۷	تنش های اجتماعی ما بین جوامع سنتی و بومی و افراد تازه وارد (مهاجران کاری)
۸	افزایش درآمد عمومی	۸	آلودگی هوا (فلر های شعله ور)
۹	افزایش انگیزه و میل به تحصیل در بین افراد جامعه محلی بویژه جوانان و زنان	۹	عدم توجه به مسائل فرهنگی در کنار توسعه
۱۰	تقویت مبلمان شهری و محیط پیرامونی	۱۰	بروز مسائل اجتماعی در پی اختلال در الگو های زندگی سنتی

۱۱	بالا رفتن فعالیت های اقتصادی	۱۱	از بین رفتن دانش بومی کشاورزی و آبیاری در اثر ورود و هجوم صنایع نفت و گاز
۱۲	افزایش توانمندی جامعه محلی در مذاکره با مسئولین نفتی و توسعه ارتباط و تعامل با مسئولین مختلف منطقه	۱۲	ازدیاد نگرش منفی و نگرش تبعیض آمیز در بین بومیان منطقه
۱۳	افزایش مهاجرت پذیری و بالا رفتن درآمد اصناف مختلف محلی	۱۳	اعمال تبعیض به واسطه سنی بودن عمده بومیان محلی ها می گویند نگاه به بومیان و سنی ها تحقیر آمیز است
۱۴	جلوگیری از مهاجرت محلی ها	۱۴	فشارمسئله جنسی به خاطر طولانی بودن حضور مهاجران در منطقه
۱۵	بالا رفتن سطح انتظارات محلی برای بومیان	۱۵	مهاجرت و فرار خانواده های بومی از عسلویه به استان ها و شهر های مجاور
۱۶	افزایش شغل های جدید فنی بخاطر نیاز های صنعت نفت مانند تعمیرات مکانیکی بیل مکانیکی ، تعمیر لودر	۱۶	شیوع بیماری ها تنفسی و ریوی (خاص) بین بومیان در اثر تعاملی بین مردم بومی و شمار زیادی از مهاجران
۱۷	برگزاری کلاس های نخه پروری به دانش آموزی رای بومیان، آمادگی برای کنکور	۱۷	ازدیاد تصادف رانندگی بویژه جوانان با موتور سیکلت
۱۸	تقویت خطوط مخابراتی و تقویت تلفن موبایل	۱۸	بدقواره شدن شهر در جاهایی که تاسیسات راه اندازی شده است
۱۹	کمک شهرداری ها به توسعه فضا سبز	۱۹	نبود وسیله رفت و آمد ارزان قیمت بین فرودگاه تا شهرک های اقماری
۲۰	تامین ۲ دستگاه آمبولانس	۲۰	نبود فضای مناسب برای استفاده در موقع استراحت مهاجرین در کمپ ها
۲۱	برگزاری جشنواره های مذهبی	۲۱	با لا رفتن سطح انتظار بومیان انتظار بیش از حد از مسئولین و در نتیجه وابستگی مردم به دولت و مسئولین نفت و گاز
۲۲	کمک به تهیه و تامین لباس های ورزشی در منطقه	۲۲	آلودگی ها به علت پساب های نا مناسب مجتمع پتروشیمی ها و گازی
۲۳	افزایش مهارت های اشتغال در جوامع	۲۳	دوقطبی شدن جامعه (دولتی ها و مهاجران ..

	بومی عسلویه	یک گروه و جامعه محلی گروه دوم
۲۴	افزایش آمبولانس در منطقه	۲۴ عدم امنیت شغلی بومیان و تفاوت های حقوق و امکانات
۲۵	دسترسی مردم بومی به امکانات بهداشتی	۲۵ اعمال تبعیض به واسطه سنی بودن عمده بومیان محلی ها می گویند نگاه به بومیان و سنی ها تحقیر آمیز است
	دسترسی مردم به مایحتاج اساسی زندگی	۲۶ افزایش پرونده های قضایی غیر بومیان
۲۶	افزایش آگاهی و شناخت عمومی در بین جوامع بومی	۲۷ مشکلات افسردگی، روحی و روانی در بین مهاجران و همچنین جوامع بومی
۲۷	تقویت شورا های روستایی	۲۸ کمبود پزشکان متخصص با توجه به شرایط نامساعد محیط زندگی بویژه پزشک سوانح سوختگی
۲۸	ایجاد مراکز ورزشی برای زنان شهری عسلویه	۲۹ آینده تاریک مولید در منطقه به علت آلودگی ها
۲۹	اختصاص دادن بودجه برای کتابخانه های منطقه	۳۰ تخریب صیدگاه های بومیان و مهاجرت ماهی ها و دلسردی صیادان به علت کاهش صید و از بین رفتن بازار های محلی
۳۰	راه اندازی بیمارستان نفت در عسلویه	۳۱ دفن غیر بهداشتی زباله ها پشت روستای بستانو
۳۱	افزایش نرخ تحصیلی در بین جوانان جوامع بومی	۳۲ تغییرات فرهنگی در یک محیط سنتی در اثر ورود مهاجرین با فرهنگ های و اخلاق های متفاوت در کنار بومیان
۳۲	افزایش انگیزه های اقتصادی در محیط های پیرامونی	۳۳ شانه خالی کردن سازمان ها و نهاد های موجود در عسلویه که همه را به وزارت نفت حواله می دهند.
۳۳	ارتباطات و تعاملات بین جوامع بومی و مدیران صنعت نفت و گاز	۳۴ کمبود آب شیرین و بهداشتی در روستا ها و بالا رفتن قیمت آب برای محلی ها (افزایش مخارج خانواده)
۳۴	در بعضی مواقع تعامل بین جوامع بومی با	۳۵ شکل گیری خوابگاه های کارگری با

معضلات اجتماعی		مهاجران برگزار شده	
تغییر سبک زندگی و مناسبات و روابط خانوادگی در بین جوامع بومی	۳۶	افزایش استفاده از امکانات آموزشی که مجموعه نفت و گاز در اختیار جامعه محلی قرار داده است	۳۶
ایجاد شکاف بین سطوح انتظارات و نیاز های جامعه محلی	۳۷	بالا رفتن توانایی و سطح انتظارات بومیان نسبت به سال های گذشته	۳۷
بهم ریختگی ساختار ایلی و قبیله ایی جامعه محلی بواسطه ورود صنعت نفت و همچنین تغییر و اختلال کاهش نقش اجتماعی پرسنل اقماری	۳۸	و اشتیاق به درس خواندن زنان و باز شدن فضا برای تحصیل دختران (البته این فضا با ممانعت های برخی از خانوادگی مواجه است)	۳۸
خالی شدن سفره آبریان در دریا بخاطر رفت و آمد کشتی ها و آلودگی دریا	۳۹	در این سال های تحریم که کار ها سبک تر شده است کاهش کاهش مصرف مواد مخدر را شاهد هستیم.	۳۹
تبعیض در بکارگیری نیرو های جامعه بومی باعث ایجاد بدبینی در جامعه بومی می شود که تبعات خاص خودش را دارد	۴۰	آسیب های اجتماعی در زندگی	۴۰
نبود سینما و فرهنگ سرا و کلاس های آموزشی ، زبان در عسلویه	۴۱		
بیکاری همسران شاغلین و مهاجرین نفتی	۴۲		
مشکلات محیط زیستی ناشی از صنعت	۴۳		
فراموشی مشکلات کارکنان اقماری	۴۴		
اختلال و ضعف فرهنگ رابطه همکاری در بین مهاجران و جامعه بومی	۴۵		
آسیب دیدن صیدگاه (صیادان) جامعه بومی و همچنین تخریب زیستگاه لاک پشت های پوزه عقابی توسط تاسیسات نفتی و گاز	۴۶		
دپوی دفع زباله و پسماند ها در محل زندگی مردم بومی (۲ کیلومتری روستای بستانو	۴۷		

فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارایه پیشنهادات

تا چند سال پیش طرح‌های توسعه‌ای از جمله طرح‌های توسعه نفت و گاز بطور معمول با ملاحظات اقتصادی صرف انجام می‌شد و عمدتاً نگرانی و ملاحظات اجتماعی بسیار کم‌رنج بوده است و مسئله ورود مهاجرین به طرح‌های صنعتی و درگیر شدن جوامع محلی مطرح نبوده است. بر همین اساس این پژوهش که با هدف تحلیل تاثیر مهاجرت افراد به منطقه عسلویه و بررسی راهکارها و نظرات جامعه محلی در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از حضور مهاجرین نگاشته شد.

در این پژوهش با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای در مجموعه وزارت نفت و انجام سفر و بازدیدهای میدانی و مصاحبه با ذینفعان مختلف به بررسی وضعیت موجود و نگرش مردم محلی نسبت به مهاجران و ورود صنعت و پیامدها و تاثیرات آن به منطقه عسلویه صورت پذیرفت. در فصل ۱ به بیان مسئله و ضرورت آن و همچنین معرفی منطقه مورد مطالعه عسلویه و جمعیت بخش عسلویه در ادوار مختلف قبل و بعد از ورود صنعت نفت گاز و بویژه مهاجرین کاری پرداخته ام. در فصل ۲ به چارچوب نظری و ادبیات تحقیق و به پیشنهاد تحقیق داخلی و خارجی و نظریه‌های مهاجرت و انواع مهاجرت و تعریف جامعه محلی نمونه‌هایی از مناطق نفتخیز داخلی و همچنین نمونه‌های مشابه خارجی در این فصل مطرح گردیده است. در فصل ۳ با توجه به اینکه این پژوهش که با روش کیفی صورت پذیرفته و با جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه، مشاهده مستقیم، تعامل‌های شفاهی و همچنین استفاده از روش بحث متمرکز گروهی گردآوری شده و متمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در آن اشاره کرده‌ام و سپس جامعه و نمونه آماری تحقیق تعریف می‌شود. در نهایت، در فصل ۴ به یافته‌های تحقیق مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته شد.

امروزه در جامعه جهانی و به ویژه در چارچوب حقوق بین‌الملل، جوامع محلی و مردمان بومی به عنوان یکی از بسترهای مهم توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته‌اند، این جوامع در رویکرد توسعه مشارکتی نقش اساسی داشته و در صورت به کارگیری ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های آنها می‌توانند روند توسعه پایدار را تسریع نمایند با این حال و علیرغم عضویت دولت ایران در بسیاری از اسناد حقوقی بین‌المللی مرتبط، در کشور ما علیرغم سابقه نسبتاً دیرینه نظام قانونگذاری، معمولاً در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه کشور، نسبت به حقوق و جایگاه مردمان بومی و محیط زیست شان توجه کافی به عمل نمی‌آید و این امر گاه به چالش‌ها و بحران‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود^۱ به

^۱ پیام دکتر طالبیان به اولین همایش ملی «حقوق مردمان بومی و جوامع محلی در حقوق بین‌الملل و داخلی»، کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۴.

طوری که نمونه هایی از این چالش ها را امروزه در برخی مناطق نفتی کشور شاهدیم. از بین رفتن معیشت و برخی مشاغل سنتی (دامداری، ماهیگیری، کشاورزی و تجارت محلی)، تخریب و آلودگی محیط های طبیعی، دگرگونی در فرهنگ بومی و محلی به واسطه حضور مهاجران نیروی کار غیربومی، از جمله این چالش ها می باشد. در پاسخ به چنین چالش هایی، یکی از گام های اساسی بررسی منابع و نظام حقوقی داخلی و بین المللی است، تا ضمن افزایش آگاهی جامع تر نسبت به جایگاه و حقوق بومیان، الزامات و مکانیسم های نظارتی و اجرایی لازم نیز پدید آید. در منطقه عسلویه، با تغییرات ایجاد شده و ورود توسعه صنعتی با این شکل و شمایل بد قواره اما اقتصادی و با سرعت بالای مجموعه صنعت نفت و گاز به منطقه عسلویه تقابل و تعامل بین صنایع و تاسیسات و پتروشیمی ها و جامعه محلی ایجاد گردیده که در نوع خودش بی نظیر است چرا که اکثر روستاهای که قبل از ورود صنعت بافت سنتی خودش را حفظ کرده بود اما اکنون در محاصره پالایشگاه های گازی، تاسیسات صنعت پتروشیمی، تاسیسات فراساحلی و ... گرفته و این تغییرات و ایجاد دوگانگی بویژه مسئله مهاجرت کاری و تبعات آن می تواند فرصتی برای ورود جامعه شناسان، محققین علوم اجتماعی، توسعه اجتماعی و روستایی و همچنین محققین توسعه پایدار باز کند. در حقیقت، مناطق اینچنینی منطقه ای برای چالش های توسعه و مهاجرت کاری است در نهایت با تغییر الگوهای از پیش تعیین شده در واقع می تواند و از ابتکارات و نوآوری های جامعه بومی و همچنین مسئله مهاجران که بازوی کاری و یدی توسعه هستند، استفاده کرد. شاید در همان عنوان بررسی تاثیر مهاجرت بر منطقه عسلویه، ذهن هر خواننده ای همچون شخص نگارنده ناخود آگاه به سمت آثار منفی چنین مهاجرتی معطوف گردد و هیچگونه تاثیر مثبتی را نتوان متصور شد. این در حالی است که از طریق غور و تحقیق عمیق در این خصوص، دست کم برای نگارنده مسجل گشته است که چنین مهاجرتی علاوه بر آثار منفی، اثرات مثبتی را نیز بر منطقه و مردم بومی آن بر جای گذاشته است. از آنجایی که رمز پایداری و ماندگار بودن هر تحقیقی اجتناب از یکجانبه گرایی و سوگیری محقق آن پژوهش است، لذا چشم پوشی از تاثیرات مثبت پدیده مهاجرت به منطقه عسلویه که تابعی به واسطه صنعت نفت در این منطقه است، درست نمی نماید. حال باید دید که با وجود آثار مثبتی که مهاجرت و ورود صنعت نفت بر منطقه عسلویه بر جای گذاشته است، آیا می توان گفت که هرچند با کمی اغماض می توان از آثار منفی آن چشم پوشی کرد یا نه؟

به عنوان نمونه، فرصت تحصیلی برای جوانان و منجمله زنان علیرغم جامعه سنتی و مردسالار که مانع حضور اجتماعی زنان می شود نسبت به گذشته باز تر شده است و حال می بینیم بسیاری از زنان بومی منطقه در سطوح عالی تحصیل کرده اند در سطح سیاسی هم اکنون مشاهده می شود نماینده مردم عسلویه و دیر و کنگان را یک زن بدست آورده است. این خود نکته مهمی است.

نکته مهمی که نباید فراموش کرد این است که حقوق افراد در قالب حقوق بشری و حقوق شهروندی، تک تک افراد فارغ از تمام تفاوت‌هایشان دارای حقوقی اولیه هستند که نقض آن حقوق مسئولیت دولتها را در پی دارد. نتیجه منطقی این بحث چنین خواهد بود که همانطور که مردمان بومی منطقه عسلویه باید از حقوق اولیه بشری و شهروندی در منطقه عسلویه برخوردار گردند، باید همین حقوق را برای مهاجران به این منطقه نیز متصور شد. که این وجه اشتراک هم جامعه محلی و هم مهاجران می باشد.

در نتیجه، توجه بیشتر به مسائل مهاجران اقماری^۱ که مسائل خواص خودش را دارد (کاهش تعاملات اجتماعی منجر به بیماری های روحی و روانی و استرس و افسردگی. دچار تغییرات روحی و روانی – سرگران شدن در دریا در مواقع طوفانی دریا بخصوص زمان بازگشت و وقت استراحت و مرخصی در واقع به قول خودشان زندگی موقت و با طعم دوری را تجربه می کنند. حتی خانواده های مهاجرین اقماری هم دارای مشکلات متفاوت تر از بقیه مهاجرین هستند. به خاطر بعد مسافت و شرایط نتوانستم که در روی سکوها و مخازن حضور پیدا کنم و برای دریافت اطلاعات فقط با چندین نفر از کارکنان اقماری روی سکوها در منطقه دیداری داشتم. نکته مهم در این است که هرچه که عمیق تر وارد جامعه می شویم به لایه های پنهان اجتماعی و انسانی عمیق تری پی می بریم که قبلا اصلا به آن فکر هم نمی کردم.

در نهایت و با توجه به موارد بحث شده در این تحقیق، به باور نگارنده توجه به موارد زیر در زمینه توسعه پایدار منطقه عسلویه از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است:

- مهاجران و جامعه محلی که هر دو دارای حق و حقوق هستند
- ارتقای مشارکت جوامع بومی و محلی، ظرفیت سازی و به کارگیری نیروهای بومی در صنعت نفت و گاز
- توسعه مفهوم مسئولیت اجتماعی در منطقه بین مدیران نفتی و مسئولین
- اولویت قرار گرفتن به بهبود زندگی و سلامت مهاجران و کارگران در کمپ های اسکان
- افزایش دفاتر مشاوره و ترک اعتیاد در منطقه عسلویه
- ایجاد مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت برای مهاجران و جوامع بومی و محلی

^۱ . OFFSHORE به کارگرانی گفته می شود که در دریاها و سکوها های نفتی فعالیت می کنند.

- به رسمیت شناختن حقوق مردمان بومی منطقه عسلویه و دیگر مناطق مشابه نفت و گاز
- توسعه طرح های مشارکتی
- حفاظت و مدیریت مناسب محیط زیست و آلودگی ها
- استفاده از تجربیات عسلویه در طرح های جدید نفت و گاز و پتروشیمی در مناطق ساحلی (جاسک، چاه بهار، یادآوران و غرب کارون)
- استفاده از روش های نوین پیشگیری و درمان
- ورود جامعه شناسان بویژه روستایی به بحث مهاجران در عسلویه و مناطق مشابه نفت و گاز

منابع و مآخذ

الف) فارسی

- ۱- پاپلی یزدی، محمد حسین و محمد امیر ابراهیمی، نظریه های توسعه روستایی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۷
- ۲- طالب، مهدی، شیوه های عملی مطالعات اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
- ۳- مهندسین مشاور لار، گزارش اقتصادی و اجتماعی، پارک ملی نایبند، ۱۳۸۴
- ۴- مجنونیان، هنریک، دانه کار، افشین، پارک های ملی و مناطق حفاظت شده ساحلی- دریایی، خلیج نایبند، فصلنامه محط زیست، انتشارات سازمان محیط زیست شماره ۶۵، ۱۳۷۷
- ۵- کتاب: توسعه پایدار روستایی
- ۶- نفت، دوگانگی، مقاومت و وابستگی: نتایج دو بررسی در بهرگان و عسلویه سعید معید فر نشریه توسعه روستایی شماره دوم دوره اول شماره ۳۷ بهار و تابستان ۱۳۸۹
- ۷- انجمن جامعه شناسی ایران. (۱۳۸۴) بررسی اثرات اجتماعی و فرهنگی توسعه صنعت نفت و گاز (منتشر نشده)
- ۸- طالبیان، امیر. و فاضلی، و دغاغله، (۱۳۷۸) تحلیل تاثیر اجتماعی و فرهنگی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه. نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳

- ۹- فاضلی، محمد و همکاران، پی آمد های اجتماعی و فرهنگی استقرار تاسیسات نفت و گاز در جزیره خارگ، موسسه مطالعات بین المللی انرژی (منتشر نشده)
- ۱۰- ملاکی، احمد، بررسی اثرات اجتماعی قطب های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی، مطالعه موردی قطب رشد صنعتی عسلویه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تهران، ۱۳۸۸
- ۱۱- نبی پور، ایرج، راهنمای ارزیابی اثر بر سلامت در صنعت نفت و گاز، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر، ۱۳۹۱
- ۱۲- دبیری علی ارزیابی و تحلیل نظام مدیریت زیست محیطی و توسعه پایدار در منطقه عسلویه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۰
- ۱۳- انجمن جامعه شناسی ایران، توسعه صنعتی و چالش های فرهنگی و اجتماعی در حوزه پارس جنوبی، ۱۳۸۴
- ۱۴- بولتن، شماره ۱۴ شورای عالی حفاظت محیط زیست، کمیته ملی توسعه پایدار، ۱۳۸۳
- ۱۵- ویژه نامه مسئولیت پذیری اجتماعی سازمان ها " راهی به سوی خلق آینده ای پایدار ". وزارت نفت . موسسه مطالعات بین المللی انرژی. سازمان مدیریت صنعتی مشاوره آموزش تحقیق
- ۱۶- جزنی، نسرین، احمد کاوسی، علی محمد گودرزی، مسئولیت اجتماعی استراتژیک شرکت، سازمان مدیریت صنعتی ۱۳۹۳
- ۱۷- فرهادی، مرتضی، صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن، آسیب شناسی روند توسعه پایدار در ایران، دو فصلنامه علمی - و تخصصی دانش بومی ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۳
- ۱۸- جمعه پور، محمود، برنامه ریزی محیطی و پایداری شهری و منطقه ای (اصول، روشها و شاخص های محیطی پایداری سرزمین) انتشارات سمت، ۱۳۹۲
- ۱۹- طالبیان، سید امیر، راهنمای عملی ارزیابی تاثیرات اجتماعی در صنعت نفت و گاز ایران، موسسه مطالعات بین المللی انرژی، ۱۳۹۱
- ۲۰- بررسی پدیده حاشیه نشینی در استانهای کشور- ۶۲ چهارمحال و بختیاری، خبرگزاری مهر، شناسه خبر: ۲۵۶۲۸۶۳، ۵ خرداد ۱۳۹۴

۲۱- سید امیر، طالبیان، آینده وضعیت تعامل اجتماع محلی، و نفت در منطقه بهرگان و تاثیر آن بر توسعه صنعت نفت، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت، شماره ۱۶، سال چهارم،

۱۳۹۲

۲۲- فیروزان، سارا، بررسی و تاثیر ریزگردها بر نرخ مهاجرت و آسیب های اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، ۱۳۹۵

۲۳- حاج حسینی، حسین، سیری در نظریه های مهاجرت، مقاله درج شده در فصلنامه راهبرد، ۱۳۸۵

۲۴- لهسایی زاده، عبدالعلی، یگانه سازی نظریات مهاجرت داخلی، (ترجمه) انتشارات نوید، ۱۳۶۸

۲۵- فکوهی، ناصر، تقابل فرهنگ ها در مهاجرت و پیامد های آن، گفتگو، روزنامه شرق، ۷ مرداد ۱۳۸۶

۲۶- عزیز پور، فرهاد، قاسمی، سید عاطفه، نقش منطقه اقتصادی پارس جنوبی (عسلویه) در تحول مکانی

سکونتگاه های روستایی مطالعه موردی: روستای اخند (ناحیه کنگان) نشریه تحقیقات کاربردی علوم

جغرافیایی، جلد ۱۶، شماره ۱۹، ۱۳۸۹

۲۷- بذرافشان، جواد، محمد نیا، طیب، تحلیل پیامد های ایجاد مناطق ویژه اقتصادی بر توسعه اقتصادی

روستاه ها مورد شناسی: بخش عسلویه شهرستان کنگان، نشریه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه ای،

شماره ۶، ۱۳۹۲

۲۸- فاضلی، محمد ارزیابی تاثیرات اجتماعی زیر نظر اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری -

تهران جامعه شناسان ۱۳۸۹،

(ب)

B-English,

1.Books,

2.Articles,

(ج) منابع اینترنتی

- سایت مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر به آدرس:

<http://www.mpob.ir>

<https://www.medlifeweb.org/blog/item/201-migration-in-ecuador.html>

www.iies.org